

« حیات روزی »

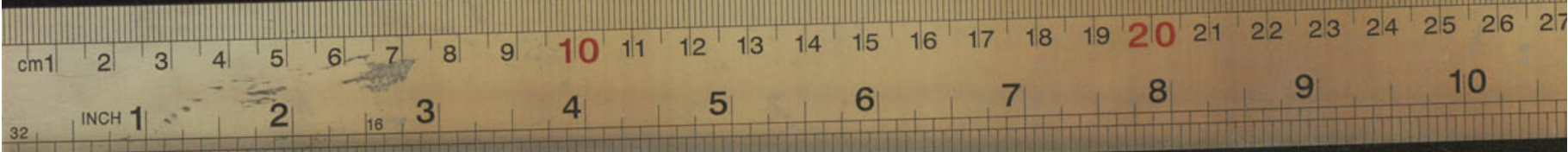
« مصطفیٰ پلوی »

بازدید شد  
۱۳۸۴



کتابخانه مجلس شورای اسلامی	
کتاب رساله در معنی	جمهوری اسلامی ایران
مؤلف مصطفیٰ روزی	شماره ثبت کتاب
مترجم	
شماره قفسه ۹۸۱۷	۸۵۶۶

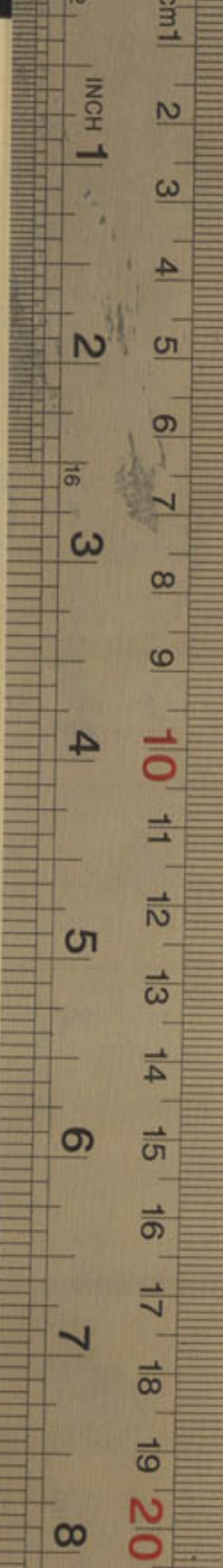
خطی - فهرست شده  
۹۸۱۷



لحمه نفس و چاک پسته  
معیبات رموزی - از مصطفی حلی مخلص

از فضلا و شرای ترک میباشد و کتاب خود را بنام سلطان سلیم و در تاریخ ۹۷۵ هجری  
تالیف و تقدیم نموده شال ۹۷۰ و از آنجا میباشد نسخه حاضر در شهر محرم سنه ۹۸۸ و  
مشبه قطنیه نوشته شده است

توضیح با آنکه علم و فن مکار و زکاری بسیار راجع و فضلا و بزرگان بران  
راغب و شایق بمحور ساله های حدیده بغاری معرفی در باره آن تصنیف نموده اند و اکنون  
منزوک و منوخ گردیده و بچک از ادبا، از دوسه قرن پیش بران آچار کرده اند و با  
آنکه برای طبع ازمانه و تشدید دین و نورنگانی و بخشش کانی معیای دین و کانی است  
از فنون ادب بیرون شد ولی کارز به بنکته هم در خور توجی از آن علم شدم با معنی که کرم  
کتاب بزبان ترک و بنام پادشاه عثمانی تصنیف شده و در ان موقع مابین سلاطین ترک و پادشاهان  
صفوی پیکار و جنگهای شدید و دشمنی در کار بوده با وجود اینها نفوذ و تقوی زبان پارسی  
بوده که گونه متهور زبان فارسی بوده نه زیرا از ۹۷۰ معما بعد از آن بکانه ری است  
و نکته دقیق و جالب اینست که معماهای که بغاری گفته هم از حافظی و هم ادب سحره تبار  
مقالیه با معماهای ترک نیست و اگر بریده انصاف بگویم گویند از ادب در عدل شرای  
عجب و ممتاز فارسی و اشعارش را که چه یک ترک زبان سروده جز و اما در ادب  
عالی شمرده و رموزی را یکی خود تجلید و مورد احترام قرار دهم  
دو اثر و در از فضلی عثمانی یکی بسج (خادم القرآن ابو الوفاء شیخ سلیمان سنه ۱۱۱۰)  
و دیگری هم گویا از هموست در بالای صفحه اول - بعضی از اشعار فارسی رموزی  
را برای نمونه طبع او در صفحه دیگر یارم



۱۶	آن در عشق آن جوان تازه تا در زیره ام	آن از زحمت بگران بر دل سله دیده ام
۱۲	روز دل افروز دوری چون شست	ورد جان تا صبح یارب یار بست
۱۹	بست این دریای اخضر را کران	ساحل دریای دلها به نیت ن
۱۹	مایل چشم از نبودی ابرویش میبود کی	گوشه نه از ابرویش بر دم چو می آمدی
۲۰	بهبار آمد جوی اخالی نشنیم	تخت از بامه و شانی ز گل هم
۲۰	دین بودیم منی مانند او بیدانی	شد هم شانی ماهی که نه از دوشانی
۲۲	بلان تا که بنمایید بر ل رو	بنیند چشم من هر لحظه سو
۲۲	نه تنها عشق دی ای دل تو داری	رخس گمده است دلم را فراری
۲۴	هر که از آن گفته ایم او صافی	عاقبت شد می پرستی کار دی
۲۸	جان بنهد داغ به دل متصل	عرض کند تا یکی داغ دل
۸۴	بیرات خیال کاخ درون دل پردازم	دانش را بی نیم تعیش و هکس او سازم
۸۷	نگارن که وی از در در آمد	رموزی خوش بشکل خواسته آمد
۸۹	لطف کن باده نه در فصل دی	از گنار خوش ساقه رطل می
۹۲	گوشه نه از سایه ات حاصل کنیم	بس هوای سرد در از دل کنیم
۹۶	می نیاید در نسل در عالم است	اگر شنیدی ابوالشیر آهم
۹۳	گر ندانی کانه درین معموره جای	میستون سقفی که مینی خانه در آن است

باز  
ع  
و  
و

ع

*[Faint, mostly illegible handwritten text in the right margin and on the reverse page.]*

در آعمال شملج بودرت اول که اسم ماد، منزله سنه ۹۰  
انقاد <sup>سه حرف</sup> تخلیل <sup>سه حرف</sup> ترکیب <sup>سه حرف</sup> تبدیل <sup>سه حرف</sup> تخصیص <sup>سه حرف</sup> انواعی در تمدن صکر

تکلیف صوتی مقوله سیدر <sup>دو حرف</sup> تقصیر و تخصیص <sup>دو حرف</sup> شبیه تلیج <sup>دو حرف</sup> ضغن

شبیه کنایه نزاردن اشتراک صابی تالیف  
استناط قلب <sup>دو حرف</sup> شکیب <sup>دو حرف</sup> شندید <sup>دو حرف</sup> مقدر اظهار و اکرار

تغریب <sup>دو حرف</sup> درون <sup>دو حرف</sup> در جدول <sup>دو حرف</sup> حکایت  
مکتب عمره الفجر

هذه الرسالة فی فن المعانی الرموزی

۹۸۱۷  
۸۵۹۸۶



۹۸۱۷  
۸۵۹۸۶

نام لوحه

ادبیه یک هم ۳۴۴۴۴۴  
صوت خار نظر اول با بقیه

نام این لاردر  
چم که اشترک شوقیه بود شها  
دو اید که دوم بیانی بر این بود

نام کتبر لاردر  
با نبردین و کوش باشن در این کتبا  
دو که برای کوه خوارت فولا

نام لوم <sup>دو حرف</sup> ضم <sup>دو حرف</sup> نظر <sup>دو حرف</sup>  
دو سیدار لوان <sup>دو حرف</sup> ضم <sup>دو حرف</sup> نظر <sup>دو حرف</sup>  
بسیار <sup>دو حرف</sup> ضم <sup>دو حرف</sup> نظر <sup>دو حرف</sup>

نام کتبر لاردر  
بسیار <sup>دو حرف</sup> ضم <sup>دو حرف</sup> نظر <sup>دو حرف</sup>



باسم الاقناج بانفاج

بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم
بتدي يه واسطه انتها	بسم الله الرحمن الرحيم
كوطك اجلون دير ليك باغي	بسم الله الرحمن الرحيم
روضه صعدن اير صبح شام	بسم الله الرحمن الرحيم

الحواصبا دنج تابعين  
فرق بيم رحمت اولالمهمين

مخاطباتي که در آوازه حضرت صاحب صنوعات جهان جل عن الشبه و المثال  
که ترکیب بسیار افلاک گمان قدرتند بر نمونه و شکر با یا ان جناب  
خانی مخلوقات دوران تقدس عن التبدیل والزوال که ترکیب بسیار  
بود و خاک خضای حکمتند بر مثال گونه در ادا و درود و نما و در و روضه  
باخت نایب انش و با و آب خاک و صلوات صلوات تریه نور مشرف شریف  
جلوت لولا که مؤدی نذوقن صکر بور سانه غیبه تک با دکی تا لیغ  
و بو عا که غیبه تک متصدی تصنیفی هر موزات معیاتی که کاشف الرموزی  
مضط الحقیق المخلص بالرموزی بطن مقدمات کلام ایدوب حضور ایل عرفانه  
رضی اعلا تم تدوی بود که او آن جوانی در ترجمه و اما نینی و قوف  
مخالفات معانی اولیغ بعض او فائن مطالعه رسایل معیاتی که صرف

نام و مخفف کولون

عواصی

عواصی طبعی که در مزوایا دن بر لو لوی لالا بر نجه اصدان غوا  
استوانه استغنی الله خات زخات بلکه بر نجاج فون باره تا محوار  
و هدف ریزنی اعتبار استخراج یعنی وجهه ناصر مسندن بعض معیبات  
انشاء و بر مفذرات ابیات هر موز املای ایدوب اکثر جملغای ضیاحت  
و نثاره و مضایک بلاغت بشمار بر سر الله الی اتباع اطوار هم وصلنی  
مقتضی علی انما بهم حضور بیض النور لرنن عضة لیاف و فابلیتی یوفدر  
لکن بار آن خالص الوداد و اخوان اضلص نهاد بحر بود و اعی  
یاریا لریک خاطر ما تری رعایا بنجون معیبات مزبوریه رغب صورتن  
کوستروب بعض حفظ و بعض استکتاب علیه نوعا التفتان در نج  
ایتمد کله بنا و رساله مرتبته مباشرتی ما رجنه دکن که بو قطعند

معلوم اولمز تاریخ از عون و لطف با جد باوری رموز یا

ز آن معیبات من آمد بسی ظریف

هر کس که گشت واقف تاریخ نظم او

کفتا معیبات رموزی زهی لطیف

طووز یوز الی دن زیاد معی جمع اولوب و اضلص خلا نذنا بعج کج  
هر قوم واقف و لوقد نشوید که بولالا ای مشوره مسلک انتظامه چکوب  
درج قواعد نمند درج اولیمیه هر روز کاره تفرقه طاری  
و پرد نیانند موارس اولما لری موز در کتاب او ندر که  
قواعد معیاتی مشتمل بر رساله ایدوب سن که مجلس شسته تمثیل ده

تاریخ کولون  
تقداد معیبات

رشید عقیدت برین اولوب خوش ضیاع و نیساندن امین اولوب و  
 سنگ و چی امگ ضایع اولوب و دنیا و بریا و کار ک قاله با وجود که  
 ساکن نرکیده جو اعد فن مذکور جامع برست نه تالیف اولدغی ال  
 الان سموع اولما مشدر **علی الخصوص** حضرت سلطان سلاطین جهان  
 خاقان خواقین دور آن ناصحاً و معبود دیان قالم قلاع اهل یعنی  
 طغیان **بیت** آن شهنشه که شود چون ز افق شمس ضعی  
 بر تو نام همه بوشش ازین قطعه عیان **معنی حضرت** باوشا باد و لنگ  
 آینه سند هر زمان حمد لله فتح و نرفت منتفش دری فتن  
**سلطان** جاود آبی سلطنت اوله و انک کرمه **حشر** و کله بر ما یک کزدن  
 ذوالمنین **سليم** مفت اقلک شهنشا هم مطلوبی سن نه که در میل قلب  
 خلق عالم جمله **خان** استانک جمله گنبد روی طقه تا جهان  
 اوله باقی اوله سن جان و جهان اولاد بدن **خلد الله** جاود آن  
 اولدی خلده هر که ضوکن کیوس سورمدی در کله کله یوزن مقدم جمله دن  
**سلطنته** اطلس جو شک نه کم و آینه در بی نشان و سعیدن ملکک  
 ذلیله بر من و هم وطن **امین** عالی تیلو در زبیدک مل عنایتله نظر  
 بر مدد ایر کور مدد قارش مورس اولدی یمن سنه بار که سابقه  
 جوسها کونلی واقع اولد قد انشا الله و لک انبوت تاریخ لطیف کم  
**تاریخ** حضرت سلطان سلیم بن سلیمان خانه جون قلدی روز سلطنت  
 کتن خداوند کرمیم ای روزی خلق عالم جمع اولوب تاریخ

نام سلطنت عصر

دیدید

دیدید روی زمین اولدی شمس سلطان سلیم شواهی زمانه دن صادر  
 اولان تاریخچه الکا ما نشد بی تکلف ضرورت واقع کایا مشور نظم  
 باک ظهور خلده کی معلوم دکلدر بی کس لطف جهنندن به سر بر عالم  
 میره و خنده افتد ارک اولما مشدر حالاً بود پارک ارباب معارفی  
 بیننده سنده کالمه سی اولان فن نازک و لطیف ده بر رساله جدید  
 ایجاددی که اول خصوصه کمل ولایت عثمانیه دن بر فرد سلطنت  
 انجمن اول جمع احوال برینا تک خاک در کجا معدلت بنا حضرت  
 ظل الله ابد الله نفاذ و لته و باقیه خصانه خصه باعث و وسیله اول  
 و اول سببه نظور انظار عالیه عنایات شهنشا هم اولد جفکد شایسته  
 اشتباه یوقدر دیو ابرام و الحاح ایدوب و بند کجا تکت بضاعت  
 جهنندن تالیف و تصنیف عدم قدره و کجا کزت عواقب و علق  
 مانع جوئی و کجا انزازمانده تحت بدن معفود و اغلب احیانند  
 سلامت ناموجود اولما غلبه منهم و در اکنک سفایح و کجا نفاک  
 چوخ غدار آید هر زنگ غم اولان نبرات تیر ضمیرد بو معوله  
 شغل خضر صورت بند بر اولما سنگ عسر تبلیه هر نه دکلو مقدمات  
 اخذ آرسطنه جهند اندیشه **بیت** عذر من قوفوت ایتمه الدن و صحن  
 طومر بازو کتور و آر قوت دیو بر شطکه منع ورد آیدوب  
 حالاً قوت اشارتله انشا الله ن غیر من جاری بو لنیموب **بیت**  
 نیر طعن دشمن ابله قبول تک اجبانک مرادی اوزر اولدینلوب

بوفیق الهی موافق و باران ضاعتی مرافق امید بضرع مقدور  
 نصیری قلبی صرافان معارف و نقادان لطایف حضرت نردن  
 استدعا اولو که بومقدمات اعتدال معلوم شیرینداری اولو قدر نظر  
**قطعه** نه دکلو بند تک نقصان اوله قلا لرد امن لطفیکه مستور  
 دکلد را بسو نکتہ جو نکتہ مخفی که دیمشدر در الما مور معدور و ابته  
 تقایع عالم بعبیونیا و هو عاف لرد نوبنا **مقدمه در بیان توفیق**  
**معنی** معلوم اوله که بوفیق ایا بسلی اصطلاحند معنی اول کلایم تمام دن  
 عبارت در که بر اسمک و با اسمی مقصد و نکت علی الترتیب صورت  
 ووفی تحصیله دلالت ایلیه برجیت آیله که مقبول طباع سلیمه  
 و مطبوع اذهان مستقیمه واقع اوله اما کلام مذکور منظوم  
 اولمائی اگر چه شرایط صحت معادین اولیبوب کلام مشورک  
 دخی وجه مشروح اوزر و دلالت منصوره در نته که توفیق مرقوم  
 مندرج لفظ عبارت تحلیلی و صور حروف و کبری واسطه سببه خوب  
 و خوب و عوالت الفاظیک استواجی ظاهر در لکن قواعد معانیک  
 جو باکی اکثر یا کلام منظوم صمیمند واقع اوله کلام مشور و شیوعی  
 ندرت اوزر اولماتین النادر کالمعدوم مقضاسنج بعض  
 استوان منقدین منظوم قید توفیق و اصل قلمش در دلالت اسمیه  
 تخصیصی جو قبیلہ ندر زیرا اسمدن غیریه دلالت دخی ملحوظ در  
 نته که دیباجد حضرت خداوندگار کردون اقتدار مدانه تقایع

طلال

طلال صیلا نه ای یوم القرار نام عابونکره ایراد اولنا ن قطعه تک  
 اکبر ایاتک وال اولدی الفاظ اسمی دن دکلدرو بوقطه تک  
 مقصود اولدی کلمات ربعلہ جماعتدن اسم اجزای آرد اولمائی قواعد  
 معانیک کلام مشورده و فوعنه دلیل واضح در معنی تاکشد از مهرت  
 جای بلندت بس رفیع و ه که چون من خاک ایجا رسیدن چون توان  
 در درون جان من بی حدود اوت جو نکتہ است رحم کن بر این برستان  
 کوسن بکشت با ن مصرع اولدن مهری لفظیک نامی اسقاطیله **مهری**  
 و تابندن و ه و من لفظیک اولسری رایه تبدیل اولنا غله و را  
 هر عبارتندن **ولی** و نالندن و وادی حدک لفظ جانه دضولیله  
**جاودان** و رابع دن برستان این لفظیک اوزریم منصوصه ایراد ایله  
 که بکدها عبارتیله کنایه اولمشدر **مائی** ارادیا اولنوب و بو اسمی  
 اجتماعدن حاصل اولان **مهری ولی جاودان** یا ادا سندن مهر دن  
 سین و ول اسمیک و آوی عاطفه و جاودان لفظیله ای افا اولمقد  
 کنایه اولنوب مان لفظیک باسی اسقاط اولماتین **سیمان** اسمی  
 استخراجه اولن بعد دکلدرو و حنی اولمابه که استادان عجم تالیف  
 اندطوری رساله لرنده مندرج اولان معالردن نشخند غایت  
 خا اولندک بلایق استخراجه ادنی اشارتمه اکتفا ایدوب تطویلدن  
 احراز اسمی لربنیک توجیهنه مقید اولماتین اما بورساله که  
 طالبین بسندی به نهی آسان اولمق ایچون زبور عبارات و سیر آیه

استقرار آمدن عاری اولوب بلیه نظره فالدن مستغنی خوبرو لجره برسی  
 کبی سده و دافع اولمشدر مشتمل اولدوغی مقیاسک اکثرینک بوجهری  
 بایند نظریدن ابا اولوب بزیاده و تفصیل اولندوغی اکلانیا دور که  
 زمانه دور فن معاطا کبری غایت تا ذرا اولب بیجه کسدر بر تاج کون  
 هوس ایدوب صعوبت نهی جهندن خاطر لریه فتور عارض اولوب  
 و اغنی اتمشدر زاننده در که بوسایه مطاکم فلان اخوان معیانتک  
 نکات فریبسی ابضاح اولندوغی سبدن قصد اولنان نترکت گوشه لریه  
 سهولتیه مطمع اولما غله تلذذ روحای تحصیل ایدوب بوفته رغبتیه زیاده  
 اولوب احیانامولف در دمندی دعای خیر آینه بهرشد اتمکدن خایه  
 اولیلدر و الله بهدی یاسیل الصواب و الیه المرجع و المآب **در بیان**  
**انقسام اعمال معنی** تعریف معنای اطلاع حصولندن صکر معلوم لاکه  
 ناظم معنی تک اکل امر اجتناب ضروری ذرا اول تحصیل و نه که ماده منبر کم  
 تا ثبات رعایت ترتیبه که صورت متناهی سبند در امر اوله متعلق اعماله تحصیل  
 و اثر ثانیه متعلق اعمالی **تتمیل** دیو سیمیه اتمشدر و امرین مذکورینک بجا  
 اختصاص اولمین اعمال که کاه تسهیل تحصیل و کاه تشیه تکمیل کجون  
 استمال اولنور **تسهیل** اسمیه می در ماده و صورت تحصیل تکمیلندن صکر  
 وکت و سکون و تشدید و تحقیق و تدو و ضرور بولرک امثالیاجتسات که  
 انزاک رعایتی امر ضروری اولوب بوجوب استحقاق اولدوغی جهندن  
 انبرام مالا بلام مقوله سبدر انکر متعلق اعمال **تدبیل** دیو تعبیر

تعبیر اولمشدر اول تغذیر به اصول اعمال ذرده منحصراوب و هر برسی  
 بیجه فرقی ستمشدر **مثال اعمال تسهیل** که سهولت تحصیل و تشیه تکمیل و سبیل  
 اولمغله جمله دن تغذیر اولمشدر و درت قسمه منقسم در اولی عمل استاده در  
 که عبارت در بر طکر دن بروغه و یا دخی زیاده به اشارت اولنوب آند  
 بر وجهه تصرف اولمغدن **نوع اول** که بروغه اشارت در طکر تک اول  
 و فی اثر اولنور سه و پنج و روی اثنالی الفاظ که غلو و تقدیمه دلالت  
 اید ابراد اولنور اولنور اولنور اولنور اولنور اولنور اولنور اولنور  
 کللیات که سفل و ثاقوه دال اولنور اولنور اولنور اولنور اولنور اولنور  
 هر کز و میان دول مقوله سی عبارتمه که توسط دلالت اوله اشارت اولنور  
**وف اوله** اشاره مثال بو معالمر در باسم علی نوحش خانه قلب لریه  
 بهر و بیک در میان این مبین در و این لفظک الفی که چین اندن  
 عبارت در نه مدلولی حرف لایمه تبدیل اولمشدر و باسم **جهان**  
 این روزی کم کون بیلور و جانان بوزی چون کون کون بوزی و جهل جان بوزی  
 وجه و جان لفظ تک اول و ندری ساقط اولمشدر و باسم **ظهور**  
 کل بوزن ظاهر کون ستمه تا شایلم در دم آه اول زلف و بوزی چشم  
 کل مر آدی در دون و اولنور بخلینه سمای طاحصیلند فکر هر لفظنه  
 و اصل و زلف مشبه لام عدوی سی دن حرف سین اسقاط اولمشدر  
 و باسم **موسی** و کل ممکن بوزی هر آفریده کول کل سوک کل جن کور کله ذبیه  
 سوک متغلی و دی اولدر اسقاط اولمشدر و باسم **خرم**

نوع اول  
 از اعمال استناد از تسهیلی  
 فحرف الاول  
 الکلمه



چون آفتاب استک بدلی هم در رموز و آنچه محتاج کرم در  
 کرم لفظک کافی لفظه تبدیل او نمشد و با اسم **دای** رموزی  
 دشت در دیکر شدی اول سرگشته بسیم بن که بر یکینی اول هر زمان سرگشته  
 یاد آید ن ای لفظن اول الف ذکر اول لب و تا بنا لفظ مذکور دن  
 الف یاد مقلوبه تبدیل و نمشد و با اسم **در روشن نالی** کرمه بسید و بین  
 روی در لربا یا بیدم روشن از روی تو یا بد و لیکن ای ضم روی در لربا  
 نکران دن اول الف دال و ثانی لفظ روی اراد و او نمشد در  
 و معنای بی رعایتی چون ایراد اولان مضاف الیه و غیرتیک معنای  
 معنای مدح او همانی قاعده بی محل و کله در و صراحت نماند مذکور اولان  
 روی تو عیار شدن عمل نسیم و ترا د ف و سید سید لفظ نام ادنی ای امراد  
 اولوب در روشن لفظک تحلیلی الفنگ شنا لفظه تبدیلنه و آسطر  
 واقع اولمشدر و مقصود بالتمثیل روی در لربا دن دال و روی تو دن  
 تا در روشن تحلیسندن حاصل اولان رو دن الی تک الفی امراد  
 اولدغی در و با اسم **بکت نش** تا جنه یوز یک سر عاشق ندا  
 تک کشون باشد تا جن دلا تک و باش لفظی حرف اولدین  
 استبداله اشارت اولمشدر و با اسم **سروی** لاکل و زلف و رخ  
 جبهک کوکل وصف است کز سبیل در جان وورد و یا سمندن باشد  
 ریاجین اربعه مذکور تک و فی او ایلی علی الترتیب حرف اسم  
 مقصود می شمل در و حرف اوله اشارتک فرآیندن در بو معاد

براد ایله اوج وجهه تصرف واقع اولدغی با اسم **ع** اول دلیل  
 سرعه بی روی رموزی ساکه اول کو سرر بالایی عیسه در لو ذر لوبچه  
 یول بالایی عیسه عبارتنک اوجه دگ تکرا رندن مراد اولدغی  
 لفظک عینی تحلیلی و ثانی لفظک عینی نه لفظه تبدیله حاصل  
 اولان سر لفظک مدلوله لام و ثانی بو شه لفظ ترکیب اولدغی حرف  
 یا تحلیلی در بو معاد و بر عبارت دن یک طبع قبیله حرف اول اراد و اولدغی  
 با اسم **لیاس** نوب برکتی باشد و بدین معنی کرم اولسون رموزی  
 بولدر سرزنجی دبر آیک بر دخی بولسون سر تا جی عبارندن اولدغی  
 واسطه تحلیلی ایله جی لفظک جیم نام ادنی ای به تبدیل و ثانی بیدوی  
 الفه سر لفظک بسنی تا لیب اراد و او نمشد در **رف آو** ابهامه مثال  
 بو معاد در با اسم **م** خله نخوف در جایه یوق جو بوس عاقبت  
 کح کوکل کل اول رجاء خوفند عاقبت رجاء خوف دن عاقبت  
 او اسندن رجاء دن عاقبت خوفند عاقبت بغیر کما اراد اولوب رجاء  
 تحلیلی اولدغی جاعه ارادنی محل لفظک لامی و ای مقصود به تبدیل حرف  
 مراد فی بی لفظک عینی تحلیلی او نمشد و با اسم **جمادی** سلف احوالنه  
 هر کم که تا اول فلدن این رموزی بوغش صوکی که تک بلسن جهان  
 لفظک نوی استناط و بلسن تحلیلی لفظه حاصل اولمشدر و با اسم  
**عظیف** اولدغی یک در غنوی سالی لطف رب نوت بی حد در  
 انجاء غضب تو جهن ظاهر در و با اسم **سری** بیخون خاتم بارین جلا اولدغی

خط و خال کن در چو پیرایه بی حد لفظ پیرایه تحلیل اولمغه پیرایه و بی  
لفظی بی حد اولمشدر و با سبب **البوب** چشم و قد زلف و روضه با قد  
نهایت بن اولوب شده رعناشته اعلاشته خوشبو داشته خوب  
نوحیهی ظاهر در و با سبب **عسی** چشم غیر نله ایدن سیر و لا بو چینی  
بولیوب هیچ بر بیک هوکی اوز لر و طبع چشم مراد فی عین و سیر لفظ بیک  
آو لری اسقاط اولمشدر و با سبب **ط** تا حدی و لمقدن مقابل اول  
عکس روی پیری هر زمان دامن کوه و کج غار اولدی پیر دامن کوه  
عبارة نکرار اولمغه کونه مراد فی طالع عینی با یه تبدیل و کج غار دن  
را حاصل اولمشدر و با سبب **بکر** طعنه اعدا دن استرک اما کن  
فلقد ن فاج بطله بر کجی همان نوحیهی ظاهر در و با سبب **شریف**  
ضعیفه یوز بیک کتابه باز اولمشد بیل شرح بی حد بلا و دروی با یان  
شرح لفظ تک حاسی اسقاط و دردی حد مراد فی قلب اولمشدر  
**ون وسط** مراد اولمشدر و غنه مثال بو معالز در و با سبب **کمال**  
خط اکلله و لور دلد ر مغیر کم اولورسه اجدن کولگی اوز کر لفظ کم  
تحصیل و اجل لفظ تک جسمی اسقاط اولمشدر و با سبب **سویب**  
کو ستردی رموزی بی عکس ترک دیارین اولسون بکون حائله زحان  
ویل باری سین احسان و حاسی زحان ربی لفظیه تالیف اولمشدر  
و با سبب **جفال احمد** کتر باشک ضد بین دیر سگ اس قیب با بکل  
جدی کولکلن جمع اولد و آراوسه و بشکر قیل جوق و اول لفظ بیک

براد حرف الوسط من الكلمة  
بوسن نوع الاول از انتقاد  
من التسهیلی

وسط لری اسقاط و سر و شتهی الف شکر مراد فی حمد آیه تالیف اولمشدر  
و با سبب **تایب** بلا ی بی دی بودن دلالم که شد بر ترای دلیری هم  
تر آو بری لفظ بیک را لری اسقاط اولمشدر و با سبب **غما بی**  
اولو یعنی درد مند رموزی خسته حال ای کل هزار در دله مردم شکسته بال  
هزار در دله یکیش دفعه شکسته بال اولمده دن اولوف هزار دن که عین  
یا اسقاط و تالیف مراد فی الف لفظ تک لای مسورا و لمغه حرف  
الف و در د مراد فی اللم لفظ تک ای دفعه لای اسقاط اولوب باقی ملان  
ام لفظ بیک ایکی حرف یا اراد اولمشدر و غایب انتقاد دن در  
صدف در نظف اولواغی اعتبار لیم در لفظیه حرف وسطه  
اشارت اولمشد بومعنا و با سبب **صفا بی** چون درج دید پیر در  
اوله بس اعتبار نهان آید صدف درین یا آید اشکار صدف  
لفظ تک دای اسقاط و حرف با اس لفظه داخل اولمشدر **اول و آخر**  
**و نه** اشارت جامع در بو معالز با سبب **احمد و احمد** نولا خوش اورد  
دل بخت یوزین چون او کور مدی راحت یوزین کور مدی  
لفظی راحت لفظ تک راسی اسقاط و تالیف مد و یا مدی لفظه  
تبدیل و آسما اولمشدر و با سبب **بدر بدر** **توری بی** **موتید**  
اوز دل اوز در وری چون شست و رذجان تا صبح یاریت  
زور دلدن که لفظ روز تحلیلندن مستند و در بدر و بدری سمند  
بال و قدرن اسمند قلب و حی اسمند حش لفظ بیک اولدی

x

x

اول و آخر  
ویرا حرف الاخر فقط فی العله  
من نوع الاول از انتقاد  
من التسهیلی

صفا

واخر ز دوری بجای تندن بدری و قدری اسمندند و لفظک  
 و آویزی لفظنه و بدر اسمند رس مستاسنه و حی اسمند  
 حرف یا را و ما اولوب و مؤید اسمند روز مرادی بومک  
 مغلوبی و دوری مرادی فی بعد لفظک حرف دالی ملاحظه اولمندر  
 و باسم **سفا** بوللا کربا و خاک پاک لیدینگ سراسی سرور  
 بزنی یا سراسی زخم قلیوب بولور بی سرور سما یا یا لفظک  
 یا سید تالیف و بزمرادی فی مادن میم اسقاط اولد قدرک زخم لفظنه  
 و اصل و سرور خلیله و لفظک و آویزی مستاسنه تبدیل اولمندر  
 و باسم **ضری** زور بار و ایله اولمندر اوومه بزنی آیدر یا بی کیمین  
 یا کرم کیمین بی بکان آیدر یا بدن قوس رفیق حاصل و  
 نیزدن اولوف اول و ثانیاً حرف ایضا اسقاط اولمندر و باسم  
**دقی** او یکوزدی سرور بی لجه خواسته غالباً بولور رخصت قدر زلم  
 همان اولد ل رخصت خلیله صت لفظک صادی قدر مقلوبه  
 تبدیل و بزمرادی فی علی دن حرف یا حاصل اولمندر و باسم  
**نور** طور مرالریغن خلعتک مکر دور باشن یا مال انک و لیر  
 ظنک تانی تحصیل و دورک دایا را خسته نقل اولمندر و باسم **محمد**  
 باد صافدن و کل مور و ک هر دم اول سیر کما صاف و کما قطر  
 کما در دندن سور زدن مرادی فی ضم اولاً حسن اسقاط  
 و ثانیاً لفظنسن از لایدوب و ثالثاً لفظ دن نون اسقاط

ارآد

ارآد اولمندر **حرف اول و وسطه** راشاری متضین دور بو معانی کیم  
**عنان** الیزنجیوز یک کرمی بر نوله اولد لیر مکر ایتمدی دلداد  
 جت و بزندی همان سر جت لفظک باسی و همان لفظک باسی  
 اسقاط اولمندر و باسم **روشن** سیر آیدر زیم کول کل کله اولکل رخا زین  
 اولمندی دل بر بود کونی لوزیمی سراسی دن ای بود خلیله یا بر بود  
 اسقاط و کون مرادی فی شمس شبلیه فی لفظ تالیف اولمندر و باسم  
**شیخ گلشن** آنکه یا بدروشی دل از رخص هر جا که هست  
 ناکم از کلچهر شیخ دلکشی معنیست روشنی خلیله فی لفظک  
 شبن منقوصه به تبدیل و رخص لفظک خاسی تحصیل و کلچهر شیخ  
 دلکشی معنی کل و شیخ تالیفندن صکر شمعک می مفعول اولب  
 و مفعول اولی اولمندر شمعک میم و عینی فی لفظنه تبدیل اولمندر  
 و آفت فی معنی اولان اعزیه لفظ شمعک می می کلند اولان تدقی می  
 و کلدر و باسم **روی** استر نه باشنی اگر اول بار بی غرض  
 بیدل رموزی باشد دها نزل الوری عوض رموزی خلیله رموز  
 لفظک می اسقاط و دن زافه ششتمین میه تبدیل اولمندر و باسم  
**بیتنی** یوز قصد بیک خلدن یک دینگ جایز دل بیت بی  
 مطلع که بجای دلکش اختیار اولد بیک باسی اسقاط و بومر آدمی میم  
 و اختیار ک باسی تحصیل اولمندر **حرف وسطه و آویز** انقاریت  
 متغندر بو معانی باسم **کمال** ال او سندن طوتر کرمی خوش حال

یشار الی حرف الاول والوسط  
 معاهو من نوع الاول از  
 انتقاد من التسهیل

یشار الی حرف الاوسط والآخر  
 معاهو من نوع الاول از  
 انتقاد من التسهیل



و اوج همه رخدن آبی و غیره و نظر نیک اولدی اراده اولمشدر  
**الفاظ بعد** در بر روز فلان اشاره مثال بومقاله در با سسم  
**صبر** ممکن و کل حقه بوهو آرد سیرت یاز اولدر روزی چار  
 ایر اول بهار صیف و بهار در بیج و یاز لفظ نیک اولدی اراده  
 اولمشدر اگر چه که لفظ صیف الحقیقه بیج و بهار و یاز لفظ مدلولی  
 اولان فصل معناسند و کلاما مشتاقا معابند استعمای کلام سعادت  
 انجاء حضرت میک علم ده نکاشانه و تقدس واقع و اصطلاحات  
 شیخ اولما عن فضل ربیع خاصه و فضل ربیع و صیفه معاش میل  
 اولان یاز لفظه که نقش لفظ نیک معابلی در مرآت اعتبار اولمقی  
 معاد و اشاره نیک محسنه کافیدر قال الله لعلنا رطله الشاء والصفین  
 و مشایخ کبار کسوف آری حضرت مولانا مصعب الدین شیرازی کتاب  
 کلمات ایدر **جبت** عمر کمر انما یه درین حرف شد تا چه جویم صیف  
 چه بوشم شتا و الله تعالی عالم بجایق الامور انه غفور شکور  
 و با سسم **جری** خمار ک مقصدی باوز جان زار ایرشدر دردی  
 و آریه چار شراب و ریح و خمرومی لفظ نیک اولدی میل حفظه  
 اولمشدر **الفاظ خمسة** در بر روز فلان اشاره مثال در بومعی  
 با سسم **محب الدین** دون که بوعه مستقیم بکوند لطفاً آیت اساجی  
 در دبا و آریه اول دکلو بر خم دونی در دبا و که با در  
 عدد دیش در اولد کلو عبارتدن بش دفعه در دبا و اراده

مطلوبه

در

اراده اولوب مدام و ریح و شراب و صیبا و میل لفظ نیک اولدی  
 و بر خم دونی اراده سسم هم مراد فی دن لفظند می لفظ نیک  
 آوی اولما می ملاحظه اولمشدر **الفاظ ستة** در بر روز فلان  
 مثال در بومعی با سسم **میر عاشقان** اولدی کون و مکان چشم روزی  
 حجاب کون یوزی لامعدر چون شش جهندن بی نقاب مهر  
 یوج و روز و عین و آفتاب و شمس لفظ نیک اولدی اراده  
 اولوب و نقاب لفظ نیک باسی و ف نونه بنیدل اولمشدر **ممكن** در  
 لفظ اول و انشائی و آفر و نظایری بر شیشه مضاف اوله که اول  
 شیک اضافتی جبقینله اولدن آفر و آفر دن اول مراد اوله  
 ننه که بومقاله در با سسم **آدم** نام خشن کلمه خضیل اندر بیه حاصل  
 نزد بان در دک اول با یه سیدر منزیبا و با سسم **انس** دیک  
 سول اهل منصبه شایده که با یه طابینه نزد بان دولتک جدید  
 کمر صوک با بنه آدم اسمند اول لفظی مصرع اولد نام و کمر بیله  
 حاصل اولب و ایکی معاد و دخ نزدیکان دن سسم اراده اولوب  
 با یه اولدن میمی و صوک با بندن سینس اراده اولمشدر و انس  
 اسمک الف و نونی کمر مراد فی این دن حاصل اولمشدر **و جاز در**  
 که طوفین کلیمه شویا اولان کوشه و جاب و لب و کنا را متالی  
 الفاظدن بری ایراده اولوب اول و یا آفر اختصاصه قرینه  
 اسم دلالتی وسیله اوله ننه که بومقاله در با سسم **حسن**

بیان اینکه معاریر با معانی نظیر آرزو  
 ن کنند بدانکه این در قاعده اولدی  
 و آن جنات که در آیه که در  
 و آن جنات دو ذراع باشد  
 خط او جبت دو ذراع باشد  
 بنت ذراع خود بود و نظر  
 کونید که از هر ذراع سجد دواز  
 دو جان محیط باشد و علم با عد  
 علم بقدر آرزو مستقیم  
 خاکه با سسم در توان دایر  
 که بر محیط خود بر کزدم  
 بود چنین صفت کزدم  
 نام آن در آنکه بنیدر نبود  
 این معانی است و از صفت  
 بقدر است و بنده صفا  
 است الهات و نور چهار  
 حد و شاد چهار بیت  
 دوست پس صفا از بر بیت در با سسم  
 و بیج شود از شوق

نوله دستاری و جندن اول جوان کوشه ابروی ابرو عیان  
 ابرو مرادی حاجب حاسی پس لفظ عیان نامک ملاحظه اولمشدر  
 و با اسم **تقی** ملک دهری نیکه گفته و آرد بوجون کوشه سی نیکه  
 لحن نو که طاقی در قناعت کوشه سی نیکه نیکه باسی اسقاط و طاقی  
 قناعت قافیه تبدیل اولمشدر و با اسم **خرم** یا **بایا** در عشق آن  
 جوان تاز تا و زید اسم تاز نه دخت بی کران بردن ملاحظه دیدم  
 زحمت لفظن تاز لفظه تبدیل و ز اسقاط و دلدن مرادی با ل  
 و اسم دن حرف با آراد اولمشدر و با اسم **بها** و **بهای** است  
 این دریای احضرا کران حاصل دریای دلها بی نشان  
 در با مرادی بر لفظک حاسی با لفظه تبدیل و حرف را با اسقاط  
 و با بی صحنه تبدیل اولمشدر **اول و اول** تعیین جامع در بو  
 معنی کز با اسم **سروی** کنار سبز لب جو بیار و روس گل غدار  
 بار آبله اولمشدر خوش درسی بیل سبز یک سینی و جو بیارک راسی  
 و گل مرادی و وردک و آوسی و یارک باسی آراد اولمشدر و با اسم  
**عینی** مابل چشم از نبود ابرویش بودگی کوشه از ابرویش  
 هر دم سوی چشم دمی کوشه از ابرویش نکو آردن ابرویش تکمیل  
 و آو عاقله تصور اولمشدر اولمشدر در غمک ویش لفظک اولمشدر  
 و تا با ابرو مرادی سحاب باسی و کبر ویش لفظک باسی تحصیل  
 اولمشدر و ابرو نایدن بلوت آراد اولمشدر جمع حرف اولمشدر

حاصل

حاصل اولمشدر اولمشدر **معنی و مشتق** جامع در بو معنی با اسم  
**شکی** الله اشهر لاج و جهاه ام قرآن حایت من و جهله ام اولمشدر  
 شمس مرادی بوج لفظک اولمشدر و فرمد لوی ایکی لام و وجه  
 لفظک باسی آراد اولمشدر و با اسم **وسی** نیکه خاق  
 جهانه که بولورای کل روی کمی بی خود کیمتی بی دل را این سوی بسوی  
 ایکی سوی دن بر نیک سینی و بر نیک و آوسی اسقاط اولمشدر  
**اول** اولمشدر و ذات کت بر لفظک عدد و در فندکی مرتبه بی کوشه  
 اولمشدر و ثالث الفاظ کمی نه که بو معنی لرد با اسم **خاورد**  
**شاکر** و **شاد** در بهار آمد و آجایی شینم نخت از باد و نایب  
 زطل هم خمر ویش آب اول و باد لفظک نایب و ورد  
 و یا کل اول و وردک نایب سی آراد اولمشدر و با اسم **قلندر**  
 دید بودیم نایب او سیدان شد هم نایب مایه که نذر د نایب  
 نه لفظی مرادی فرمد نایب که میم در نند لفظه تبدیل اولمشدر  
 لام حرف نایب و آو اولمشدر آراد اولمشدر و با اسم **فرخ**  
 هر آب حوض شود هر جا بی چون نفع جو بر خاص سیدش فند خور نفع  
 فندش فند عبا رنگ حاسی حرف نایب او سینه کنور بلوب  
 بوج و با خورشید لفظن دن اسم مقصود قرینه سید یا حا و یا خا  
 اخذ اولمشدر و **خا** اولمشدر که بر و ذات رات احوال او صفاتی  
 ذکر بله اولمشدر که بو معنی لرد با اسم **دخانی** کز رموزی

خانه بولورند **مینی** وار اوله ساکن حجتی نه ای دل غایبی  
 خم مرادی دن لفظنگ سگنی یعنی نوی خانه لفظه و خانه  
 لفظنگ باکی حرف یا به تبدیل اولمشدر و با **سم می** خنک دونه  
 یوق دین همیا سن مهک کور ممشی آتی یا **میش** لفظنگ سگنی  
 یعنی شایسته مرتبه سوز اولان حرف لیشنی حرف یا به تبدیل اولمشدر  
 و با **سم می** کور سب اولمشدر لطف وجود و سخا اولدی مینا حجتی  
 اکثر فوآ نق لفظنگ لکزی که قاف در رایه تبدیلدن صکر مخ لفظنگ  
 بمجه بدل واقع اولمشدر و با **سم می** صمد لیشنی که یوزک بزرگ آید  
 و اکثر سوسنی اول ترک آید و حرف سوز دن داکیر مثال اولان  
 حرف یا استفا اولمشدر و با **سم می** کور او نیز قیسی جو بو یوز  
 کورسه دفعی شسته نسی ترا اولور دفعی لفظنگ مسکور اولان عین نتر  
 لفظه تبدیل اولمشدر **عمل انتقال دن یوغنی** **نایب** که حرف قیسه  
 یادنی زیاده اشارتدن عبارت در هر سو و هر گوشه و بیرون  
 امثالی عبارات و یا خانه و جاکمه و پوست نظایری الفاظ که برشی  
 احاطیه و کانه و کوزن مقوله سی کلمات که طریقه دلا لندی اولان  
 ذکر اولوب طوفین کلمه اراد اولورفته که بو معنی کورده با **سم می**  
 بی دل دلبره لایبرسن و کلین حاصله صور و آرسک در دن بوسته ای بی دلی  
 در لفظنگ و کی مرادی کلم لفظنگ بی دلنه و آفرینی الم بی دل  
 مدلولی حرف یا به تبدیل اولمشدر و با **سم می** بلای بی که تمام تبدیل اولور

x

بند

ببیند چشم من هر خطه هر سو اولان حرف نون اولن صادر و آفرین عین  
 کورب و نایب چشم مرادی عینک جا بنین استفا اولمشدر که  
 مقصود بالتمیز در و با **سم می** نایب ترا جامه نما و بیزیم هر که  
 برهنه هم همی بیزیم یکه ترا لفظنگ یکی دفعه طریقی حاصل و برهنه  
 عیار تیلد برد دفعه استفا طریقی بندن کتایه اولمشدر و با **سم می** قدر  
 جلوت ماه سینه جاک بتر بند جامه جاک خلعنگر سینه مرادی  
 صدردن مایه رقی را جاک اولوب و بند لفظنگ طریقی استفا  
 اولند قدر نکر لفظه داخل اولمشدر و **دلترو** و **اسط لمر**  
 و مؤز درون و بریشنگ نظر و قیسه دال الفاظ ایراد یله مابین  
 الطرفین کلمه اراد اولورفته که بو معنی کورده با **سم می**  
 اهل دل بچون نمو که جان فزادیری سهره ایکن عله اولد زنده یعنی دلترا  
 یعنی لفظنگ مابین طرفین زنده مرادی حجتی لفظه تبدیل اولمشدر  
 و با **سم می** بو بجه اغوا و بیرون آیین اگما اعدا هر کاه و دست  
 کو کلمه فی حفظ آید می یارب او ماه دست لفظنگ مابین طرفین  
 می لفظه داخل اولمشدر و با **سم می** ابردی بر حاله کم اولد اهل ضربت  
 بتلاسی مهر و کیده دلترا کیفیت مزر رقی سینه آید کیفیت لفظنگ  
 مابین طرفین شایف اولمشدر و با **سم می** در نه تنها عشق و نیای دل  
 تو داری رخص نکذاشت درد لها قراری قراری لفظنگ مابین طرفین  
 در لفظه تبدیل و با **سم می** رقی ضعه در فعلی رقیب صحنه آرد مستقیم

x

x

نوی  
 سو مقصود چون راسته و نوبت ابرو  
 و با بولک کلمه نونک یا نیک حال یا

اولیوب اعمال معنایی در بعضی حصوله و سید اولیوب است که  
 پرونده اشارت در عبارات در معنای اولیوب است **سری**  
 ایلعد آر یاری نهان زلف مشکا کو ستره لطف آید و آب آن هر دم نولاً  
 زلف در آرد اولیوب نسی یا رسن نهان آید و ب و صراع نماید در  
 آن صغیری آید عد آر یاری چهار تنگ نکرانما بآن اولیوب اشارت  
 اولوب برد فعه اولیوب لفظی و ف را به تبدیل و بردن و ف یا  
 اراد اولیوب و با **سری** اولیوب سیر اینتره گلشن ایچو حاصل  
 بویتز کم سیر آید اولیوب انک بی دلی لفظ سیر اولیوب یعنی سترن  
 ستره آردن یا بش لفظک بی دلی نه تبدیل اراد اولیوب و با **سری**  
**سری** رموزی فانه بی جان یکدر رفتن سیر کو بند آن کور مملکت  
 سری کوی لفظن سری کوی که کات در استفا و اولیوب و با **سری احمد**  
 د کلید مرورت فی الحقیقه یکم بر بجزدی جلک لایقه بر که احد در  
 بجزدن یعنی لفظن ماعد آهن که حد در جلک مر آردن فی مد لفظه  
 تبدیل آید و با **سری ادایی** الحاد بی دلندن تا چه چون دلدار است  
 یک آن بزرگ ایملک در سنجی اسم با هم لفظ اتحاد تحلیلند حاصل  
 صاد بی دل حد و سید سید است و دل و در آردن او و یک  
 و با لفظ بنگ و ف اخیر لری استفا اولیوب **طر فیه**  
 شوی اولوب احد لفظه اختصاصی وینه اسم دلالتی نه موقوف  
 اولیوب لفظک اعمال معنایی در بعضی و استسید حصوله متال

متال بو معاد و با **سری نقیب** انقل بعدن خبر آرد و لبر نولاً  
 انقل بی دی بلز مکر بی دل اولیوب انقل تحلیلند حاصل لای بی دل  
 کرب در این لفظک وینه اسم دلالتی لفظک استفا و استسوی  
 لفظ نقیب انقل بر لفظن بر فعه در و فعه در و فعه در مرتبسی ذکر آید  
 اشارت اولیوب اولیوب مرتبه بدال آردن لفظک اعمال معنایی در  
 بعضی حصوله متال در بو معنی با **سری قاسم** بن مت فرآبان رسوا چه بانه  
 ای پیر معان لفظ آید و با انقلک عام است چون جام سنال سری  
 صیبه بود و آن هر بار **سری** روزن بخانه جام است جام سنال  
 سرم عبارتنک نصیحتی فاسق فال سرم اولوب فال سرم لفظک  
 خامسی که آرد استفا و لایم مکسور و ف و اولیوب ملأ خط سید  
 موجب تالیف لفظ قاسم اولیوب استفا و **سری ثاب**  
 که بر وفندن زیاده به اشارت در کتابه در طرفین کلمه دل اولیوب  
 عبارتنک اعمال معنایی در بعضی و استسید حصوله متال در بو معنای  
 با **سری امری** ستر طرفه یوغه سخت و جو جاناتان بو طرفه ایکنی  
 و آنی انک بی با آن محل تصرف لفظ طرف اولیوب ایکنی و آنی انک  
 اداسندن طرفین لفظ طرف و با آن تحلیلیده یا ان لفظک بی حد  
 اولیوبی مراد اولیوب طرفین طرف یا مملول لکنه تبدیل اولیوب و با **سری**  
**رجب** بود هر سونمان ز عشق نشان جانب ما رسید کشت عیان  
 سوی لفظ هر نهان اولیوب و لفظ جانب بر شطه عبارت هر سونکار آرد



استعمال اولوب جانب لفظك جانيني تحصيل اولمشدر **محل**  
**استنواب** در عمل انتقاد دن بعض معالمر كه وسيله انتقاد اولان  
لفظك تحت استعيا بعض عباراتك ايكي اوج دفعه تكرار نه موقوف  
اولانده كه بو معالمر **باسم فوري** مندر اولور و اولرين اولميشه چون  
اعتبار طوئه فوق مابنده كندوي اولكون وجهن و آرا فوق مابنده  
عبارتنگ مابيشنه بر فوق مابنده و حتى داخل اولمغه فوق فوق مابنده  
ماه اداسي حاصل اولوب فوق اولك قاني كه فوق مابنده نمانان اندن  
عبارت در ماه رقي حرف رايه بنديل اولوب و كون مرآدن يوج  
وجهي حرف با در **باسم شجواغ** روش اندري بجه كز هر جا بجه نمانان  
روي دلبر زلف ابرن طاغدوب كيدوب حجاب هر جا بجه چون آفتاب  
اوج دفعه تكرار اولوب برد دفعه چون آفتاب لفظك مابيشندن  
لفظك حاصل اولوب نمانان هر لفظك راستي و آفتاب لفظك اللفظي  
اصدا اولوب لفظك الجا قله جبر اللفظي حاصل اولوب لفظك مذكورك  
هر جا بجه تحيف آفتاب اولمغن اول حرف شين و آفوي حرف عين اولمق  
اراد اولوب شجواغ لفظك حصولند خدر حرف بانك جيم اوزر  
تقدريه مصرع نماننده روي دلبر بر زلف اداسيله اش ارت اولمشدر  
و باسم **صبري** قدرن نلسون جميد صبر اراخ نمانوان غمزه  
نيرجه اوشوخ استر سه بي بايان كمان بايان كمان عبارتنك  
اوج دفعه تكرار اولوب اولمق بي بايان كمان نمانان حاصل اولان

اولان لفظك نبري بايان كمانه دخي ضم اولوب كمان بايان كمان  
اداسي حاصل اولوب كمانه كمان حرف شبيهه اعتبار اولميشه مابنده  
صود كمان لفظك افر لسي استا طند فكر نمانان حاصل اولان كمانه  
ادانت تحيف اعتبار اولميشه غله بر لفظي اراد اولوب و اوج بي بايان  
كمان حرف با اراد اولميشه لفظي بانك و با خود باي لفظك افر لسي  
استاطيله ممكن **در حرف و اصدر و حرف متقد** اش ارت جامع در  
بو معالمر باسم **شاطر** كمر موز شاره راه شنه سالكه بيلك لم اولور  
زود با بصيفينه و ارجز لوك شاطر لفظك حرف اخيري استاط  
در آه مرآدن طر يقدن طر فخر لي تحصيل اولمشدر و باسم **بايل**  
بي نشان اولور دكا اطراف همان سلسليك اعني اوله روان  
جهانك طر يقيني و سلسليك آفوي استاط و سلسليك تحصيل اولمغه  
سين سلسل سمان بي بندي اولمشدر **و غايب انتقاد دن در**  
بو معالمر كه بلا ذكر ادات اوج عمل انتقاد كنانه وسيله اولمشدر  
باسم **شاعر** كوكل اوج خوشن اشعار اوله نه دخلو مغر  
اشعار ناموجه بولندر روكو كندر اشعار ناموجه اولماس حرف  
اولي استاطندن كنانيه اولوب و عين والهي قلب اولماسنه  
بولندر روكو كندر تقبيري وسيله اولمشدر شرح عمل انتقاد دن  
بو مقدار تفصيلات و تمثيلات كمان **در اعمال سهيلنك كنجي**  
فتي تحصيل در كه معنای شعری دیه مود اولان لفظي اوج و نينه

یاد نمی یابد و به بخوبی در عبارت و در **تحلیل** اوج قسم در برتری  
 جمیع اجزا مستقل و برتری جمیع غیر مستقل و برتری بعضی مستقل و  
 بعضی غیر مستقل اولمقدر و **بواجب** **شم** **نمونه** تک در جمیع بر برینک  
 جمیع اجزا سدن لفظ و یا جمعند ن معنی و یا بعضند ن لفظ و  
 بعضند ن معنی اراد و اولی اعد انواع تحلیل طقوز و مخرج اولوز  
**قسم اول** دن که جمیع اجزا مستقل اولمقدر **نوع اول** که جمیع اجزا دن  
 لفظ مراد اولمقدر منای بومعالم در **باسم** **نقط** نو مید او لم  
 دیگر دی رموزی بو با بدن صا لوز دی اول اولی سا قط با بدن  
 سا قط لفظ جزوین مستقیمه تحلیل حساب لفظند ن سا قط لفظینه  
 تبدیل و وفی صا اسقاط اولمقدر **باسم** **کفان** نیز لفظی از لفظی کل  
 سرخائیله و ل غوا نند ن اول سرخائیه دن کلک کانی تحلیل  
 و عوان لفظنگ تحلیلیمه و آن لفظنگ و آوس و عن قلبیه تبدیل  
 اولمقدر و **باسم** **مذکور** رموزی پنجمه کش اولدی خورشیدانی کور  
 پنجمه کش کفند ن عاقبت کوا کل عیان کور کف لفظنگ ناسخانی  
 تحلیلیمه عن لفظنگ قلبیه تبدیل و لفظ آن تحصیل اولمقدر و **باسم** **رحمی**  
 کعبه و لدا نور باری کور و آرو مد غدار باری کور کور کور لفظی  
 جزوینه تحلیلیمه و ف حار شم لفظند داخل اولمقدر و **باسم** **بنوی**  
 کشنت از کور سا مان منفصل ظاهر است از نوبت ای کم کرد و دل  
 لفظ نوب جزوینه مستقیمه تحلیلیمه لفظند لفظند حروف با داخل و تا و

خطاب

خطاب ای تفصیله تا لفظند صکر الف اسقاط اولمقدر و **باسم**  
**اسکندر** لفظند اور کب رموزی صاصه تر کن استر دهر و کله و دی  
 استر لفظنگ جزوین مستقیمه تحلیلیمه تر کن لفظند ن تر اس لفظند  
 تبدیل اولوب و دهر ک دی تر کن استر اداسی کتابه ایله ار آد  
 اولوب لفظ دهر دن با اسقاط اولمقدر و **باسم** **مذکور**  
 نذک نجیائینه نر سویدی اختیار کم بز دن آبا سر و در آن سند کدر و از  
 لفظ کدر جزوینه تحلیلیمه و لفظ کاف منوود سن لفظند داخل اولمقدر  
 و **باسم** **ضغف** و له کسید غضب مراد اولان آبلر آن ر ز  
 اکثر اولوب غضب جوا فز در دی جده غضب لفظی جزوینه تحلیلیمه و لفظ  
 صب لفظنگ عین باسی تصحیحی عینه تبدیل و در دی جدر دن در  
 مرادنی فی اراد اولمقدر و **باسم** **میر عاشقان** کور با ای غنیمه قم  
 غایت رعایت بند ک اولدم بنی کمر کشند کیر و خون ایدینوم دومر  
 سندن قم نیم در رعایت لفظی جزوینه تحلیلیمه بیت لفظنگ مای  
 رعایت لفظند تبدیل و شمند کیر و خون ادا سندن شم لفظنگ مای  
 لفظند تبدیل اولمقدر و **باسم** **محبی** انکه شد جوع کش سانی  
 بزم احدی و بداند رمی توجید حیات ابدی حیات لفظنگ  
 تحلیلیمه و بات ایدین اولما سندن تا سکن اسقاطی ار آد اولمقدر  
 و ف حا و یای لفظند داخل اولمقدر و **باسم** **صلی** کسی چون  
 من بشمیه جنابش کند کردن اگر چه است بی حد مخلص لدر تر کن من

× قهر محسن

×

×

مخلص لفظی جو ذیبتہ تحلیلیدہ مخ لفظیک خاسی استعاط و لفظی منظمی تک و  
 دار ترک ذن او مراد اولوب او ذن دنج مراد فی یا اراد او اولمشدر  
 و باسم **عمر** از نرا ابو ہریری در بر آبر و دیگر اشبو خاص در بو اعم از  
 اعم لفظی جو ذیبتہ تحلیلیدہ از لفظیک الف معنوی می عم لفظی تبدیل اولمشدر  
 و باسم **اسماعیل** بی حضور اولوب علی بعدن رموزی تا توان  
 کوردی اسبابی نہایت سزید و پردی همان لفظ اسباب جو ذیبتہ  
 تحلیلیدہ اس لفظی باب بی عدم مراد فی مع ویل لفظیہ تألیف اولمشدر  
 و باسم **محمدی** بر سک شکدن ترک لیدہ مایا قبول آیت مایا اسرک جو آئی  
 جو آل لفظی جو ذیبتہ تحلیلیدہ مایا لفظیک الف لامی حد لفظیہ تبدیل اولمشدر  
 و باسم **محمد** کارای الحجاز بد لک الصواب ان قش المراد فعلیہ حمز  
 مراد لفظی جو ذیبتہ تحلیلیدہ مراد لفظیہ در اعم لفظیہ تبدیل اولمشدر  
**قسم اولدن نوع نایب** کہ جمع اوقاہ مستقدن مع اراد او مقدر  
 منای اشبو معالمر در باسم **علی** رموزی قبول معاکیم دیکر دون  
 کرک تخمینہ فکر الہی بدی کون بدی لفظی جو ذیبتہ مستقیمہ تحلیلیدہ کہ بر  
 لفظیہ بری حرف یا در الہی لفظیک الی کون مدلولی حرف  
 عینہ تبدیل اولمشدر و باسم **ثانی** آہ آوت بیان اولوب سبب  
 جلدی الف سوزن کور بگشہ کو حکم اولدن خوف بت مراد فی  
 و تن لفظیک ط قینی استعاط و کیر و بت لفظیہ الف داخل و سوز  
 تحلیلیدہ یا لفظیک باسی حاصل اولمشدر و باسم **ابراہیم**

رویک سی مدکور بر کون مرد و دل چانوب بر کبر اولوب بر مرد و دل  
 کورسہ لفظی جو ذیبتہ تحلیلیدہ لفظیہ خطاب اولوب ہمک او بر کور  
 و یک اراد او لوب کون مراد فی یومک و آوس استعاطہ مرد و دل  
 واسطه واقع اولمشدر و باسم **عمر** لفظیہ از بدی و آری گفت گفتیم  
 بی از بدی می دارم مقدم لفظیہ یکی جو ذیبتہ تحلیلیدہ اولما غلبہ یا  
 مراد فی مراد از مراد فی عن ایدہ تألیف اولوب حرف عینک لفظیہ  
 اشارت اولمشدر **قسم اولدن نوع اول و نایبی** جامع در بو معنی  
 باسم **نوحی** الہ کو کلک لکرسہ اول بی و مانا دل بند جو یا ہد لوقی دل  
 بند و جو یا ن لفظیہ یکی شرف و ذیبتہ تحلیلیدہ مراد فی من قلبہ لفظیہ جو  
 و یا ن لفظیک نونی استعاط اولمشدر **قسم اولدن نوع ثالث** کہ اوقاہ  
 مستقدن لفظیہ بعضدن بعضدن مع اراد او مقدر جو ذیبتہ تحلیلیدہ  
 منای بو معالمر در باسم **روضی** اول مستغف عجیب نور مایا و نذر  
 عسکر رشقدن اوضیا تحصیل ایدن ضیا تحلیلیدہ نور معلوبک نونی  
 ضاہ مکسورہ تبدیل و مستاسی یا تحصیل اولمشدر و باسم **غیاث**  
 عاقل اولدر کہ عدد آید و معان نظر غلبہ بیلہ اگر اولبرس اید حد  
 بیلہ و اگر و برس لفظیہ ایک شرف و ذیبتہ تحلیلیدہ اولما غلبہ دن  
 لہ لفظیہ استعاط و حرف الف برتن لفظیہ تألیف اولمشدر و باسم **سنان**  
 قبضہ کلک گذر شتہ بیلورم و بر زمان اندن اول اول می گویمد جان  
 و برسم همان کورسہ تحلیلیدہ مدلولی حرف لام ستم لفظیہ داخل اولور

و با س م بر او و در آن ایدر ب ب خوب نهن کو کلدن کم  
 و با خای ایدر دم بنو بکل دل اولدغن بس م دل مر آ ذنی قش  
 لفظک تا بسین الطریقینی اسقاط اولما غده حرف حاصل اولوب  
 و بس م لفظی فوینه تخلیل اولما غده یکت مدلول الف تتم لفظه دل  
 واقع اولمشدر و با س م **فتم** جو خاک ره شدیم آن سیر و بال  
 جانت کرف اولمشدر ما فو آمد لفظی فوینه تخلیل لفظ فو حرف  
 مسم آینه تالیف اولمشدر و با س م **ششم** ایدر دهرس معطر بوی زلفی  
 اگر دلسر که به بوی زلفی زلف مشتمل اسم لام بر جا بنده  
 تصحیف کوب و بر جا بنین قطع انک اراد اولمشدر و با س م **صد آبی**  
 از افدن کورینور س که اولمه قناعت ایدر کل ای دید که  
 اولادید به خطا بیکه حرف صا و تحصیل اولوب نمانیاد لفظی فوینه  
 تخلیل ایدر لفظی لفظه داخل اولمشدر و با س م **یوسف**  
 نیر نر لفظو جفا کاره او ما یک دلنده و نا و آریه لفظ و نا  
 فوینه تخلیل اولما غده حرف و آوس مقلوبه داخل اولمشدر و با س م  
**بیر ام** جو باغ کوی او دیدیم حاشا بوی باغش بود میل دل ما  
 دل ما تک میلی و باغش لفظه در دیک اراد و اولوب و باغ لفظی  
 فوینه تخلیل فو نر آذنی غیر لفظک عین حرف بایه تبدیل و دل ما دن  
 ام تحصیل اولمشدر و با س م **عسی** مبارک ایل دنیا به لباسی  
 سیر در ویشکی دامن عباسی لفظ عباس فوینه تخلیل اولما غده اسم

**تایم تخمین با**  
 این معنی از عیب استجه نیت  
 معلوم میزدن قدرت کافیه است  
 که در معنی آخر فریب یاد آورده است  
 چه باشد که خواهد بر ما  
 واقع تر کانه است - تا تر افهم

اسم چندن حرف نون اسقاط و سبی لفظیه تالیف اولمشدر و با س م  
**آیزین** ممکن اولور می طوبه آج کوز لو کوز می فو خدن با کو کل  
 دنیا بی قبل بر کنشی کور و می سن با لفظی قلب و دنیا تخلیلده دن  
 لفظی حرف با بی احاطه ایلر و با س م **دانیال** بالاکشید تا که قدرت  
 ایست جطل و آنت جان من که سوز آن بلای دل و آنت  
 و بلا س لفظی ایکش فو و مستقله تخلیلده و آن لفظی لای  
 معنوی آینه تالیف اولمشدر و با س م **بابا** عیله نرا شکم شویله  
 طغیان آینه شد رکم دلای بی کر آن در یا متنا کورینور دید بطا  
 در یا لفظی تخلیل اولما غده در مر آذنی باب دن با می خیر اسقاط  
 و لفظ با دن حرف با بی سستی سه تبدیل با خود لفظ یا تصحیف و دید  
 مر آذنی عین بطا مر آذنی یا لفظیه تالیف اولمشدر و با س م **تازکی**  
 جان منو ریاضال جهنم کورد دلای بار ز آتش جو بنودگی فو زود  
 شمع ما آتش مر آذنی نار دن حرف را اسقاط و فو زود تخلیلی  
 ز و لفظک دایکی لفظه تبدیل اولمه و اسقاط اولمشدر و با س م  
**اسد** ویرمه ال بخل دنیا استر اسباب بی نهایت و لا لفظ  
 اسباب فوینه تخلیلده اس لفظی باب مر آذنی در بی نهایت آیه  
 تالیف اولمشدر و با س م **عجید** ای که داری دل صافی  
 ضمیر بی چشم بیدار جو داری بنگر جو برضش بیدار تخلیلده  
 چشم مر آذنی لاف عین بید لفظیه تالیف و داری لفظخدن

x  
 x  
 x  
 x  
 x  
 x  
 x  
 x  
 x

و اگر اسقاط اولمش در **اوج جزو** تحلیل مثال بود معانی در دو با هم  
**و حاتی** سنگ لفظ در بارب دم جانسوزی ثقیانک  
 حیات از اولوردی چون سجا اوله زمانک مسیحا لفظ اوج  
 جزو تحلیلده زمان لفظک میم معنوی صوف حایه تبدیل اولمش در  
 و با هم **جداری** و صحت زهی صاف و زین ناب و در آن می ذوق  
 اوحائی تو در یاب روحانی اوج جزو تحلیلده لفظک نویا  
 حافیه تبدیل اولوب و لفظ در تنصیف اید حاصله در با هم **احمد**  
 جویندر فنه سرخی از عذرش بیک ساقو گذر در آخر آرش  
 احرار لفظ اوج جزو تحلیلده لفظک زار معنوی ای احم لفظنه  
 تبدیل اولمش در و با هم **آنی** بلای دل دم اوله بوله غایت  
 جفا افلاک یا آهن نهایت یا آهن دکی لفظ یا وف نذا اعتبار  
 و نهایت لفظ اوج جزو تحلیل اولمقله آهن لفظنه سنگ اولان  
 هاتون مسور در دیو خطاب اولنور و با هم **سلیم** نه دیردی  
 بیم اختیار نهائی ریندر کوردوم اول غنچه دهائی ریندر  
 لفظ اوج جزو تحلیلده در مرادنی فی لفظندن فایو مسور  
 سئل لفظه تبدیل اولمش در و با هم **میر** دیم دل در دونه  
 کل برد و آغل باد الحاقه های در ددن دل مباد لفظ اوج  
 جزو تحلیلده حرف میم د امر ادنی اتم لفظندن اسقاط لایم اید  
 باقی ملامت امر ادنی صوف با و در دکی رأیته تالیف اولمش در

تبرکات

و با هم

و با هم **جانی** کتیم غم از منق جوالی نیم مست از جمال چون ملاکت  
 طاهرست ملاکت لفظ اوج جزو تحلیلده جمال لفظندن میم معنوی  
 ساقط و لت مرادنی فی لفظه تبدیل اولمش در و با هم **د فرب**  
 در آن لفظ کوریک مال مبارک دی همان فبارک و فی فو رخ بار اولدی  
 فبارک لفظ اوج جزو تحلیلده فت لفظ رک لفظ آیه تالیف اولمش در  
 صکر الحاف یا به تبدیل و وف د آل مصرع اولدن تحصیل اولمش در  
 و با هم **تازی** کلدن کلزار دهرک بردی کوروب نیدر  
 اول کلک با کیز روین کور دکل کیز نظر با کیز لفظ اوج جزو  
 تحلیل اولمقله زنا لفظک با هم کی لفظه تبدیل و کور مرادنی از آن  
 فلی حاصل اولان زکی لفظه روسی واقع اولمش در و با هم **جمال**  
 یا تلور خایر موزی لک ربان اید اید ساقی آن خوش دل جام  
 مالا مالده لفظ مالا مال اوج جزو تحلیلده جام معنوی ماج لفظندن  
 ما اسقاط نظر لفظ مالا تالیف اولمش در و **غز** **آبتدن**  
 خای دکلدر بو معانی که اعمال معنای دن بعضی واسطه تحصیل  
 اولان عبادت اوج جزو مستقله تحلیل اولمش در با هم **لا یحیی**  
 بر تو مهر خجی ایددی ظاهر بر اثر ذره اوله می یوزند اول ما کلت  
 ما مملول لفظ لاندن فم مشبه میم یوزند لفظه تبدیل اولمقله  
 حاصل اولان لا یوزند عبادی اوج جزو مستقله تحلیل اولنوب  
 لفظ لای زنده مرادنی فی لفظیه تالیف اولمش در و با هم **جیالی**

اینست یعنی تا آج بگویند محتاج خبر اولو می نجه اکل صوکن تا آجک  
 تا آج لفظتک صبی خبر لفظه تبدیل اول حاصل اولان تا آج خبر عبارت  
 اوج جزو تحلیل خبر لفظتک راسی تا مراد می الی لفظه تبدیل اول و مستند  
 و با اسم **ابوب** بچون اول خبر نقاب زلفه محو اولو را از حقیقت  
 رفع زلفه زیاد خوب اولو را از حقیقت عبارتند ز جیم هر نوع  
 اولد قدر اول اوج جزو تحلیل خبر لفظه ن خاد مضمومه ای  
 لفظه تبدیل اولی سن مقید اولو در **دست** تحلیل مثال  
 بو معنی اول در با اسم **نور** افتاد بند می خوب دایم اول  
 لایقی اول شده و بر در دسر اشقیاء اشقیاء لفظی درت  
 جزو تحلیل در لفظتک اولی یا مراد می اول لفظتک الیف  
 مضمومه ای فاده تبدیل حاصل اولان قول لفظه تبدیل اول و مستند و با اسم  
**منش** کور موب بر رحم جان تر کن آبتون دیر سه کمر بود موز می بی  
 اوم کون کور بیست آید سه کون مراد می کنش لفظی کاف  
 حرف می تبدیل اولد کد نصر بی لفظی آن سه استیک اراد اول و مستند  
 کور می لفظتک درت جزو مستند تحلیل و آس اول و مستند و با اسم  
**رجب** بای دوشندی بر همه اول دکلو حاصل کما اولد می اجمایا  
 عاقبت دل مهر آج اولد مذکور اولان نهند حرف را حاصل  
 اولوب و اجمای لفظی درت جزو تحلیل ما مراد می آب لفظه ن الیف  
 مدود می حرف صیه و دل مراد می بال لفظتک لاسی یا لفظه تبدیل

اولمندر

اولمندر و با اسم **تائی** باد کلرک بکر از شک لاکه کونمه ساد  
 خود مش به دید کمر بانه ساغ می خود عبارتند می مراد می مل  
 می لفظه داخل اولوب و مستند لفظتک درت جزو تحلیل مذکور  
 مل لفظه ن بیم مضمومه الیف مدودیه تبدیل اول می بکدر بیکر اراد  
 اولمندر و با اسم **نعیمی** با که تعلیم اولد اولی شیخ مخترم  
 اهل دل کور خبر اولد برسم روان از بر کیم اولان لفظه ن روان  
 استفاظ و از بر کیم لفظی درت جزو تحلیل بر مراد می علی لفظه ن  
 حرف لاس می لفظه تبدیل اولمندر و **قسم** اولد ن نوع اول و  
 ثانی فاج در بو معنی با اسم **حسن** سوک کاف کاف می سن بل درم کبر  
 دلبر اولد لکن دکن دکن اول لفظه دلبر اولد لکن اولوب دلبر  
 لفظی کاف کد نصر بر دکن انضامید و می دل مراد می حشا  
 لفظتک شی استفاظ اولوب و دکن نالندن اول لکن لفظی تحلیل  
 کتن و کتن تحلیل نخب لفظه ن حاصل اولمندر و با اسم **رحمی**  
 چونکه باشند صو در دسر دوش و ذی غنقه بوله دل مراد می جیات  
 مرد و جیات لفظی با کیش جزو تحلیل مرفلوبه حرف حآ  
 داخل اولوب و بیات ابدین اولاسی تا سی استفاظ ن کنایه در  
 و با اسم **صاحبی** و موعک جنبه سن اول ما با خوا جو جارس  
 استر آتیه آن اوج جارس و اوج لفظی با یکی شتر جزو مستند  
 تحلیل اولی غلج صبی حرف حاصل در بر لفظه ن حرف را

آج لفظه تبدیل اولمشد و با سبب **زاهد** آرتور و در غنچه جوهر لر نا اول  
 بت جمل ایلر مجتبی الکا هر دم زیاد دل زیاد لفظک جزوین  
 مستقلینه تحلیله لفظه یا تکریر نود و لفظک مغلوبه بیستینه  
 اثرت اولوب نوع اوله مثال واقع اولمشد و تحلیل مذکور  
 واسطه حاصل اولان ایکی زیا لفظلر ایکس جزو مستقله  
 تحلیله بر زیا لفظک حرف یاسی حرف زیا به تبدیل اولمشد و معنی  
 نوع ثانیته مثال در و با سبب **زکریا** دیرسه باش ویر یولمه اول  
 شوخ کرکلا زیم اولور زیا د ترک ستر زیا د و ترک لفظک  
 ایکس جزو تحلیل اولما غله تر لفظک تاسی حرف کانه تبدیل  
 و زیا لفظه داخل اولور و با سبب **کریم** فدایه یولکزد اولوب  
 پیرشده بیتا در فتناسب ترک ستر قلمغی کوردوم بند کس آ حرف  
 ترک لفظی تحلیله تر لفظک تاسی حرف کانه و بند تحلیله دن  
 لفظک تاسی کس لفظه تبدیل اولوب و کوردن مرادنی نیم حاصل  
 اولمشد و **قسم اولک انواع نلنه** سنج جاع در بو معنی با سبب  
**حبی** دون سنی کوردوم رموزی قالی مت **حبیب** و  
 دامانک در بد دل شکت در ید و شکت لفظلر جزوین  
 تحلیل اولوب شکت لفظک سینی شین مکسور به تبدیل دن  
 صکر حاصل اولان کشت لفظی تکرار تحلیل اولما غله شکت  
 تعجبی سبب در کمرادنی حی لفظه داخل اولمشد

**قسمت دن** که جمیع ایزر غیر مستقل اولمقدرد و بو قسمتی جزوین زیاد و  
 تحقق یولمسی منصور اولمقدرد **نوع اول** که جزوین دن حی لفظ مراد اولمقدرد  
 مثالی بو معنی در با سبب **الباس** کیر مکه قونرا لکه دایمی اولمکه  
 قوری الی با سببی لفظلر جزوین غیر مستقلینه تحلیل اولوب لفظک یا یله  
 حرف سین و حرف نون یا ی ساکنه آید ترکیب اولمشد الی لفظن دن یا یاس  
 لفظه تبدیل اولور و با سبب **امانی** باز در فکر در مندا الی کمرای  
 سرور در ما دانی سرو اولمقدرد و دان لفظی جزوین غیر مستقلینه تحلیل  
 اولوب ما لفظیله و لفظی نون آید حرف یا ترکیب اولما غله ما لفظن دن  
 در در ادنی دایمی لفظه تبدیل اولمشد **قسم ثانین نوع ثانی** که جزوین  
 غیر مستقلیندن معنی مراد اولمقدرد مثالی بو معنی در با سبب **حمید**  
 فتنک یا سنی جانما شوبله قونرا کچر بیلان تبرک تا جک دن مصراع اولدن  
 یا ی ذکر به قونرا الی حرف حاصل اولوب و جکر لفظی جزوین غیر مستقلینه  
 تحلیل و یا لفظه دن لفظی ترکیب اولما غله کوردن مرادنی حمید لفظک تا جک  
 یعنی جسم مرادنی سهم بیجاننه یعنی یمیننه تبدیل اولمشد **قسم ثانین دن**  
**نوع ثالث** که جزوین غیر مستقلینک برندن لفظ و برندن معنی مراد  
 اولمقدرد مثالی بو معنی در با سبب **عبیدی** کیم نیکر دازین دشت بیز لور  
 یعنی آن نیه بی مهر مقدم آهر در غناب لفظی جزوین غیر مستقلینه تحلیل  
 و حرف یا یله حرف عین و ما ب لفظی آن لفظیله ترکیب اولما غله بع  
 لفظی قلب و نیه بی مهر تعبیر شدن نه مدلولی سی لفظن دن مهر قلم سین

تبرکس

وف با تبدیل و مقدم ز امر و جبارتند کنایه آید لفظ و  
تخصیل او باشد **قسم اول** و **صحنی نوعی** و **صحنی نوعی**  
جامع در بومعنی با **اسم احمد** جو جا کرد در اندر چمن ز آ  
جو بیستم من زن هر گل شود **خاک** مر لفظ تحلیل و لما غده جالفظک  
تصنیف قلب اح میم مفوضه و نون مکسور **ایله** یا **ساکنه**  
تالیف وزن لفظک جوین غیر مستقیمه تحلیل و من لفظیه زای  
مفوضه و نون مکسور **ایله** یا **ساکنه** کنی ترکیبیه چمن ز لفظن  
من لفظی استفا و لوب یا قی ملان چار لفظی حرف و ال و ال واقع  
اولمدر و باسم **اسمانی** و **اسمانی** ای رموز بر بنا این بندس  
و هر نام جگدی غم بر سیدن **الیک** تا بنام آید تمام **اسمانی**  
اسمندی میل مراد فی سال لفظن **المن** استفا و بنا لفظی جوین  
غیر مستقیمه تحلیل و تا لفظیه یا **ساکنه** و تا لفظیه میم منظم  
ترکیب او لما غده نام لفظی قلب او **اسمانی** و **اسمانی** لفظ  
تاب و نام کنایه ترکیب اولد قد نظر قلب نام آید تحلیل  
این لفظه داخل اولمدر **قسم ناینک** **کیچ** و **صحنی نوعی**  
جامع در بومعنی با **اسم الیاس** کوزن دو شد **کیچ** **اسمانی**  
کچ بر ما هد سر تا سر این **بر** موضوعی الف ما مدلولی حرف  
لام آید تالیف و لفظ سر ثانی و **اس** کی شرف و غیر مستقیمه تحلیل  
و تا لفظیه سین مفوضه آید و **اس** مفوضه حرف الف و یا **ساکنه**

بای نامه ترکیب او لما غده نام لفظی قلب او **اسمانی**  
**ناتان** که بعضی از آن مستقل و بعضی غیر مستقل و مقدم **نوع اول**  
که جمیع افراد آن لفظه او او نور منای بومعنی کرد **اسم** **اسم**  
کوزن **اسکی** بوجهم بر نمده که کوزن اول بوزن **اسمانی** لفظه **اسمانی**  
بر و **اسمانی** که حرف را در که **اسمانی** ترکیب او **اسمانی** تحلیل او لما غده لفظ  
**اسمانی** لفظه داخل و **اسمانی** که **اس** و **اسمانی** اعتباری الف در  
**اسمانی** اولمدر و **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی**  
کلو تغییر کلوزن **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی**  
و در لفظک جوین تحلیلید لفظی که لفظه تبدیل اولمدر و باسم  
**اسمانی** بوجه دلزدن **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی**  
عکس بری او لور **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی**  
در **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی**  
ای دن **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی**  
ای لفظه تبدیل او **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی**  
کوزن **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی**  
جو غیر مستقیمه که **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی**  
**اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی**  
و **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی**  
تبدیل کوزن **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی** **اسمانی**

تحلیل او لما غده لفظی و تا لفظه  
تالیف او **اسمانی**



بروز مستفاد که لفظ قادر و برز و غیر مستفاد که نشین مکتور در که نوبه  
 ترکیب و نمندر تحلیله تا لفظ نش لفظه داخل او نمند و بهم **جدا ل**  
 ترک جدول کن بیامی شوم این بند من دور شدن بدو از جدول و نشین  
 جدول لفظک و ای مکتور مکتوب و لفظ دل برز و مستفاد که د آل  
 مکتور و برز و غیر مستفاد که لام مفوضه در که الف لیه تالیف و نمند  
 تحلیل او لما غله جدول لفظن د آل مکتور اما لفظه تبدیل او نمند  
**قسم اول ن نوع نایا قسم نالند ن نوع اولی جامع در بو معنی باسم طویل**  
 ساقی بزم خلت از نی کور بن مست عشق لم بزی  
 صافی می رض اید المد الی ایچیم بن ولد میتم با و سا  
 لفظ صافی و برز و مستفاد که لفظه می مراد و فی حرک صافی یعنی خاسی  
 تحلیل و آنچه آل لفظ برز و مستفاد که الف مفوضه و برز و غیر مستفاد  
 لام مکتور در که یا یله ترکیب او نمند تحلیل او لما غله اولی آل  
 لفظن الف مفوضه لی لفظه تبدیل او نمند **قسم نالند ن نوع نایا**  
 اوزار مستفاد و غیر مستفاد که جمعند معنی مراد او مقدر نمایا بو معنای  
 باسم **قطب** بو کوز و مد ن که هیچ خا و کله بر اید ن دمه اول  
 طاسی کو کله طاسی لفظ برز و مستفاد که لفظ ط و برز و غیر مستفاد که  
 سین مکتور در که یا یله ترکیب او نمند تحلیل او نمند که کل مراد و فی  
 تلف و ن سی موضوعی و ف لام و ف طایه تبدیل او نمند و باسم **ما شیم**  
 آشناد ن کز اول مکتور و ن کوستور و وار و ب و ل یا و یوز ن

x

نه مراد و فی شد لفظ نه رفی رای اسقاط آید و ب و یا و لفظ برز و  
 مستفاد که لفظ یا و برز و غیر مستفاد که د آل مفوضه در که یا یله ترکیب  
 او نمند تحلیل او لما غله با فی علان شد لفظک نشینی یا مراد و فی اسم  
 لفظ و داخله مستقل او نمند **نوع اول ن نوع نایا قسم نالند ن نوع نایا**  
 جامع در بو معنی باسم **علی** یا عم عشق تو یکدم دل من می نشد  
 دید و در و نفسی هر نواز و می نشد و در لفظ برز و مستفاد که در لفظ در  
 و برز و غیر مستفاد که د آل مفوضه در که و اوله ترکیب او نمند تحلیل  
 او لما غله دید لفظی ال لفظی مابینند واقع او لما غله حاصل اولان  
 لفظی دید لفظی عبار شدن لفظی نایا اوج برز و مستفاد تحلیل او لما غله  
 لفظی اولان نون مفوضه دید مراد و فی عینه و نایا مفوضه سی موضوعی  
 و ف لامه تبدیل و مراد و فی سین اسقاط او نمند **قسم نالند ن**  
**نوع نالند** که اوزار مستفاد و غیر مستفاد که بعضند ن لفظ و بعضند ن  
 معنی مراد او مقدر برز و بینه تحلیل مثال بو معنای در باسم **ذاتی**  
 ایضا جو بند که اتمه جفا بی کل ایلوب اید اتمی قدرت یوزن کو کز اول  
 اید لفظ تحلیل او لما غله ذاتی ترکیبند ن و ف نایا اسقاط او نمند  
 و باسم **حمر** بلز نه علا سن نوله بشد سه نیاز و آر و قی بول  
 دل و م بار نماز نوم لفظک راسی اسقاط و نماز لفظی برز و  
 مستفاد که لفظ نما و برز و غیر مستفاد که زای مفوضه در که یا یله ترکیب  
 او نمند تحلیل او لما غله ز لفظن کو کز اوله اید و نمند

و باسم **میر عاشقان** کوردی بر سر کشته بچم کم طودی نام عالمی  
 کون بوزان کوسزدی بر دم اندی سگین نامی بر لفظک باسی می مقولوب  
 تبدیل زمان لفظی بر جزو مستفاد که لفظ ناما و بر جزو غیر مستفاد که لام مقولوب  
 که میم بد ترکیب اولمشدر تجلیل اولما غده عالم لفظدن کم اسفاقا و کون  
 مرادنی شمس شین آید و هم مرادنی قان تالیف اولمشدر و باسم **عجری**  
 و **تهدی** بر نونک عم ایکن بنه استر بول زاز اولمقنی بو عیبله  
 مراتب رخ یار لفظ عیب بر جزو مستفاد که لفظ عی و بر جزو غیر مستفاد که  
 باسی مکور در که له لفظی ترکیب اولمشدر تجلیل اولما غده عی لفظی بالفظ  
 رخ تعجیف عکسه بارخ یاردن مراد اولما غده لفظک عکسه مراتب  
 اولمقنی بله و یک معنوی اراد اولمشدر **ابو و ثلثیه** تجلیلک  
 بو معالردر باسم **محمد البین و محبتی** طمذیری اما نه عجا اصحابی  
 وار دی آدی اولک و دارکن او ماش محالی با محبتی اسمند محراب لفظک  
 ایکی جزو مستفاد که بری مح و بری را لفظی در و بر جزو غیر مستفاد که باسی  
 مکور در که یا یله ترکیب اولمشدر تجلیل اولما غده لفظ مح بی لفظیله  
 تالیف اولمشدر و محبت البین اسمند الذی لفظی قاشش شین حوف نون  
 تالیف لفظک محراب لفظک تو بر سابق اوزر ابو جزو تجلیلک ترکیب  
 اولما غده لفظ مح و حوفی بانک تقدمة اشارت اولمشدر و باسم **کنعان**  
 کوردی و شری گمانه اول کوردی باشیده که کوشه کوسر بطور غنا و تاشیده  
 که لفظک کانی تحصیل و غنا لفظی ایکن جزو مستفاد و بر جزو غیر مستفاد

تجلیل اولما غده حوف عین تا لفظه داخل اولب قاشش شین نون آیدله  
 تالیف اولمشدر و باسم **مهدم** خسته جانومه دکلو ایله دوران کوچی  
 بر مراد هم حاصل اولو حقی و بر سر صوکل اوچی مراد لفظی جزوین مستفاد  
 و بر جزو غیر مستفاد تجلیلک بر لفظک راسی عیبه تبدیل و دم لفظی تحصیل  
 و باسم **امری و محی** طونم اصل حال ایچون نیجه تدبیر آیدم  
 یا قلم نبرد و غی مر سومی نیجه تغییر آیدم امری اسمند قلم شین الف  
 تحصیل و مر سوم لفظی جزوین مستفاد و بر جزو غیر مستفاد تجلیل و می  
 لفظی ترکیب اولما غده می لفظک می می لفظه و می اسمند بر لفظک  
 راسی می لفظه تبدیل اولمشدر و باسم **عمر** بزن خلا بق و هرک  
 برات معلومن رموزی نامنه یازمش بو عشق مر سومن مر سوم  
 لفظی کما سبق افرا تمشیه تجلیل و من لفظی ترکیب اولما غده من  
 مرادنی عن لفظدن نون مر لفظه تبدیل اولمشدر و باسم **مینا بی**  
 شراب لعلی دلدارک کما اولسیدی کمر مستم بولوب در مان دل اولور  
 خالی در ددن بر دم در مان لفظی ایکن جزو مستفاد و بر جزو غیر مستفاد  
 تجلیل و ن لفظی ترکیب اولما غده ما لفظه بی قلب اولوب و در د  
 مرادنی کم ایکن دفعه خا اولما غده مراد لعلی ایکن یا حاصل اولور  
 و باسم **شاهدی** بی دل اولما نیجه اولما دم فقیر پادشاه در د  
 بی دلدن خیر لفظ پادشاه ایکن جزو مستفاد که لفظ با و د آل مکور  
 و بر جزو غیر مستفاد که لفظ شاه در که حوف الف ایله ترکیب اولمشدر

تجلیل

تحلیل اولمان غده شام لفظنک با سنی و ال سکور به تبدیل و در  
 مراد فی الم لفظنک لام استعاطیله حاصل اولان نام لفظنک ن  
 حرف یا اراد اولمشدر و با سیم مدح محبت سزستی بکرت قدیده  
 دلک دو نمز می قلبی هم صدیده و نمز می قلبی میم در و صدیده لفظی  
 یکی بود مستفله که حای مغنوه و لفظ دی در و بر و غیر مستفله که  
 و ال مغنوه در که یا یله ترکیب اولمشدر تحلیل اولمان غده حرف حای  
 دی لفظه داخل اولمشدر و با سیم **هلال** کجمر کول کل هو او پس در روز  
 کورنید بسر کول کل هو سی عاقبت بلحا لفظ هو س یکی بود مستفله که با دو او  
 مغنوه چنین در و بر و غیر مستفله که سین سکور در که یا یله ترکیب  
 اولمشدر تحلیل اولمان غده حرف با و سی موضوعی اسم لام تألیف  
 و بلحا مراد فی یا یه حرف میم تبدیل اولمشدر و با سیم **امام**  
 فو ام نیز سه اول نخل دلاراه نمال سر و کلشن نم شیمان نمال سر و  
 العذر و سیم لفظی یکی بود مستفله که نو ن مغنوه و لفظ سی در  
 و بر و غیر مستفله که حرف میم در که الف آیه ترکیب اولمشدر  
 تحلیل اولمان غده نم لفظنک نو ن مغنوه سی ما لفظه تبدیل اولمشدر  
 و با سیم **عمر** ہی شو جموله دیگر صوتی عادت ایدینه عکس موونی  
 لفظ موونی یکی بود مستفله که لفظ مع و او در و بر و غیر مستفله که حرف  
 نادر که یا یله ترکیب اولمشدر تحلیل اولمان غده فی لفظنک فاسی مع  
 عکسه تبدیل اولمشدر **قسم اولدن نوع اولی و قسم ناملندن نوع**

نمان

**نمان و ناملندن جامع** واقع اولمشدر بومعی با سیم **اسامی**  
 ال اثر است اولد و غنی نگار نازل با قشینی کور دکنی یا کرس اندی  
 رموز یا خود بین کوز کوشینک اریشنی کور دکنی کوز کول لفظنک  
 جزوین مستقلینه و نک لفظنک بر و غیر مستفله که سی لفظیه  
 ترکیب اولان حرف نو ن و بر و مستفله که کاف ترکیب تحلیل  
 کوز کول لفظنک ن کوز حرف سینه تبدیل اولوب حاصل اولان سز  
 مراد فی نمان لفظنک ن دخی اش لفظنک بر و مستفله که الف  
 سکور در و بر و غیر مستفله که حرف شین در که ما بعد ندر که یا و  
 نونه ترکیب اولمشدر تحلیل اولمان غده حرف شین الف سکور  
 تبدیل دی خصیصه کور دکنی عیارن واسطه و آتبع اولمشدر  
**قسم اولدن نوع ثالث و قسم ناملندن نوع ثالث** جامع در  
 بومعی کور با سیم **سجراج** سس سن ای شنه یا نه یا جاکرک یا حد همان  
 زار اولور غندن نهایت دعوی مهرک فلان لفظ شنه یا نه جزوین  
 مستقلینه تحلیل شنه لفظی بهایله اولوق کنایه اولوب و بهما لفظی  
 جزوین مستقلینه تحلیل بهایله حرف با یه تبدیل اولوب و جاکر لفظی  
 یکی بود مستفله که لفظ ج و کاف شنبه در و بر و غیر مستفله که حرف  
 رادر که کاف ترکیب اولمشدر تحلیل اولمان غده و همان لفظی  
 یکی بود مستفله تحلیل جاورک در وان لفظنک او فو ندر لفظی  
 و غم مراد فی هم لفظنک می زار لفظه تبدیل حاصل اولان نهر اردن

در غیر مستقله که حرف لام در که یا بد ترکیب اولمش در  
 تحلیل اولمانه که لفظند نمرات اولی اعتبار بدیه لفظتک  
 عکس صورتی نمایان اولور واید لفظی یکی جزو مستقله تحلیلند  
 مقولای ای لفظه و خولده لفظ اندی حاصل اولوب و لفظ اشباه  
 درت جزو مستقله که الف مکسور و حرف شین و یا مکسور و لفظ باد  
 و بر جزو مستقله که حرف با در که یا بد ترکیب اولمش در تحلیل اولمانه  
 لفظ تهی ترکیب اولوب و اندی لفظتک الف مکسور بی که اش  
 تحلیلند حاصل اولوب ضمیر غایب اعتبار اولمان شین بیکن الکا  
 راجع در اسمته تبدیل اولوب و تهی عبارتیه مابین الظرفین  
 اسفاظدن کنایه اولمش در **قسم اولدن نوع ثالث و قسم**  
**ثانی و نوع ثانی و ثالثی جامع در بو معنی باسم علی و عمر**  
 و کلمه عاقبت اندیش یا صدقه محرم بیایی دشمن یا عاقبت یا اسکا  
 بیایی دشمن یا عاقبت او اسندن عد دشمن عبارتی حاصل  
 عیا اسمی اراد اولند قد یا لفظی بر جزو مستقله که یا خطاب  
 و بر جزو غیر مستقله که حرف راد که الف خطا بد ترکیب اولمش در  
 تحلیل اولمانه عد دشمن عبارتی اسکا همدم در دیو لفظ رایه  
 خطاب اولوب عد دشمن ترکیبی حاصل اولوب ترکیب مزبور  
 درت جزو مستقله که بری لفظ عد و بری دال مضمومه و بری شین  
 ساکنه در که ضمیر غایب اعتبار اولمش در و بری لفظ مراد در تحلیل اولمانه

در غیر مستقله که حرف لام در که یا بد ترکیب اولمش در  
 تحلیل اولمانه که لفظند نمرات اولی اعتبار بدیه لفظتک  
 عکس صورتی نمایان اولور واید لفظی یکی جزو مستقله تحلیلند  
 مقولای ای لفظه و خولده لفظ اندی حاصل اولوب و لفظ اشباه  
 درت جزو مستقله که الف مکسور و حرف شین و یا مکسور و لفظ باد  
 و بر جزو مستقله که حرف با در که یا بد ترکیب اولمش در تحلیل اولمانه  
 لفظ تهی ترکیب اولوب و اندی لفظتک الف مکسور بی که اش  
 تحلیلند حاصل اولوب ضمیر غایب اعتبار اولمان شین بیکن الکا  
 راجع در اسمته تبدیل اولوب و تهی عبارتیه مابین الظرفین  
 اسفاظدن کنایه اولمش در **قسم اولدن نوع ثالث و قسم**  
**ثانی و نوع ثانی و ثالثی جامع در بو معنی باسم علی و عمر**  
 و کلمه عاقبت اندیش یا صدقه محرم بیایی دشمن یا عاقبت یا اسکا  
 بیایی دشمن یا عاقبت او اسندن عد دشمن عبارتی حاصل  
 عیا اسمی اراد اولند قد یا لفظی بر جزو مستقله که یا خطاب  
 و بر جزو غیر مستقله که حرف راد که الف خطا بد ترکیب اولمش در  
 تحلیل اولمانه عد دشمن عبارتی اسکا همدم در دیو لفظ رایه  
 خطاب اولوب عد دشمن ترکیبی حاصل اولوب ترکیب مزبور  
 درت جزو مستقله که بری لفظ عد و بری دال مضمومه و بری شین  
 ساکنه در که ضمیر غایب اعتبار اولمش در و بری لفظ مراد در تحلیل اولمانه

عد لفظک دالی مضمونه بی یا لفظه تبدیل اولوب و عمر اسمند لفظ  
 و ششم اوج و مؤسسه تحلیل اولما غله عد لفظک دالی مضمونه بی  
 بی مضمونه به تبدیل اولوب و یا لفظی سابقا ذکر اولندغی اوزر  
 تحلیل و حرف را الیه ترکیب اولوب لفظ عم سکا همدم در دیو  
 حرف را به خطای اولمشدر **قسم اولدن نوع ثالث و قسم ثالث**  
**نوع ثانی** جامع در بو معنی با سسم **سعد** پنجه باقون و بیبه  
 یا بعید سکندر ایا بر کار و دید و دید سن لفظی بر و مؤسسه که  
 سین مضمونه و بر و غیر مستند که حرف نون در که کاف ترکیبه  
 ترکیب اولمشدر تحلیل اولما غله و دید ثانی اکی و مؤسسه  
 تحلیل اولما غله سین مضمونه و دید اول مرادنی عین و دی  
 لفظی تالیف اولمشدر **قسم ثانی دن نوع ثانی و قسم**  
**ثالث دن نوع ثالث** جامع در بو معنی با سسم **عبیدی**  
 بکر در دم سکا بر و بر نه سیمایی کیم طو سیدی مقابل کشف بدر آبی  
 کنش مرادنی عین تحصیل و لفظ بدر بر و مؤسسه که حرف را در  
 که ای لفظک الفیه ترکیب اولمشدر و ای لفظک اکی و غیر مستند که  
 بری مقدما حرف را یله ترکیبی ذکر اولنان الف و بری حرف را در  
 با ی نایله ترکیب اولمشدر تحلیل اولما غله بر لفظی حرف یا یله  
 تالیف اولمشدر **قسم ثالث دن نوع اول و ثانی** جامع  
 بو معنی با سسم **انیس** و **جنای** و **حجی** و **بنی** اولدی غلطان

در اشم چشم تر جانب جانانی بی با و سر انیس اسمند جانان  
 لفظک بر و مؤسسه که جان لفظی در بر و غیر مستند که نون مضمونه در  
 که لفظی ترکیب اولمشدر تحلیل اولما غله حرف الف تحصیل و بیبه  
 لفظک اکی لفظی اسقاط اولمشدر و جنای اسمند جانان اکی  
 و مؤسسه که بری جا و بری جان لفظی در بر و غیر مستند که سابقا  
 ذکر اولندغی کیمی به لفظی ترکیب اولنان نون مضمونه در تحلیل اولما غله  
 جان لفظک الفی نا لفظه و بیبه لفظک نون حرف یا به تبدیل و یا سلی اسقاط  
 اولور و **حجی** اسمند جانان لفظی سابقا ذکر اولندغی اوزر اوج  
 و مؤسسه تحلیل اولما غله جانان محل لفظک لامی اسقاط و بیبه لفظدن  
 جنای اسمند کیمی لفظی تحصیل اولور و بی اسمند جانان لفظی کبر و  
 و بر شرح اوزر اوج و مؤسسه تحلیل جانان لفظ جان و بیبه لفظدن  
 طافین اسقاط اولمشدر **و آی** تحلیلدن بعض معنی لفظی مضمونه  
 اولان الفاظ و بیبه و فارسیه و ترکیبه معنای معنای لفظ اولما غله  
 اوزر تحلیل اولور حصول اسم و سبکه واقع اولما معنای بیبه  
 و بی اولنان الفاظ فارسی اعتبار اولند و غده مثال بو معنی با سسم  
**طاهر** و **نیاد** و **مهر** و **شغفت** امیدی زهی خطای لم جلفا تکلف طلبنا ما بها  
 عبارت طلبنا فارسی اعتبار اولما غله اوج و مؤسسه تحلیل اولوب  
 طاه مضمونه ناه لفظه لب واقع اولما سلی اراد اولوب و ما لفظی  
 حرف یا یله ترکیب اولما غله ما بدن حرف را تحصیل اولمشدر

معنای بیبه

عبارت ترکیبی فرض اولند و غنه مثال در بو معا لرباسم و آبی  
 بوقیو مترسن خاک و بیدن ناکس اشتر آب غنا سوزن اجد لبس  
 نزاب و غنا لفظی تحلیلله اشتر رابع ناموزن او آبی تحصیل ناموزن  
 عبارتند رابع واقع اولان و ف و او را آد و امید لفظی بروز مشتقه  
 امی و بروز غیر مشتقه دال مکسور و در که لفظیه ترکیب اولمشد تحلیل  
 اولنا غدا می لفظی تحصیل اولمشد و با سسم **سیمی** دیده ما نوی مک عجا استری  
 کور کور فاشکی بر خطه با استری فاش مشتهی نون تحصیل و با استری  
 تزارندن اولابا و ف نذا و تری لفظی فعل مضارع اعتبار اولمغه اس  
 لفظه خطا بله الغی استا و نیا و ف یا می لفظن استری یک ار آد  
 اولمشد و با سسم **ادم** می نزوش اولور و فون بزد و غسم  
 اولدغچی می خنندن باد کم خنندن لفظه کی نون و ف جار تصور  
 اولوب لفظون مراد فنی ضم لفظن خا و مضمومه می مراد فنی باد  
 لفظه تبدیل باد تحلیلله و ف با استا و اولمشد و با سسم **حسین**  
 ایدرکن رسم بن مظلومه و آفر کیر و اتک ندر جنی سن آفر **حسین**  
 لفظه کی فنی و ف اولوق ملا خط سید ج لفظنک او ای سن لفظه  
 داخل اولمشد **عبارت** ترکیبی فارسی فرض اولند و غنه مثال در  
 بو معا لرباسم **حیدر** حاکم جا هلی صمه بد شرعی عرفی پنبه دن  
 و ف اید می دید جوان برنی جوان اوچ بروز و برف لفظی ایکی  
 و نو تحلیلله جوان لفظه و او عاطفه و برف لفظه کی بر عیا معانه

محل

اعتبار اولوب چی لفظی فی مراد فنی در لفظیه تألیف اولمشد  
 و با سسم **شیدا** جسمک بنیاد استاد و هر ای هم نام اتدید  
 معا کر باشی تا بنام اولدی تمام باشی لفظی تحلیل و تا ب لفظی  
 ترکیب اولمغه شی لفظیه نام مراد فنی آد لفظنک مقلوب  
 تألیف اولمشد و با سسم **نایج** ایدب رو حک خن بر آه توجید  
 کوکل شدنند قیل مجانیه تجدید میجانه و تجدید تحلیل لربیدی  
 مراد فنی راج طرفین تح لفظه تبدیل اولمشد **اعمال** سهیلی  
**ابو صبیح نسیمی ترکیب** در که معنای بنید معقد اولان لفظین یا  
 واجی ز یاد هر کور یوب لفظ واحد اعتبار اولنا سندن عبارتدر  
 کر که افرای ترکیب ایکی اولدی تقدیر چه غیر مستقل کر که ایکی یا  
 زیاد اولوب جمده سی و با بعضی مستقل اولسون نشول شرطیه که لفظ  
 مرکبند عینی مراد اولوب معنی مراد اولان صرف عبارت ترکیبیک  
 لفظه واقع اوله عمل تخصیص ن معدود اولور نه که بو معا لربود  
 با سسم **امری** جانه باشه قابل ایکن بور موزی نامو آن  
 یاراندن دل دلمرا بتمز می کرد در میان لفظین یار و آن  
 ترکیب اولند قد نظر و ف را استاطیه تشبیه با باقی قلوب  
 برندن لفظام و برندن و ف یا تحصیل اولوب و رای بخذ و ف  
 کیر و یا این میانده خودت اولمشد و با سسم **خیالی** و نما که  
 معتقد اوله صفا که بله تمام سکا بقش کوکل ای طیل فی انجام

خلیل تجلیده لفظ ای مخ ترکیب قلب و لیل لفظ تک لام اخیر اسقاط  
 اولمشد و با اسم **علی** رموزی گیت ز آری خسته **خایا** مدام اند  
 در دل دید ملاکی لفظ ملا کلبه حرف یاد ترکیب اولان  
 ملاکی لفظ ندن در در آدی ام مقول دید مراد بی عینه تبدیل  
 اولمشد **عمل ترکیب دن** قسم اول که او استقل اولمقدر مناسبا  
 بو معنی کرد در با اسم **اولیا** ساکا میسر اولدی می پورفت و علی  
 اولمان استانه تابنده ای یو آ تا و بند لفظی ترکیب  
 اولوب ای لو لفظ تک مقول بیتنه و آسط اولمشد و با اسم **علی**  
 طاس جو خبر نمونه نریمک بیانه می هر خبا بینک نشانه اولمان در آن سی  
 مردن عین مراد اولوب و لفظ ندن و دانه مستقلین دن ترکیب  
 اولمان دندانه و آسط تشبیه اولمان غده مدلول سی لفظ تک  
 حرف سین سی مدلول حرف لامه و با لفظ سی دن حرف سین مدلول  
 حرف لامه تبدیل اولوب اسم مقصود حاصل اولور و با اسم **غنا**  
 دیرک اولورفتا دم هر که نگاهم سن نشانه دوشتر حاصل ای هر سی مایم  
 نشانه و با مستقلین نرکت لفظ نشانه و سید تشبیه اولمان غده سن لفظ تک  
 سین ایکشر حاصل حرف عینه و سی لفظ تک سی ای لفظه تبدیل اولمشد  
 و با اسم **سنان** دلاقی اجمله رضا مایل اولده صورتی سن او مایم  
 بکدر اولده ما لفظ و حرف یاد ترکیب اولمان مایم  
 لفظ سن لفظ تک نونی اسمنه و نونک و اوی الغه تبدیل اولمان غده

وسیده

وسیده اولمشد و با اسم **اینان** اچلو رکب کبی اول فرخ جمال  
 رظرتیک کوریک هر سو بن آل سوی لفظ تجلیل و حرف نون اولمان  
 نال لفظی ترکیب اولمان غده یا حرف تک اولمشد نال مشهور الف اولمشد  
 لفظ نال تصور اولمشد **عمل ترکیب دن** قسم **نایب**  
 که ایکی جزوی دخی غیر مستقل اولمقدر مناسبا بو معنی کرد در با اسم **فریم**  
 فو کله ای تکه منته و آن بولینور می بکایر بلم آو لفظ بلم و احو  
 ایکشر جزو تجلیل و لفظ سما ترکیب اولوب و سما تک رضو لفظی  
 ملا حفظ سید لفظ تک مراد ن لفظی اراده اولوب و فرم آعباد  
 اوج جزو تجلیل اسم حاصل اولور و با اسم **سنان** برای ایکی لایه و ایدوب  
 حواله زح زبانه بری بریده نون ایستل نرکت ن نرکت اولمان  
 لفظرتیک ایکشر جزو تجلیل و دل لفظ تک ترکیبیه نون مقصود سنان  
 لفظه الغه اوزرنه واقع اولمشد **عمل ترکیب دن** قسم **نایب** که  
 بعضی او استقل بعضی غیر مستقل اولمقدر مناسبا بو معنی کرد در با اسم **سنان**  
 سودم بر فعل صورته فغان ای ایلدکم کورسه بلور استمک آبی  
 استمک لفظی اوج جزو تجلیل و مطان لفظ تک ترکیبیه اس لفظی نون  
 مقصود مطان اولمشد و با اسم **حیا** که کورسه حور و کونتر آوز  
 سندن نون سیر ایدن اول خود بای کسارینی دلا خوب لفظی تجلیل  
 هر بد لفظی ترکیب اولمان غده خو لفظ تک و لوی یا لی لفظه تبدیل اولمشد  
 و با اسم **حیا** انقطاع تیغله ویرم رضا را حیم قطع برایت اولمان غده

لفظ را حتی در وزن مستقیم و بر وزن غیر مستقیم تحلیلی و بی نظمی ترکیب  
 اولیاً غلطی می‌رود در باب لفظند حرف راضاً و مکسور به تبدیل  
 و در آن استقامت اولیاً و بشد و با اسم **آنی** بشد کورب شمدی نیانم  
 نوله ناز، هر کون اوله کم شنبه اول مده، نیانه لفظ نیانه  
 تحلیلی و با زلفظیم حرف با ترکیب اولیاً غلطی می‌رود در آن آی  
 لفظند آن مکسور، باز، و یک اراده اولیاً و بشد و با اسم **جعفر**  
 ینه و کشته رموزی سکا اولیاً و بجا ال، نهن کو ستر اولی می  
 رخنه، هر حال لفظ عجب بر وزن تحلیلی و حرف با و لفظ آن ترکیب  
 حاصل لفظ بال ع لفظک قلب اولیاً سید اولی و مده  
 مراد فی قر لفظک می و بر نقطه سی ساقط اولیاً و بشد و با اسم **شیخی**  
 جات کی با کور و رسیا کی تار، همانا صافی در بد تکرار در لفظی  
 و بد حاصل حرف و ال ایله ترکیب اولیاً و اولیاً یک آفریده تالیفی  
 تکرار اولیاً و بشد و با اسم **صدر** و بر حرف بعد رضائتدن اولی  
 بر دم و دایع اوزر، دلی سندن کورب هر جان بی و ب انقطاع اوزر  
 جان لفظی لفظی تحلیلی حاصل حرف با بد تالیف اولیاً غلطی ترکیب  
 اولیاً جان لفظی قلب لفظک تالیفی منفصل اولیاً غلطی لفظی تبدیل  
 و باسی استقامت و سید اولیاً و بشد و با اسم **محمد الدین** و لایله ایشو  
 عم ایله جنکم هوس، فاقصد جنگ بی دل یا کو طندن نیده بس  
 جنگ لفظی تحلیلی و کات مکسور، تالیفی لفظی تالیف اولیاً غلطی

ترکیب

ترکیب اولیاً و لکن کی لفظی جن و با مراد فی اسم و دل وی لفظی  
 قلب اولیاً و لکن و سید اولیاً و بشد و با اسم **علی** بن دعا اند کجی سید  
 نه وار، کوزومه و شود مبدم لب یا زلب یا تکرار یک اولیاً و لکن  
 لب تحلیلی و با لفظی ترکیب اولیاً غلطی می‌رود در آن عین ایله حرف  
 لام تالیف و تالیف یا لفظک یا سی تحصیل اولیاً و بشد **عمل ترکیب**  
**شم اول و تالیف** جامع در بو معنی با اسم **حزق** خال و زلفن طو بدین  
 بزدن بجز راول صمیم، سوز ایدردل کاه و لکن تا بزمه زلفی هم  
 لفظ خال و با مستقیم لفظ خالی ترکیب اولیاً غلطی می‌رود در آن  
 ح لفظک یا بین الظرفین استقامت و بزمه لفظی تحلیلی و تالیفی  
 مکسور دن لفظ تاب ترکیب اولیاً غلطی می‌رود لفظ قلب و لفظند  
 زلف بزمه حرف لام مذکور زلف قبله تبدیل اولیاً و بشد **اعمال سهیلک**  
**در و بخی عمل تبدیل** در که بر کلک و وفدن اسم مقصود، لازم و لمیان  
 ایرادی ضروری بر وزن و یا در آن زیاد، به تبدیلدن عبارت تدرک  
 بر حرف بر وزن یا زیاد، به یا خود حرف معده بر وزن یا زیاد، به  
 تبدیل اولیاً و لکن نام عمل مذکور علی هذا التویر در د، منظر اولی  
**شم اول** که بر حرف بر وزن تبدیل اولیاً و بشد در با اسم  
**رحمی** تود کی بی دل در بیضا خاص و عا می، کو طلی بیضا لیج بر جو آ می  
 و آ می لفظی تحلیلی اولیاً غلطی می‌رود بر موضوعی الف حرف حایه  
 تبدیل اولیاً و بشد و با اسم **زح** عشق قانون بیان نامک کرکن اولیاً

عقل جان با نام اربعه



ایک ای دکنکے ابتدا شرح شفا **باسم** لفظکیشنی مکتوبند فظک  
 شفا تجلیلی مایه تبدیله وسیده اولمشدر **باسم فیضی** فقیرہ قتی لآزم  
 ای دل سرور **احاط** اصول فروری فروری **فروع** تجلیلی لفظک  
 عینی مایه فروری تجلیلی لفظک **راسی** ضا **تبدیل** وسیده اولمشدر  
**باسم قلندر** شکایت از غم خود گاہه و بجا گاهه **نباشد** حد دل مردم  
 بان مایه اولاد مراد فی قلب لفظک **بسی** حرف نونه تبدیل و نمانیا  
 لفظ دل دن حرف لام استعاط و حرف حاصله حرف را یله مایه  
 اولمشدر **و غایب تبدیل** ایکی لفظن بر حرف عبارت و آید ایله  
 تبدیل اول مایه نه که بو معنی **باسم اسمعیل** عکبرم طغند جیش  
 سو دای نگار **زلف** و چشمی هم بر دی اولدکن اشکار **زلف** مشبهی  
 اسم لام دن حرف لام ابرو مشبهی نونه تبدیل ایله حاصل اولان نام  
 لفظن مراد فی اسم و چشم مراد فی جسدن حرف نون لامه تبدیل  
 اولمشدر **باسم کائن** بیچاره کوکل تمام اولوردی **اول** جمله جیش  
 کلام اولوردی **مه** مدلولی اسم لامک لامی کاف مقصودیه و جیش مراد  
 کی لفظک کاف مقصودیه لامه تبدیل اولمغه کلام تجلیلی و اسطر اولمشدر  
**و باسم کائن** لامه تمام تجلیلی عیسیم آه **اول** مراد ای دل چولامکانه  
 کم آه **لفظ** لامک لامی کاف مقصودیه و لفظ کاف مقصودیه مایه  
 رقی رایه تبدیل اولمغه مکان دکم تجلیلی و لامه **و مایه** ترکیبی وسیده اولمشدر  
**و غایب** تبدیلدن بر بی بروف **د** بر حالت از دیا یله آفر **تبدیل**

x

د

نه که بو معنی **باسم ن** **بک** دیدول بهماش اورا **عجب** آمد عجب  
 خوف خطی که بوسته است بر بالایی لب **بهماش** مقول بندن حرف  
 لامک یوقا **روسته** متصل الکریمه خط حکم مطلقه کانه تبدیلی طایر در  
**و غایب** تبدیلدن عد اولنه **بعید** و کدر بر عبار تک بعد الضحیف  
 تجلیلی و اسطر تبدیل واقع اولدنی نه که بو معنی **باسم شمس**  
 بشردل اول اوکم زهر جینیل سو **تقدیر** منزل نجه اختر کبر برج اسدی  
 اسدی لفظنه **برج** که اسدر در منزل اختر آن اولیجی اشدی  
 لفظ حاصل اولوب افر **نقشه** تجلیله ده مراد فی اسم لفظن  
 الف مقصودیه حرف شینه تبدیل عمل اولور **عمل تبدیلدن قسم نایه**  
 بر حرف نونه یا داجی زیادیه تبدیل در معنی بو معنی **باسم سطل**  
 غصه که کرا اولور **سغم** دخل **غش** یا عاقبت زائل کوکل **غش** لفظن  
 ناسنط و حرف زائل غلبه تبدیل اولمشدر **و باسم صیامی** بر نطقن  
 اول می محمدن **ایزد** کورسون **کوردی** بر صبر وانی برداجی **صبر** کورسون  
 آبی خیری **مصراع** اولد **مذکور** اولان مه مدلولی اسم لامه راجع اولوب **صبر**  
 تجلیله لام دن حرف لام حقی لفظنه تبدیل و ایکی صبر و تجلیلی اولان غله  
 حقی لفظن حرف صاد استعاط اولمشدر **و باسم بک** بتر اندک غم  
 خوبه لذات **دینی** کج موادن کرم است **کل** کوکل از **دینی** حقی نونی از **دینی**  
 مراد فی حرف لفظنه تبدیل اولمشدر **و باسم روزی** کجا یار کزین غمهای بر **غم**  
**بیارم** پیش دی **وزر** و ذل **مهم** **بیارم** تجلیله دم حاصل و وحی و اوی

x

x

وز لفظه تبدیل اولش در و با سیم **خلیل** ایدیم صبر استجای راج  
 ال باغ خلدت تا سیم وصال قلت لفظه ز حرف تا سیم مرادنی  
 یل لفظه تبدیل اولش در و با سیم **صبر** است غفلت اولمندی دل  
 جاکلی شیار تل یاری کورک استریک چشمکی بیدار تل چشم  
 مشتمل حرف صادی لفظی تا یلف اولدند نظر یاری خلیل ایدیم با حرفی  
 ری لفظه تبدیل اولش در و با سیم **مصط** بن او یجک مراد غفلت ز دایتر  
 مصباح ایدرس روی جیبی بگا اکثر مصباح لفظه کی صابکار ادنی یا  
 لفظه تبدیل اولدند نظر اوج جزو تخلیله مص و ی تا یلف اولش در  
 و با سیم **بیر** سر و در او بکوب قدی فرآینه اگر طلمی مسرا اولوب  
 اول ما سیدی خود و دو سیم **سر** لفظی ما ملوی لفظ لام ایدیم تا یلف  
 سر لفظک سینی بی لفظه تبدیل و لا تک لامی استقا اولش در و  
 با سیم **فاو** شول اخوت کوستر نمانند و کینی ذکر آیدوب  
 بولدم دنیا و صانی دل برادر فکر آیدوب فکر کجانی برادر  
 مرادنی ا ح لفظه تبدیل اولش در و با سیم **نهانی** بچون کلنگ  
 عندلیب فریبی بقر کور چون نو بهار آفرینی نو لفظک آفری استقا  
 و بهار را سینی به تبدیل اولما غده حاصل نهانی عبار تندگی  
 یا حرف نو تک های لفظیله اتصاله وسیله اولش در و با سیم **هدی**  
 کرم خوشدر لب آبا و جهاتک نفی اولور اکثر نغمه منصل اما ندی  
 نغم لفظ ندی ایدیم جمع و نغم خلیل اولما غده ند میدن نون مفتوحه

غم

غم مرادنی هم لفظه تبدیل اولش در حرف واحد ک و فینه  
 تبدیل بعضی تصرفه موقوف اولدوغه مثال بو معادیر با سیم **اسحاق**  
 ابا اینتر اوسر و اقرار سحر کوستر آری اول اقرار کوه کند و آر در اما  
 بیینه انظار کای حرف الف اقرار سحر جبار تن کوسزد کد نظر سحر  
 لفظک را سنی اق لفظه تبدیل اولمغه صراع مانید او آرک صولند  
 و آر در او اسید رای مکور اوزر لفظ اثبات اولوب  
 حرف جوا غبار اولما سنی وسیله اولش در حرف واحد ک و فینه  
 تبدیل بیک غایت دقیقه سند ز بر حرف تک لفظی غلظه ثابت  
 ایکن بلا اعتبار لفظه و فینه تبدیل اولدند قد احد و فین تحت  
 لفظه باقیه ذواته اولما غده عمل محجف جاری اولدوغی ننه که بو  
 معادیر با سیم **قرم** ایدن بن مستندی بر نفسش و غمک  
 یتیمش بکندن اولسون آزاد و غم لفظه ن عین بلا لفظه که یتیمش  
 آندن عبار ندر آزاد مرادنی حرف لفظه تبدیل اولما غده های حرف  
 لفظه باقیه تخته واقع اولما غده خایه تبدیل اولش در حرف  
**واحد ک و ف واحد و و فینه تبدیل** جامع در بو معنی هر با سیم  
**هرمز** نیوکه اوز نور طوب بکلر شها کوسهی حدیسی بلمز  
 لفظه سنی تخلیله سر و لفظک سبن مفتوحه سی حرف با یه و و ای هر  
 لفظه تبدیل اولش در و با سیم **صدیق** جلوه کمر و شود هر دم  
 چون خیال یار در و مبدوم هر سوی و بد تا ز بر کلر آرزو

هر سوی دید. عبارتی تکرار اولوب عین لفظک عینی طرفین صاد  
 لفظه و نوی طرفین صاد مدلولی حرف قافه تبدیل اولمشد و بهم **واحد**  
 قودی بی راحت جهای یونغان و آئی التری جدا و لورسه هر زمان  
 بجد تکرار اولما غده اولای لفظک یا کسی لفظه تبدیل اولوب  
 بعد حاصل و آیی دن حرف با حد لفظه تبدیل اولمشد **حرف واحد**  
**حرف ثلثه** تبدیل اولدغینک مشای بو معنی لورده با سیم **حیر** <sup>اولا</sup>  
 چونکه کلام تخم غم اشکم کرم بار آن دلا حاصل اولمز مرکب جیبی <sup>بار آن</sup>  
 جیبی لفظن حرف با اساطوبی لفظن مسمای بار آن لفظه  
 تبدیل اولمشد و با سیم **سین** الله کم بلور دل باشه بورا غده نه کله  
 کورسه بر اول ماه فرخ حال رضای ن بده ماه مدلولی کسی تحصیل  
 بد لفظک های مفوضه سی فایه تبدیل اولمشد و با سیم **بلال**  
 صلدن بگرد هر کشتی تن خلاص اولما دی دل با و بلا دن <sup>اولا</sup>  
 لفظ دل با و بلا عبارته تالیف نکره لفظ با تکرار وسیله تالیف  
 اعتبار اولما غده دل و بلا عبارتی حاصل اولوب واسطه تحلیلده  
 دل لفظک دال مکسور بی بلا لفظه تبدیل اولمشد و با سیم **انسان**  
 کوهلدن اوز که مکده صاخ دل قودکی کسن بر و اخی وارمیدر قنی جاننا  
 دل اسن دل اسن عبارتی تکرار یله اسن لفظک سینی مقلوبینه  
 تبدیل اولمشد و با سیم **طالعی** ترا اولور کوز که بقه خورشید  
 طالس مهری ایدی بپردیده طالس لفظی مهر قنی سینی دید

مرادنی

مرادنی عینده بری لفظه تبدیل اولمشد و با سیم **قهرمان** ندید ایمین  
 کسی در در غدار زمان سوز قهر جو دلدار زمان لفظک زاسی  
 قهر لفظه تبدیل اولمشد **حرف واحد** **حرف واحد** **حرف واحد** **حرف واحد**  
 جامع در بو معنی با سیم **فنی** کدر چند آن همی بنیم زاغبار که می آرد  
 کدر مردم بدل زار در و بدل زار عبارت تری تکرار اولوب زار  
 لفظی دلای با مفوضه تبدیل اولمشد حاصل اولن در در زبر زبر  
 اداسی در مرادنی فی لفظک ماسی زیر مرادنی فتح لفظه تبدیل  
 واسطه واقع اولمشد و با سیم **هاشم** هر که انرا گفته ایم اوض بی  
 عاقبت شدنی پرستی کاروی هر لفظن حرف را ایم لفظه تبدیل  
 اوصاف تحلیلده حرف با حرف ثلثه تبدیل اولمشد **حرف واحد** **حرف واحد**  
 حرف ثلثه و حرف ثلثه تبدیلینی جامع در بو معنی با سیم **حج الدین**  
 بر تو مهووی ترجیح تدبیر نورشمن با مجسول مهلبه دون روشن اولدغین  
 مجسول لفظن مهر قنی سین دل مرادنی بال لفظه و روشن  
 تحلیلده شن لفظن شین دون مرادنی دکی لفظه تبدیل اولمشد  
**دوت** **والتی حرفه** تبدیل مثال بو معنی با سیم **تاج الدین**  
 جان دیردی دل بر سرک اولین سا که کنار ای رموزن الدی دل  
 جان دن جو بار اندی کنار اولای جانک العنی الدی لفظه بعد یاز  
 تبیح تار لفظک رأسی حج الدین حرفه تبدیل اولمشد **عمل**  
**تبدیلدن قسم ثالث** که حرف متعد و تک حرف واحد تبدیلیندن

۸  
 ثلثه  
 کورن

عبارت در مثال بومعالم در با اسم **عمر** است تا تک سجده با یک اولد و غیره  
 سرور **و** مبدوم ماه تمام ابتدا و کی دعوائی **علا** ما تکرار زدن تمام  
 لفظ لام و حرف را اراد او لغوب **و** علا تحلیل اولما غده لام لفظند  
 لا عین مضمومیه تبدیل اولمشدر **و** با اسم **مصلی** و ضرایب در کی کشتی اول شاه  
 نه حالی اول **ا** آن کور دو کی محل دید مجالی اولسه مجالی لفظند  
 محل مرادنی جا دید مشهوری **و** ف صاد تبدیل اولمشدر **و** با اسم **قطب**  
 با غده شوق و صالح کی جیب **ر** آه بی با یان کور سردی قریب **ر** آه  
 مرادنی طریق لفظند **ن** قاف استاطه نصره باقی قلان طری لفظی تحلیل  
 اولما غده قریب لفظند **ن** لفظی **و** ف طایه تبدیل اولمشدر **و** با اسم **قطب**  
**و** **قطبی** قطعده هر ای بلدک مملو **ا** بسته مهرک نولاً قلوبی طلوب  
 طلوب تحلیلیده قلوب **و** یا قلوبی لفظند **ن** کور ف طایه تبدیل اولمشدر **و** با اسم  
**فیضی** ضرر و بر خردله در نهائی **ا** اگر وارسی در مان ضمایه  
 در مان و همان تحلیلدری در مرادنی فی تحصیلده **و** مان لفظنگ مانی  
**و** ف ضا **و** تبدیلده **و** سید اولمشدر **و** بو صمک غرابیندن در  
 بومعی که هر کلکدن بر و تک استاطه تصوریده باقی قلان **و** فله بر  
 و نه تبدیل اولند قد نصره **و** ف سا قظ موضعنه عودت اید **و** با اسم  
**عبد القادر** کوز بو موب **ا** حجه دشمن هر نه کم القادر **و** در **و** بجد  
 کوزینش هر یکا استک نظر **و** دشمن کوز بو موب **ا** حشاشی عد و لفظنگ  
 عینی استاطه اولغوب **و** لفظی **و** ف با یه تبدیلده نصره **و** کور محلینه

مرآ

مرآ جفتدن کتا یه اولوب **و** لفظ الف تک بر جانی عمل تا لینبیدی  
 الف **و** او بر جانی در دی حد کور تک اراد **و** اولمشدر **ع** عمل تبدیلدن  
**قسم رابع** که حروف متعدد **ن** ک **و** حروف متعدد یه تبدیلدن **ج** جبار  
 یکی نوعه تصور در **ب** حروف مبدله بر محله **ج** جمع اولوب **و** **ب** متوق  
 اولما غده **و** حروف مبدل بهما یه تبدیلدری **ل** ف **و** شتر تر نیبیده اولمقدر  
**نوع اول** مثال بومعالم در **و** با اسم **خلیل** عکس رخسارک  
 منای دلپذیر اولقی **م** حال **ن** حجه صورت کور سردی کور مای خصال  
 خصال لفظند **ن** یا مرادنی فی لفظه تبدیل اولمشدر **و** با اسم **عبدی**  
 اولمه بر دم رموزی با **و** تا بیدت **ا** اولسر لا بدعنا بیده الم دن دل  
 لا بد تحلیلیده **ع** غنا لفظند **ن** ما بد لفظه تبدیل **و** الم دن لام استاطه  
 ام لفظند **ن** حرف یا اراد **و** اولنور **و** با اسم **جلال** **و** انما **ج** جلال  
 اولمه اصلاً **ب** بیهود **و** کل جلال **و** انما **ج** تحلیل اولما غده **و** ای جلال  
 ف مرادنی فی لفظه تبدیل اولنور **و** با اسم **فیضی** حال مستقبل اولوب  
 موجب **ت** توشن **و** چون رموزی کور شوز **ن** ما ضنید **ب** حد در **و** بزر  
 ما ضنید **ک** بزر مرادنی ما در **و** بی حد مرادنی فی لفظه تبدیل  
 اولمشدر **و** با اسم **خلیل** محو رم استسم نوله **س** فی شرب **ب** **ب**  
 محو **و** اولن مقرر اولور **م** جلاب **ج** جلاب تحلیل اولما غده **م** جلاب  
 لفظند **ن** **ب** مرادنی ما جل لفظه تبدیل اولنور **و** با اسم **طاهر**  
 در **و** دل **ر** **ا** **س** سرتک روان **و** سن کهر طاشی بی نهائی **م** همان

گاشس مراد فی سنگ بی شین طاقه تبدیل اولما سندی نهایی همان عباس  
 وسیله اولمشدر با اسم **قاسم** بوجیل صکره حادث اولدی مکر  
 خالی امیش قدیم و بکثره **اوج** و وزن ناقص کلمه دما بین الطرفين تصور  
 ترا د ف و یا غیره طریقه کلمه آخره تبدیلین مستندم اولما فن قدیم  
 لفظندن دی خال اولما سی مراد فی اس لفظنه تبدیله صکره جیمی استعاطی  
 اراد اولمشدره با اسم **تاجی** جان بهند داغ بدل متصل  
 عرض کند تا بیک داغ دل یکی لفظندن داغ مراد فی مقلوب تاب  
 لفظنه تبدیل اولمشدره با اسم **تار** با دغدن طاعلوب اوراق  
 شوق و عاقبت تار مار اولور دی هر دم اولدی ضایع عاقبت  
 تار مار لفظن مکر کردن رای اخیر استعاطندن صکره تار ما تجلیه تار مار  
 لفظندن رمانا لفظنه تبدیله واسط اولمشدره با اسم **خیالی**  
 مسکن اولور دینیه قلم تماش اولدی کنج خیمه ظاهر لحنی کور تا اولدی  
 خیمه لفظندن های رسمی تصریحندن صکره تار مراد فی الیه تبدیل  
 اولمشدره با اسم **فیضی** اقتدایه دل دلالت ایلیجون طغز و یول  
 مقصود اولور سه بولور عتدای بجد اول مقصد تحلیل مقصود لفظندن  
 مقت داراد فی در د بجد مراد فی لفظنه تبدیلیه وسیله اولمشدر  
 و با اسم **نازکی** و ارفع باد اولن اشیا منایا بوند هب  
 و آرزو به مثل میزان دل میکل عجب میزان تحلیل الیه میکل لفظندن  
 می زان مقلوبه تبدیل اولمشدره با اسم **یکینی** اول شوق لعل در

x

مخزون خندان ایلین اول ملک اسرار بیدر یاران جبران ایلین  
 یاران تحلیله وف یا حاصل و ران لفظندن ران جبران تحلیله  
 حی لفظنه تبدیل اولمشدره با اسم **شکر الله** اکنده غنچه بزنی دفع الیه  
 لوم شکره زنی بی شک اکثر نیجه اس سر اولور اول ماه بزنی شک لفظ  
 کتابه ایلد تحویل و ماه لفظندن بزمراد فی ما بجه ایلدن مراد اولان  
 لفظ را کبی و ف لانه تبدیل اولمشدره بوقار و د ذکر اولدی  
 اوزر بو شکره غایبندن در بو معنی که و فیندن یا نطق اولان  
 نیک لفظ سندن قطع نظر و فین آفرینه تبدیل اولوب تبدیل بهما  
 دن برین تحت لفظه باقیه ده واقع اولما عله محضه تبدیل اولدی  
 با اسم **نزار** غصه و توشیش دوری جمله دلدن سور کور موزی  
 جامع بر باد هر کور لفظ هر تحلیلله باد هر دین مراد فی  
 بی لفظ هم را لفظنه تبدیله حاصل اولان زار لفظنی لفظنه داخل  
 اولما سی اراد اولمشدره **وف واحدک و فینه و وف مفردک**  
**وف مفردیه** تبدیلین جامع در بو معنی با اسم **میر عاشقان**  
 سن شاپه اختصا جیک آن فت جهان و جهنی بلدیله اوله اشقیایا  
 بلدیله تحلیلله لر لفظندن لاس می لفظنه و اشقیایا تحلیلله عیان  
 لفظندن با اشق لفظنه تبدیل اولمشدره **وف فیک و وف واحد**  
**وف فینه** تبدیلین جامع در بو معنی با اسم **قطب و قطبی**  
 کل ایدر د کوبین اشکیله وار نه دیسون کشی دید قطر بار

الفرد

باز. تحلیل نظر لفظن را، حرف با یه و یا با مراد فی لفظه  
 تبدیل اول شد. و درین متوقف است و شتر تر تبیله و فینه تبدلیه  
 مثال یومعی لرد در با اسم **علی** فکر لفظه او یسم و معنی خواهد بود که او هم  
 هزار افعی هزار مراد فی الف و فی عین و یا به تبدیل اول شد و با اسم  
**مذکور** نولای نهمه هر دو معنی. بتر دهر دلک چون نادر داعی  
 نادر داعی تحفیض حاصل اولان یاز داعی درت بود. تحلیل  
 ادغامه و مراد فی الم لفظن اسم علی لفظه تبدیل اول شد و با اسم  
**شعبان** چون تواند ذکر با اسم خود. دل که شد عاری از لسان خود  
 دل مراد فی شاعری اولانسی طرفین استفاظن کتابه و لفظ  
 لباسک لباسی یعنی لاسم و سینی از مراد فی عن لفظه تبدیل اول شد  
 و با اسم **سعدی** منبع احسان اولدن اول جوان ایی رموزی  
 کدستی منسی ولدی کان کان مراد فی معدنن میم و نون سبی  
 لفظه تبدیل اول شد و با اسم **کامی** حسته دل غش قد ن اول به خوب  
 نور تو ملی داعی بکدن خلاص اولسه دلدن اولمی داعی لفظن  
 دن کیم لفظه تبدیلن صکر. میم اولی س قط اول شد و **غایب**  
 تبدیلن در بعضی اعمال وسیله سید تحصیل اولنان لفظک  
 جمع و ونی تبدیل اولمق ننه که بو معاد. با اسم **فرخ**  
 بسک باغدی بی شوق سستی جمادی بول چون شوق دل او آید ز یاد  
 لفظ ز یاد ای اوچ بود. تحلیل اولما غده تحصیل اولنان دی مراد فی

اسم لفظن حرف سین شوق صحیح علی قوس رمی حرف حایه  
 و یا مراد فی اسم و لفظه تبدیل اول شد و **غایب** تبدیلن  
 بری و حی حرف تبدیل همانک تک آرا آف تبدیل در ننه که بو معنی  
 با اسم **جشن** دوستی دل زلفه که تا بخونلفی پیدا اولان کور  
 زلفدن نهایت در دویم شنید اولان زلف سستی اسم جمیدن میم در  
 مراد فی داعی تبدیل و فکر بشید تحلیل اول دانسته لفظه تبدیل اول شد  
**اولدی چون اعمال سهیلی بیان**  
**کلدی تحصیل بی نوب بی گمان**  
 اعمال تحصیل که اسم ماده منزله سند اولان و و ملک سائل  
 تحصیل در تکمیل صورتک تحصیل ماده دن تا فوی بدیهی اولما غن  
 اعمال تکمیلدن تقدیم اول شد **اقسام** اعمال مذکور. حصه استوائی  
 مقتضای سجه طغوز. منحصر در **اولی تفضیل و تخصیص** در که نظم. مندرج  
 بر کله و یا دخی زیاد یک جمع و ونی و یا بعضی بعینه جمع و و فاسمی  
 و یا بعضی جامع اولوب و یا و ونی مذکور. جمعند. و یا بعضی بعض  
 تصرف جمع و یا بعضی و و فاسم تحصیل اولوب محل تصرف و و فزوز  
 اولوغه بر طبعید است رتنن عبار تدر جمع و و فاسم بر تریها بر  
 جمله. مجمع اولوب بر طبعید هدف تیرا شرت واقع اولوغه  
 مثال بو معاد در بهسم **اکهی** نادر رضایه عرض اندی بز. ناکه یاز  
 عرضی اینک ایتمش تاخ آندن اظهار. ناکه یاز عبار تندن نادر

محیط اولدوغی وروف جمع وروف اسمی شملدر و بعضی وروف اسم  
 بر مخلصه مذکور اولدوغنه مثال بومعالمردر با اسم **عبد القادر**  
 خط اول کیشی بوزن اصفا در ما که انی کوز کوز بد القادر کوز  
 مرآدی عین بد القادر لفظیه تالیف اولمشدر و با اسم **فیدون**  
 ندن اولدو فید ایکن او جوان بوزنک آج دیدلک مخلصه نهان  
 وید عمل تفصیل تحصیل و لفظ جواندن بعد فتح الجیم محل مرآدی جا  
 لفظ اسقاط اولمشدر و با اسم **فایق** بتر فلک برسی ساقی جلخون  
 جو بزدن جلک ال باری ایق حون، بتر تفحیح بر مدلولی الف لفظندن  
 ال اسقاطدن صکره باقی فلان وروف فایق لفظیه تالیف اولمشدر  
 و با اسم **محب الدین** ای رموزی کور مدغم بر ذره مهر آثار برسی بن قدرد  
 اولدو و لذمه بر مدلولی و بین نه مدلولی لفظ لام قلبیه مهر مرآدی  
 ح و داخل و دین لفظی تفصیل بیده حاصل اولمشدر و با اسم **جهادی**  
 اول کیشی کم قلدی ذاتن حسن خلقه آینه، ادی سولمندی جهادی لای زبیر بینه  
 جهان تحلیل اولما غدا دی لفظی تحنه واقع اولمشدر جمع وروف اسم  
 بر مخلصه مندرج اولوب حصول تربیتی بر تفرقه محتاج اولدوغنه  
 مثال بومعالمردر با اسم **مزید** چون الدی کولکلی جانان ایدوب ترخیم نام  
 دیدی زمانه و دلداد اولان اولدی تمام دیدی زمانه عبارتلا  
 و محیط اولدوغی و وفک مقلوبندن اسم مقصود حاصل اولور و با اسم  
**اسکندر** و محمد و شمه غیردن کسی آبر او ز ر و اول بول امان

ایچ اولان مردان قلبه رهنما مصرع اولدن ایکی با ما بیند  
 اولان و وفک مقلوبینه مصرع ناید اولان امان لفظی تخته ام  
 اختیار اولوب و قلبه رهنما تعبیر بیده توسل اولمشدر و با اسم **رموزی**  
 ای تکلفه غیر حق پیش بزرگان یک سخن چونکه دانی حال بی پیش وزیرم یاد  
 لفظ رسم لفظ وری دن تعذیم امتشدر بعضی وروف بجمعه تک بعضی  
 تفرقه احتیاجی اولدوغنه مثال بومعالمردر با اسم **میر عاشقانی**  
 عاشق زاری بکندی چون رموزی تا توان کلدی اول ماه تعبیر میل عاشقندن  
 میل عاشق عبارتندن مدلولی ماه که حرف لام در رقم قمره تبدیل و همان  
 لفظی تحلیله لفظ آن تحصیل اولمشدر و با اسم **کامران** جو ز ما نلذیب  
 کافنی الحقیقه تنزل ایدلس مدبردقیقه زمان لفظنک فایک لفظنه  
 تبدیل و مد رقمی را تحت میله تنزل ایدمشدر و با اسم **لقایب**  
 او کوب کوب که چهار اهل ل حسن می اما تنزل ایسه لایق دلری کوب زکب بار  
 لایق لفظنک الف ویاسی تحت قاف تنزل ایدوب و رخ یار حاصل  
 اولمشدر و با اسم **قلندر** ابر ایچند ماهه نودن خلق استرکن نشان  
 قیلدی کورد م یاری زلفین ایچ ابر و سن جان لفظ قلدی یا سینی  
 حرف رایه تبدیل و زلفین شهن لام و دای ما بیننه ابر و شهن نون  
 داخل اولمشدر بعضی وروف اسم بعینه بر مخلصه بجمع اولوب و بعضی  
 دخی تفرقه موقوف اولماکسه جامع در بو معنی با اسم **محب الدین**  
 زلفش روی تو دل نگار خانه چنین هر مثال خیال تو شد دلیل بدین

X

X

مرا تحلیل کرده و فیم خیال تحقیقی آید و لفظ دین آید تا لایق اولمشدر  
 بر محله؛ مجتمع اولان و وفدن اسم و وف تمام بعینه و یا بعضی  
 حاصل اولما سی بعضک اسقاطه موقوف اولدوغنه مثال بو معنای در  
 باسم **محمد** و نیندی ای دهر دون ساکه روزی بلهزم جلد و کسندن  
 نهایتی الم در دهم معراج اولدو درج اولی دهر دون عبارتندن  
 و اولد اسقاطه معراج تا یس و اسطه و آغ اولمشدر و باسم **انجان**  
 و در اهر با کل سوری و تصدیق اولجی قومه نخل روان او را ق کلدن  
 ای نخل روان عبارتندن کل و در مشتمل اولدوغی و وف اسقاط  
 اولمشدر و باسم **دانیال** تا علی کما عله اغیار بندن قور تلور  
 المک تا ملک و نادانی المدن کم آلور تا نادانی الم عبارتندن نام  
 اسقاط اولمشدر و باسم **تاج الدین** تا جلال کورسندن اولدو نو مید  
 ای نظار و آل ایدوب قدیمی بوخته روزی اولدی زار تا جلال  
 لفظک مبعوضه سی اسقاطه کورسندن تحلیل و اسطه بو مرادنی این  
 لفظک الهی داله تبدیل اولمشدر **اعمال تخصیصیک** **یکجی تسمیه** در که  
 عبارتند بر وفک اسمی ذکر اولوب مستحی سی و یا مستحسنة اشارت  
 اولوب اسمی اراد اولمشدر و ضمنی اولیه که ماعده و بتیند افری  
 الف اولی اسامی حروف بجا نارسید یا یله استعمال اولما غن  
 مستحی با و خواسته و امثاله اشارت اولد با و یی و حاجی  
 تا و فی یا و یی اراد اولمشدر و را و رسی و امثاله ذکر یله مستحی لرنه

اشارت

اشارت اولمشدر **تسمیه اول** که ذکر اسم مستحی اراد اولمشدر قاعده  
 و بیت او زره ذکر نه مثال بو معنی لردر باسم **ابراهم** مثال تا زره  
 قدی شمشاد قویه یا عده یا خود ایلدیه شاد و وف الف آید بر  
 لفظی و بر الف دخی تا لیف اولوب و غم مرادنی هم لفظه و وف  
 یا تقور اولمشدر و باسم **تبرک** کبشی شیطانه اویدوغنه ظاهر  
 نشان دهرسک تبرک کافی او تبرک لفظن و وف کاف او نقل اولمشدر  
 و باسم **حسن** را حنین جانچه اور یوزیک اوقی وقت هر کده همان  
 یا سین اوقی وقت مرادنی حنین لفظک یا سی سینه تبدیل اولمشدر  
 و باسم **زیور** کور لرسک عزت سرمد ویر اول مستحان  
 سور یسن دن اولور عاقبت در مان همان عزت سرمدی دن و  
 زا حاصل سور لفظک یسی و هاسی یا و خلیفه تبدیل اولمشدر و باسم  
**جهان** اهل دلم ابره دل بید چو خود صوفی نکر کور دل رحمان  
 دلهار آندیداز بیکدیگر دجهان لفظن چاستمای یا یه تبدیل و مستحی  
 را اسقاط اولمشدر و باسم **داعی** دل لال آید بر اظهار در دین  
 اگر اوله دل اعلام آید روی دی لفظن مستحی لام آغ لفظه  
 تبدیل اولمشدر و باسم **بدر** کبچه مرغیت ایام اولیدی کور دل  
 ماه شب اراد نام اولیدی ما مرادنی شمش لفظن شین مفعوضه  
 مستحی یا یه و مستحی را نام لفظه تبدیل اولمشدر و باسم **سبحان**  
 بلاهای زهر افتاب که یا ی خود ز دل وز دید یا یسی

✓  
 ✗  
 ✗



دلند کند و هفتون مراد شین در دید. مراد و فی عیندن مستمائی با  
 لفظ بایه تبدیل اولمشدر بی لفظندن با اراد. اولمقی تر آ و ف نسیندن  
 و باسم **قیما** کتور بزیمه بی اول و کلو ساقی که قالد هر طلو فخم با و  
 باقی با و و باقی لفظی تحلیل اولما غله لفظ با دن با مستمائی فی  
 لفظنه تبدیل اولمشدر و باسم **کمال** شو و کلو کم قز غمشدر نطق کم  
 پنجه اولور با رب ابر نه حال حاکم حاکم لفظی تحلیل اید حال لفظندن  
 حاستمائی کم لفظنه تبدیل اولمشدر **اسم وف** او سلوب فارسی  
 اوزر و ذکر اولدوغنه مثال بو معالمر در باسم **هرمز** دل عاشقند  
 غش و عمل کر کز که بی پر دل که بی دل کر کز که کر کز لفظنگ کاف  
 و بیسی استاطندن صکر کاف فارسی مفوضی بی مستمائه تبدیل  
 اولمشدر و باسم **تاج** کوزنگ اولد اقر دیو قاینه و و شره  
 تر کول جاری قل اینه جاری لفظی ایکی جو و تحلیلده تر لفظندن مستمائی  
 ری جاقلوبنه تبدیل اولمشدر و باسم **قطب الدین** رب حق را گفته اند  
 از جلابی بی حد است. این دل نوردید. یارب از جلابی را است  
 مست لفظ لایق بوزینه تحلیل و و و ف تاف استاط او لیا غله  
 لفظ و ب مستمائی ری وف طایه تبدیل و باقی و و ف این دل نوردید  
 او آسندن قلب بعضی تا حد بی اوزر. تحصیل اولمشدر **اسم وف**  
 اسلوبی اوزر و ذکر بی جامع در بو معالمر باسم **آباز** انگجون ایدر  
 دایما سیزی تنها ر موزیدن آیدر آبا یا ر زبیرا لفظ ابا تحلیلده

وف

وف الف یا ر لفظیه تالیف وزیر تحلیلده مستمائی را مستمائی زبیرا  
 تبدیل اولمشدر و باسم **لوا بی** غنایت ایلوبو حق و وزی قلب  
 بولوب دل اولیا بی کور. بیه اول قلب و مستمائی یا تحصیل  
 اولمشدر و باسم **یعقوب** دلر با سو مکله هر کیمکه اولور سه عازم  
 مددی جد له قوت و تابی لازم مددی جد دلن مستفاد بیع لفظی  
 قوت ایدر تالیفدن صکر تابی تحلیل اید مستمائی تابی مستمائه تبدیل  
 اولمشدر و **بو معنی** دخی ذکر اسلوبینی جامع اولوب و جمیع و و ف  
 اسم قسم اول عمل شمیمه ایدر حاصل اولمشدر باسم **بشیر** صبر عاشق  
 اولن امر نظاری. اگر با شین کر استرسه یاری. توجیهن طاهر در  
 و جایز در که اسم وف نظم و صریحاً مذکور اولوبو اعمال معنایی دن  
 بعضی واسطه سینه حاصل اولد نکه بو معالمر و باسم **برق** آدی زاد  
 بکنز او صنم و وجهی و آر توام بری دیر سم. توام تحلیل اولما غله  
 بری لفظندن ام مراد فی یا نو لفظنه تبدیل اولمشدر و بهم **اسلام**  
 ساد و دلر ایسته کردی بلر محل عیش حد ام پس رموزی ساد و دل الد  
 محل می طوسه جام ساد ال لفظی قلب و جام لفظندن محل مراد بی  
 جامی لفظنه تبدیلده میم حاصل اولمشدر و باسم **مصلح** ای رموزی  
 تا زینن دلدارک که کور نیجه هر دم سلحا دلبر نور. متصل یعنی کنار  
 بیخود بی استمر کاهن کهن استر لنور لفظ کنار بیخود دن اولما  
 تا اراد اولما غله متصل لفظندن وف تا استاط و ثانیاً یا اراد

اولها غده حاصل لفظی حرف یا یله تالیف اولمشدر و باسم **بجی**  
 جهان خلقی ارادوغنی رموزی **بیا** بی کیدود بولدی رموزی  
 بیای عبارتی اوج جزوه تحلیله بی لفظندن یای مقصود یا اثر  
 قوس رفتی حرف حایه تبدیل اولدوقد نظر کندود عبارتندن  
 اراد اولنان بیای لفظی دخی اوج جزوه تحلیله بی لفظنک بائی  
 مقصود بی ستمای بیای که مقصود بالتمتیل در تبدیل اولوب مقدمتا  
 تحصیل اولنج لفظه ظرف واقع اولمشدر و باسم **بی**  
 کورد و کم لظفک درای مه و ایما **یا** سنی بی مهر دیر لردی بگیا  
 یا سنی لفظنک بی بی لفظه تبدیل و حاصل اولان یا بی عبارتی  
 اوج جزوه تحلیله بی لفظندن ستمای یا بی لفظه تبدیل اولمشدر  
**قسم نایه** که ستمای حرفه اشارندن تحصیل اسم مراد اولان  
 اشارت مذکور اعمال معاینیدن بعضی وسیله سنی مقصور  
 و کله در **عمل انتقاد** وسیله اولدوغنه مثال بو معانی در باسم  
**داعی** سوی کوی یار غم اتمک دخی ممکن و کل ایلدی  
 هر سوی اشکم بی کزان در یا کو کل اشک مرادنی دمع لفظنک  
 دال و عینی اسمندن اوج جزوه لفظی اسقاط اولمشدر و **بهم اکل**  
 ممکن اولر که او شوخ بر آید کام بی دل ابدی کو کلند  
 لفظ کام بی دل الف بی فاد اولدوغنه ابدی کو کلند  
 عبارتینه اشارت اولمشدر و **عمل حساب** واسطه اولدوغنه

مثال بو معنی در باسم **هلا** ی بوندنه ستر و آرزو موزی واقف  
 اولما دم آگیا که تمینی کز لرا اول مه کو ستر کما بی بگیا لفظ  
 مدون نم مشبهی میم اسقاط و اسلوب حسابی مقصود سنی  
 مدلولی حرف لام اسمک میجی بگیا مرادنی یا لفظه تبدیل  
 اولمشدر **عمل تحلیل و حساب** واسطه اولدوغنه و مثال بو معنی  
 باسم **مسلم** هر که شود سایل آن کلغذ آره یافت بدل در دین  
 و درین خار در دوسینه لفظی تحلیل و دی لفظی ترکیب  
 اولما غله دی مرادنی امس وی مدلولی اسم لام دن خار  
 مشبهی الف اسقاط اولمشدر و **عمل تحلیل و اسقاط و حساب**  
 وسیله اولدوغنه مثال بو معنی در باسم **اسلم** ایلر طاسر فلک  
 نقش مرادنی چون عیان در بدر اوله عجمی دلکش دی هر زمان  
 دلکش دی کلازندن لفظ کشت و ایکی دفعه نوعین اید ایلکشر جزوه  
 تحلیل اولوب اولند بر جزو کشت و بر جزوی ما بعدند کی یا بی  
 ساکنه ایلد ترکیب اولنان دال مکسور اولوب و بو تحلیل  
 واسطه اسقاط میم امس واقع اولوب و نایه بر جزوی کش و بر  
 جزوی کیر و حرف یا یید ترکیب اولنان آد لفظی اولوب و تحلیل  
 مذکور دن آدی لفظنک اسقاط دال باقی قلان ای لفظی مدلولی  
 حرف لام دن که مقصود بالتمتیل در اسم مراد اولمشدر و **عمل**  
**تلمیح** واسطه اولدوغنه مثال بو معنی در باسم **منلا محمود**

تا بکه یوز سور مدغم ضربید کجی کند وزم **باین** کجید روح آخی در  
 واروب سور سم یوزم **بن** مرآدی من کجی رقی حرف لام اسمیکه  
 مقصود بالتبیل در تالیف و روح لفظی تحلیلده آخی مرآدی سود  
 لفظنگ روی هم لفظه تبدیل اولمشدر **و عمل** **شیشه** سید اولده  
 مثال بو معالردر **باسم عبد السلام** کو ستروب رخ زلفی رفع ایلیغ  
 دیردم **عج** تا بکدی مهر رخ زلفی آید اول بر غنچه لب  
 مهر **ع** اولده کی **عج** جیمی استعاط و زلفین مشبهی دال و لام  
 اسمی مهر رقی حرف بسنه احاطه اینمشدر **و باسم** **حاکم**  
 ابراهیم ایله بولمشد **دیه** لرم **سهر** ای روزی کو ستر زلفین بر سوزین  
 جو مهر زلف مشبهی حرف **د** الگ اسمینی تالیفیده حاصل اولان  
 دال **د** ال عبارتنک اولی شمس رقی حرف سین و آفری حرف عین  
 تصحیح غینه تبدیلده **س** ال و داغ لفظی حاصل اولوب برینک  
 عینی و برینک مرآدی کی لفظی ارآده اولمشدر جو لفظی اولنده  
 چونکه معنای اولوب و حرف **و** تبدیلنده **و** سید تصحیف واقع  
 اولمشدر **و قسین** شمیة بی جامع در بو معالیر **باسم محمد**  
**حمری** غنچه نگ بو ای کلخند دهندن جیاد، در بی حد  
**د** این مشبهی حرف میم اکمند، مستحای یا تحلیلده حرف **ح** ای  
 تبدیل اولمشدر و ده لفظنگ آفری استعاطنه اشارت  
 ظاهر در **و باسم** **سجد کاه** ایملک و بر امانه یوزله بلغم

استانک

استانک ای بی بری رخ ماه یار و دمدم **اولا** ماه مرآدی  
 شدر شینی بی مستان تبدیل و نمانیا ماه مدلولی حرف لام  
 اسمی لاج استعاط امتشدر **و غایب** شمیة دن در بو معاکه  
 جمع و وفدن اسمآرآده اولوب بعض بعضک آفر تبدیلنده  
 و سید اولمشدر **باسم غنای غنای** ویرن دل غنای اول  
 دلدار مؤذ در **ند** دکلو سیه غنای یار اسمآر مجرد در غنای یار  
 حرف اسمآندن حاصل غین لون الف با یا یا الف را تعبیری  
 لفظ غینک یا بس با یه و فونی الف در لفظنگ الفی یا یه تبدیل  
 واسطه اولمشدر **اعمال** **تخصیصینک** **و جینی** **تلمیح** در کجی  
 بروضه و یا بر لفظ اشارتندن که بر محل مشهور و مسطور و یا  
 مذکور اول کللم معجز نظام حضرت ملک علیام جل عن الزوال  
 والا تقدآم **د** مسطور اولان الفاظ متبرکه دن بعضنه اشارت  
 کبی و یا اصطلاحات مجتبی قاعد بی اوزر، تقوید، مرقوم  
 اولان علامات کواکب و بروج و آیام اسبوع و انصالات  
 وغیره ایما اولمقی کبی و علی هذا القیاس کلام قدیم حضرت کلیم  
 علم **د** مسطور اولان کلمات سعادت آیاتندن بر نه اشارت  
 مثال بو معالردر **باسم احسان** و آراوتی سوره رحمنه اولن  
**آیات** **بر** آوقین بولر آند، صفت حیرت **بر** دن  
 مرآد الف در سوره رحمن **د** حیرات لفظه لفظ **ح** ان

صفت واقع اولمشدر و با اسم **طاهر** و لریک اول سرفرازک  
 بدین نام مختار **نفا** اونی سرفراز سید آیت رب شرح آغازن  
 رب شرح آیتی اولان سور مبارک کتک سری طه دن اسم  
 طاه و سخی ای با حاصل اولوب آیت مذکور را آغازین حرف  
 رایله تالیف اولمشدر و با اسم **بهائی** بوایت من اتخذ الهه  
 هوایه معنی **بئوب** او متحدی خالی اولمی یعنی آیت کرمی امن  
 اتخذ الهه هواد. متحد اولان هواد کنایه و یعنی لفظک  
 مابین الطرفين اسفا اولمشدر و با اسم **علی** خدا موسی با فتح و بدو کندن  
 ایدری چشم خانی بره و لکن حضرت موسی علیه السلام طور سنا و  
 ماضع تعلیک بو خطاب ولدو بی کلام مجید و معنی اولماغش ماضع  
 و بدو کندن ادا سید اراد اولنان تعلیک لفظن حرف عین  
 مفتوح اولمشه اش ارت و تبره و لکن او اسی حرف نون و کجانی  
 کورمشدن کنایت واقع اولمشدر و با اسم **بهرام** اولقدر حسین  
 بل کیم بولدی دل ملکینه ره اوله بود و مردم علمی تکاشردن تبه  
 اول لفظ تکاشرک لایقیندن لفظنر و تا بنا سور تکاشرک اول  
 حرف مزین نام تالیف اولوب حاصل اولان ترام لفظن تبه  
 تحلیله نامی مقصود به لفظه تبدیل اولمشدر **قواعد** تقوید علامت  
 کواکب سبعة سیاره او او فو فیدر مثل شمک **س** و مکرر  
 و زلفک **ل** در علامت بر ج حملک واقع اولوب اولوردن

ابتدا

ابتدا اولوب دلوه دارنجه اجدت زنجی اوزره نورک اوجوزانک  
 و دلوک **ک** و حونک **یا در** و علامت اسبوع دخی کذلک العدن  
 ابتدا اولوب احدک **ا** و ایتنگ **ک** و سینگ **ک** واقع اولمشدر  
 و علامت نماز **ر** و یوم **ل** و لیل **ل** و شرف **ف** و هبوط **ط** در باقیستی  
 بوندن قباس اولسه علامت مزبور و ن بعضه اشارت  
 مثال بو معالردر با اسم **حسین** زخ من زهرست همین  
 کت انکو شود زهر فزین **ف** زین لفظن رای مکور بنس رقی  
 حرف سینه تبدیل اولمشدر و با اسم **رسول** کز لرا اولدی بزین اول  
 کزدوزین کولسز ردی که که اول کون یوزین اول کون یوزن  
 کولسز تک نمازند لفظ اول الفین کون رقی حرف سینه تبدیل  
 روز یوزن اول کولسز تک اراد اولمشدر و با اسم **رسول**  
 غنی نام بو کجی عذارینک ای تمام زین اندی ماه و مهله کوشه نام  
 ماه رقی **ر** و مهر رقی **س** تمام لفظی کوشه سری تم لفظیه تالیف اولمشدر  
 و با اسم **سول** حسن جورید جامل اینه وزن اول دلربا  
 ای رموزی ماه و مهرا اولسه تر از وی سز آ ماه رقی **ر** و مهر رقی **س**  
 و نیز آن رقی **و** و سی مدلولی تالیف اولمشدر و با اسم **حسینی** باکی  
 نه دکلو قضا معنوق و عاق بول اول غا اولور یاننده مهر و شریسی بیدوار  
 حتی مهر مدنی و شتری رقی **ک** و لفظ **سب** و حتی مرادنی الی تالیف  
 اولمشدر و با اسم **لامعی** جینیله رفظه ابرو و خط لبی کوزن

X

کور در تریج ماه و شتری ده نیمه در و سن تریج رقی عین ماه مدلولی  
 اسم لام و شتری رقی میانۀ داخل و بلند و با اسم **قدری**  
 هجوم عسکر عذدن نه پروان اگر باری فلور سد جام صبا با کام مرادنی  
 قلع لفظی باری خلیفند حاصل اولان یا مرادنی قوس رقی اولان  
 حرف حاری لفظه تبدیل اولمشدر و با اسم **صبری** هجران شنید  
 چشم رموزی دن او قه قه و صلا لایریش باری کور مکر قدری  
 اسند باری کبی باری خلیفه صبح لفظی سیاری لفظه تبدیل اولمشدر  
 و با اسم **میر** ایله دریایک مداد و جمله اشجار علم ای رموزی روز  
 جویا او ایلسک رقم رموزی لفظه درج اولان لفظ روز  
 جمع اولوب باقی کلان حرف میم و یا آوند رقی حرف رشت اولمق  
 اراد اولمشدر و با اسم **خلیل** ایله بنهان رنج رموزیدن  
 مدهن سن آفتابیم فرق اولمش اولدی کونی کجیدن دن مرادنی  
 خم لفظدن یوم رقی حرف میم کجی مرادنی لیل لفظه تبدیل اولمشدر  
 و با اسم **علی** و **نهایلی** روز مر اول مه زانی برله شوید تیر در  
 آفتابیم کم شب دجور یان باشی کلور علی اسند آفتابیدن عین  
 و شب دن رقی حرف لام و یان باشند حرف یا اراد اولوب  
 نه یا اسند روز مرادنی نهاردن نه رقی حرف ر اسقاط و شب  
 رقی ل ایله حرف تا لایف اولمشدر و با اسم **سوسو**  
 نظر ایدن او همک رطل نیک برونه دیدی شمشک شرفی و اگر کجی مایله بیند

شمس

شمس رقی سین و شرف رقی و ماه رقی رتالیف اولمشدر  
 و با اسم **سعدی** قیامات بکون او صدیقی کور مدک و آن شعیب  
 سعدین لفظدن قران علامت حرف نون اسقاط اولمشدر  
 مهر و ماه بیزیرین اطلاق اصطلاحات اهل نجوم ده موقوف و  
 مشهور اولماغن ذکریده مهر و ماه مدلولدی اراد اولمق  
 قبیل قلمخدن عد اولنه بعدد کلد رنه که بو معنی ده با اسم **علی**  
 شمع شب اولما سدر افتابک فی المنزل بیزینه شب اولمق روی یار  
 بی بدل بیزین عین و لام اراد اولوب و روی یار شب  
 اولمق و اسی یا ی شبی سکن اولماغن نوعا سبندن خارج  
 دکلدر و کایرزد که ارتقام تقویمیدن برو فذ اش رنه مدلولی  
 اولان لفظ اراد اولنه نه که بو معنی ده با اسم **شعبان**  
 جهانی نور در و نطکه ایدر سن انور میان قلبک اولماجی مدی اولمق  
 قلب میان حرف ل مدلول لفظ شب حرف عینی محیط اولوب  
 و کمر مرادنی این لفظیه تالیف اولمشدر و **اسط** تلخیص اولان لفظ  
 جایزد که نظم و صریحاً مذکور اولوب بعض اعمال وسیله سید  
 حاصل اولان نه که بو معنی ده با اسم **عمر** بمرآت خیالی کاندرون  
 دل پرد آرم دهانش راهی سیم بفتش و عکس سارتم  
 دهاندن مراد اولان لفظ میم دن می های مفتوحیه تبدیل ایله  
 حاصل اولن هم لفظنگ نقشندن عم و عکسندن مه رقی

X

x

اراد او نمشد و با اسم **وی** بغم بسته ای دل آفرم کوی  
 کش دی که بنود هر سو تر از و کش دی لفظتک جا بنیند  
 تر از و عبارتی تصورید تر از و کش دی تر از و تغییر  
 حاصل اولوب صل که تر از و اوج بود. تکلیله تر از و اولک  
 نامی مضمومیهی مفعول اولوب تر از و مرادنی میر آن رقی حرف و او  
 مرادنی کی لفظیه تألیف او نمشد و با اسم **امامی** و **امینی**  
**حامی** و **یحیی** او مضموری کور مدن دید آری **هر نه** دکلو کور  
 بی دل یا ربی یا ربی لفظن حرف **بی** لفظه بند یلد نگر **هر نه**  
 دکلو کور و ادا شدن کمرن لازم اولد و غی دکلو کور نمک  
 اراد او و لئون اوج کره یا کور مدون امامی اسمند. الی ام  
 و بر حرف یا و امامی اسمند. بر یا مرادنی قوس رقی حرف حا  
 و بر یا مرادنی ام و بر دخی حرف یا **یحیی** اسمند. بر حرف یا و بر  
 حرف حا و بر دخی **یحیی** فارسی اسلوبی اوزر. اسم بی اراد  
 اولوب و امینی اسمند. اوج کره یا **یحیی** عبارتنک برندن یا  
 مرادنی لفظ اسم و برندن حرف یا و برندن کی لفظن بوله سن  
 و یک اراد او نمشد مفعول بالتمثیل **یحیی** و حامی اسمند. کی  
 حرف حا حاصل در و با اسم **مصلی** صنورا بیلکه اولور بود  
 و بش دل کشید ا. حاصل جا و دان یاردن ابرود کل اما  
 جا و دان یاردن حاصل یا مدلول حرف حا دن لفظ حاصل

جدا

جدا اولوب ابرود کل عبارتی لفظ حاصل حرف یا **ید** تألیف او نمشد  
 و سید او نمشد و با اسم **ویمی** ای روزی اهل لک کوزی طویلی **بصفتین**  
 ایک صحیح جمله سی زرادسه یا یکی حدکش جمله لفظن حرف  
 لام عینه بند یلد حاصل اولان جمله رقی و مستمای یا و سیم  
 بجد تألیف او نمشد و با اسم **زهری** اولور می دل روزی  
 آر مید. **جوسن** بو ایله اندک ر مید. **سن** تصحیفی ابو امر ادنی  
 به لفظیه تألیف حاصل شبنه رقی حرف **ز** رمی لفظه داخل  
 او نمشد و کاینه در که ارقام تقویمیه اشارت و سببه کنایه  
 و آغ اولانته که بو معاد. با اسم **بزر** قو آرس هفت اولکند  
 قلوکی. قوسورسون با یک یوز هفته صوکی با مستاسید یوز  
 مرادنی روزی تألیف و هفته صوکنده است اعتبار یله رقی  
 مستمای ز اراد او نمشد و **ادات** **تلمیح** صریحا ذکر اولوب و اعمال  
 مقابله بن بعض و سید سید حصولی جامع در بو معا با اسم **امری**  
 نیز بر ذره عفو اول طخره کنایه. روزی اول امید متصل  
 اولور نما سید. لفظ مستای **جلیل** و نما سید ترکیب اول نما غله  
 میم مفعول ما سید رقی حرف یا **ید** تألیف اولوب حاصل اولان  
 ده رقی حرف **رامی** لفظه داخل او نمشد **اعمال** **تخصیص** در **تخصیص**  
**تصحیف** در و تصحیف دخی الی قسم در **قسم اول**  
 عبارته بر و ننگ و یا بر کله صورت خطی سه ارتدن

و بوضوح چون و مثل مثالی تشبیه و ال الفاعل ذکر کردن غیر بیده  
 مقهور و کلدر و بونسم لحنی وضعی اسمیده مستاد **قسم نایب**  
 که بجهت جعلی دیو سبب اولی و نیشدر و بهر کلنگ و وفی لفظند  
 نقطه آستانند و با وون منقوط سنگ از دیاد و انتقال و از آله  
 جمیع و با بعضی لفظند ن عبار تدر **تضعیف وضعیه** مثال بو معالمد  
 باسم **ذاتی** بد اولمزدی و لک جاق بو بید حایمان جهاند اوله  
 کردی مثالی کمر مرادنی ان دی لفظند داخل اولد قید نظر  
 حاصل اولان و انی لفظنگ صورت خطی ارا آد اولمشدر و باسم  
**شیخه مخفی** الفاعلی هر تو بیده هر بزرگ ای سما هر کیده کو کیم مبتدا  
 مثال اوله نولا هر مرقی و کوک مرادنی بجم و نامرادی صغ  
 تالیف اولوب حاصل تالیف لحنی اولمشدر و باسم **ضیاء** محبت  
 صرسم جن رندک کر میگذرد غایبی صومعه و کز لیه بر صوت اید  
 صومعه لفظی غایبترن بنهان اتمطه حاصل اولان صاد و مع  
 مرادنی با تالیف نظر لحنی اولمشدر و باسم **فتالی و قدری**  
 جوز جاتم با شد از دژ و الم در دل خود نقش نامت ای صتم  
 در مرادنی فی لفظند لفظ در و یا خود مرادنی باب و خود لفظند  
 لحنی اولمشدر و باسم **شیر** نظار من که دی از دژ در آمد  
 رموزی خوش شکل خوشتر آمد خوش لفظنگ تکلیله خوشتر  
 لفظندن خوبای معوضیه تبدل نظر لحنی اولمشدر و باسم **بزر**

X

صائیک لحنی نمانت ایلوب کو کلم دی سلفه اول بر بزرگ مرات  
 نور سر مدی بر هر لفظند لحنی د نظر بی اول و آو نور  
 لفظی داخل اولمشدر و باسم **شیخه** و بجز اجایان موافقه جهاند قطع  
 بهر اصلا اول لکدن مسج اسایی اول غنجه تک کو یا اول لکدن  
 و مسج لفظی تحلیلی اولم غله مرادنی هر لفظندن مسم معوضه  
 مسج لحنی تبدیلی اول غنجه ن غنن تحویل اولمشدر و باسم **نایب**  
 و بر سر توفه رحمت از شمه کسبه و آره حضور کونته سی دیر سک همان کنار کنار  
 ناکار کنار لحنی نازکیان عبار تندن آر لفظی کتور مضامند و باسم  
 کز لیه بودم سسی سمدی بی دکن سمدی همان نقش اولان خاطر د ای مده لک  
 انگه رعایان مده مدلولی لفظ کسیدن مهر مرقی **سی** عیان لحنی تبدیلی اولمشدر  
 و باسم **مذکور** موجب ذوق و صفا در دله مهر جانان کوسر تر کرمه غنا  
 شطرنجید یاران غنا لفظنگ لحنی و یاران لفظی تشبیه یا راد لفظی  
 اعتباریه ای یا ردن و وف را اسقاطید ایکی با حاصل اولمشدر  
 و باسم **قیاس** نوله سورسه بلوزین رموزی کدا کن با بو که متصل جانا  
 لفظ کن با لفظه اتصال نظر کما فی معوضه ادات تشبیه و لفظ اعتباریه  
 قیاس لحنی لحنی اولمشدر و باسم **شی** عاشق کوزیشی شتر ابیدر  
 هم کو بومش دل کبابیدر کباب لفظنگ لفظ اسقاط نظر کما فی  
 معوضه ادات تشبیه اعتبار اولمشدر بی لفظ لحنی اولمشدر  
 وون لکن و ف با یه و اخواته و یا یه لحنی و با و اخواتنگ

و با تک حرف نونه تصحیفی چون مذکور. تک احوال اتصالی باید بر دندان  
 شکلند. یا زلفا غده متصور در نه که بومعاد. **بسم نجائی** بجز بر لغتند.  
 سگان سماکی است شکلد. بولا چون بند. جایی بند. لغتند. اکی دندان  
 شکلند. یا زلفا ن با و نون نون و نایه تبدیل اولما غده حاصل نت  
 لغتند. جاعظی داخل و بولا ناعالی لغتند. سماکی حرف با را در.  
 اولمندر **و جابز در** که حصول ادا ت شبیه حال معانی دن بعضی موقوف  
 اولدنه که بومعاد. **بسم باقی** لطف کن بانه مینه در حاصل وی **×**  
 از کنار خویش ساقی رطل می. کناره خویش جبارتند. لغتند. کنارک  
 راسی استعاطی مراد اولوب و کاف موقوفه و نون شبیه ملاحظه اولما غده  
 ناصحی باقی لغتند. تالیف اولمندر **تصحیف جلیه** مثال بومعاد کرد.  
**بسم داعی** همان خلقند. بر کس این کم نید. هر گاه انظار. نولا آید رس داعی  
 اگر بر در. مراد ظاهر داعی لغتند. مراد در عین بر لغتند. اظهار لغتند.  
**و بسم خضر** قصد اید و دن قلعه سگالما غده اول نیم است. اندی خذ قلم  
 حصار. اندی بالاسن شک. حصار. ایتلن خذ قلم که قرینه اسم دلالتند  
 بری حا و بری صاد اوزر. واقع اولوب و بالاسن الف استعاطی اولمندر  
**و بسم نورین** در هم اشکی نید رسن صحنه یعنی صید اولما برای یکی لغتند  
 اول همبار. نازکی اولما یکی نوت. بر سه لغت نوت. و بری لغتند. در که  
 در قمری ر اوزر. واقع اولوب و بار نازکدن حرف نون اراد اولمندر  
**و بسم شوق** لب شراینی ام کم کید. کو کلدن غم. اید رس خال غده آن یاد.

کر در هم. کر تر ادنی لو لغتند لای لغتند. بر لغتند. از دیادی حرف نینه  
 تبدیل و فی لغتند. ماسی و زرب. بر لغتند. دخی زیاد. اولمندر **و بسم رستم**  
 نصیب اولسیدی لغتند. بل جان ایشان آینه میر اولد. دل یا بگری بوقن مکان  
 بر سر قند اولد قاضی. یا سگ لغتند. نون فو قنه نقل اولمندر **و بسم نهار** که و کون  
 قودر اشکی دلدار فوجی. اگسد. برای یکی کدی نمانی. نمانی لغتند. سگ  
 قابل یکی لغتند. بری حرف یا و بری حرف تا لغتند. کید که بعد الاستاق  
 نمانی لغتند. حاصل اولوب حرف یا واسطه تالیف اولمندر **و بسم**  
**فرحان** نظر بار اولد و بخی کورد کجا اول زیبا غده **و بسم** دل  
 جان کسی بر گوهرن ایلر شاره. ما. مراد فی فردن میم استعاطی و فاقند  
**و بسم** جان بدن بر لغتند. از آله اولمندر **و بسم یغی** بوقن جو استعاطی اولمندر  
 لاله زار. سور. ارضه نید. غیم قطر. بار. غین عینک لغتند. زایل و بی  
 لغتند. داخل اولمندر **و بسم خیزی** بر شکلی مجنون خوش اندی بزی  
 غایت سخن. وارر جنگ الکر کل و بر سر در آنه دخی. اگر لغتند. خلیل و  
 جنگ لغتند. نر کید صکر. هر و نه بر لغتند. و بر لغتند. حا و بانک حا و بایه  
 تصحیفه و کاف و الفیک را و بایه تبدیلنه واسطه اولمندر **و بسم دی النون**  
 طمع اهل بوسنجه آن الوردی. جو بر حبه دینار دن کم تلور دی  
 معراج اولد. الوردی لغتند. خلیل اولما غده دینار مراد فی النون دن  
 بر لغتند. لغتند. نقل اولمندر **و بسم داعی** در دی وار در لغتند  
 دکل دل شیون. اولد کرد داعی هزار اظهار اید رس صحنه ایخ.

کر



دای لغظتک غبک لغظس اظهار ایتمک اراد. اولمشدر و باسم **خیالی**  
 کورب حیادان اورخند و لادق اثره کلوب بگا. حیت اجل درین دوگرن  
 حیال لغظتک حاسند. عرق انزندن مراد لغظ انبالی اولوب و بطام آد  
 بی لفظیه تالیف اولمشدر و باسم **جز** کرم قلی فروشن لید و با سینه  
 خم بی فطر بی کوسزیمه بیز. توضیحی ظاهر در و باسم **مکور** خالده کم دیر نظر آ  
 خاتم لعلک بیز. کم ادا خاتم خال اولسون اولسون خوش در بیز اولاد خاتم  
 خای اولما سندن مابین لطفین احاط و نایاحال الماسندن لغظ سی  
 اراده اولوب مابقی فلان خم لغظی و لفظیه تالیف بیز لغظتک کی با و  
 مکسور و وسیله اولمشدر و باسم **سنا** جواهر بخش در روشن بیانی  
 الا بلدی السن الان این لفظ روشن یانی لفظیه تالیف حرف با وسیله  
 اولوب بعد التالیف واسطه تحلیل یانی لغظتک یانی شن لغظتک تبدیل  
 اولوب و از آله قابل حرف شنگ لغظتک سزا بیل اولمشدر و باسم **نوح**  
 کور تبدیلی زلف سپه غالبه بویک. کوسزمدی بر خای هر جانب رویک  
 روی مرادنی نوح لغظتک جابینندن برر لغظتک از آله اولمشدر و **غراب**  
 نغمندن در بومعی که و فین منقوشنگ لغظتینی برر لغظتک برود جمع  
 اولمشدر و باسم **خیالی** کوری طفل باشه بر طاش اثر اکب دخل  
 طندن جمع اندوکی بود جبالکی که کل لفظ جبالک جمعی و زور بر لفظ  
 کور مقله کتند. کی لفظ با لفظ سید جمع اولمق لازم کلور و بومعی که حرف  
 منقوشسند. او لفظ لر تصور بیه لفظ قدیمی حرف اولمشدر

و باسم

و باسم **خیالی** خال زیبادن اول ابرود کل ایکن خالی. فنی التینه  
 اکب فوس اول حنالی. خال لغظتک برن کتینه ایکی لفظ توغله  
 فوقند کی لفظ حرف حانک اولمق لازم کلور **اعمال تحصیل تک**  
**بشینی نیمی شبیه** در که عبار ندر برشی ذکر اولوب بیرون اراد لغظندن  
 که اول شینده اول حرف مابینندن. مشابهت مشهور و موقوف اولاد  
 مثلاً قد و سر و نهال و خانه و نیز و ستون و سایر شیای  
 مستقیمه ذکر بید الف و زلف ذکر بید جمیم و دال و لام و چشم ذکر بید  
 صا و فم ذکر بید میم و قاش و هلال ذکر بید فون اراد. اولمشدر  
 کبی نه که بو معنی کرد. و باسم **عشان** دل غمجه و هلال نهاله که ویردی جان  
 باعث دهان و قامت و ابر و سیدر همان باعث لفظ تحلیل اولما غده  
 عت لفظی دهان مشبیه میم و قامت مشبیه الف ابر و مشبیه فون اید  
 تالیف اولمشدر و باسم **ظوری** گوشه از سایه ات حاصل کنیم  
 پس موای سرور از دل کنیم سایه مرادنی ظلمت طایبی تحصیل  
 و موای لفظندن سر و مشبیه الف حرف رایه تبدیل اولمشدر و باسم **ارواح**  
 باغباناسر و وسبندن کرم فل جمیم یوز کم نظار کتمدی بر فکر قدوز لغظت  
 قد مشبیه الف و زلف مشبیه جمیم مابیننه یوز مرادنی رود داخل اولمشدر  
 و باسم **بدایع** اولما دغینه قدرتی رفتار. بر قدم ای باغبان چکرمی  
 عجب سر و باغ الم. باغ لفظندن سر و مشبیه الف الم مرادنی و ا  
 لغظتک تبدیل اولمشدر و باسم **خضر** سینه اور دوغک و قدر که چه

مکسور

نوح

خاوند کیدر قالم اما هر بزدن دلده بر در لو انتر خاوط لفظندن  
 خاوند الوی و حرف ط به مقص الف مثال خط که تیر تشبیه اولمشدر  
 ساقط اولد قد نظر حرف خاوند مابعد انصافی ضروری اولوب  
 الفک دلده بر در لو انتری قالمندن زخم نیرک لفظیه مشاب در ار آد  
 اولوب و حرف ط اذن اسقاط اولنان خطندن انتر قالمسی محل  
 قطع معلوم اولاجی معادرس دندانه در که صاد و صاد و حرف نیرک  
 صوت خطیده ثبات در بو تقدیر اوزر و حرف ط آنک صاد و تبدیلی  
 ط اهر اولور و باسم **فتیح** شو که عمر و دولنگ سیوب فاسن لایکمان  
 افتخاری اولمید بولور حیات جاودان لفظ انتر تحلیل اولما غلغلت  
 لفظندن خاوشبهنی الف اسقاط و حیات تحلیلده حرف حا و یا لفظیه  
 تألیف اولمشدر و باسم **بیر ام** کزندی کاندزین معوره جای ماکانت  
 بستون سعفی که بی خانه ویران ماست سقندن ار آد اولنان باسم  
 لفظندن بستون شهنی الف اسقاط اولد قد نظر باقی قلا نیر لفظنه  
 ویران لفظن محظ اولن و آو و نون تبدیل اولمشدر سقن باسم مرادنی  
 اولد و غن سقیم انجند ی بستون باسم اولد و نون و باسم **قطب**  
 بس و کل عبرت حسب فنون اشبو طاق سر شیب ی بستون لفظ ط قدن  
 شیب که حرف قاف در سر اولوب و بستون شهنی الف حرف  
 لفظنه تبدیل اولمشدر و باسم **لطیف** قویوب ای قصه خوان لی حد کزانی  
 نولا ط ایسک طومار لانی لاف لفظندن طومار شهنی الف

طی

طی لفظنه تبدیل اولمشدر و باسم **محمد** نیر آن خسته بی ای خار میسوم  
 قویا حالت کورد کل مدی مجوم امد لفظندن موس شهنی الف  
 صح لفظنه تبدیل اولمشدر و باسم **بیر یار** بتمز اوت بصد و بی بردن  
 روی اول روی جوان قوسه بر اوزر قدم بردن جن بتر همان  
 قدم مرادنی باستاسی بر لفظی اوزر نه کلوب و بر بر لفظندن جن  
 مشهنی الف نمایان اولمشدر و باسم **میر عاشقان** زلف میور کورین چشم  
 تار مو میدر کورد کم با خود بن استغنه یکی ابرو میدر در لفظندن  
 زلف مشهنی دالی لفظنه تبدیل و چشم مرادنی عین و تار مو مشهنی  
 الف تحصیل دایکی ابرو در مراد لفظنی فاش و مشهنی حرف نون ار آد  
 اولوب قلب بعضی قاعدیسی اوزر ترتیب حرف تکمیل اولمشدر و باسم  
**بجبال** ایکی زلف آر سینه دوشدی مابین و لاسندن کمی مابین  
 زلفین زلفین مشهنی جیم و لاس مینانه لفظ ما داخل اولمشدر و باسم  
**علی** بسلاک بند صد زنجیر سودا بود و ام بند یی زلف کج مردم  
 که جانما بود و ام بند مرادنی عبد لفظندن حرف یی زلف مشهنی حرف لاد  
 تبدیل و زلف مشهنی دالی اسقاط و ام لفظندن حرف یا تحصیل اولمشدر  
 و باسم **جوری** کرج کم کز لرم در و بین او زلف بیج بیج دل کور  
 زلفند یوزن یوق دهن اما که بیج زلف مشهنی جیم لفظنه یوز  
 مرادنی رد قلبی داخل و دهن مشهنی حرف میم اسقاط اولمشدر و باسم  
**حصلی** جو کزیم من شوی خندان و فوسم از آن کرید مراد بد و ماد دم

X

مرادیده نگارند ن اولاً مرا تخلیله حرف میم آید و بد مشبهی صا و  
تالیف و تانیاً مراد فی کی تحصیل اولمشدر و باسم حاجی چشم و خالنه  
او ماک و مکون دیون نظر چشم او رتوبه حاصل از فی بکن نهان آید  
حاصل لفظن چشم مشبهی صا و استعاط و زلف مشبهی لامک عدوی  
رقتن صور از آلهی آید و فی چه تبدیل اولمشدر و باسم **کامران**  
و لرس خلق ماکای سه نو، و لری دل کالی ای سه نو، کمال تحلیل دی  
ترکیب کما می استعاط و لی مراد فی مرا تحصیل و ما نو دن نون آرد  
اولمشدر و باسم **علی** شیو فن چون از من شنو، زانکه است از هر  
مراد آن ما نو، از مراد فی عن لفظن ما نو مشبهی حرف نون  
بر مراد عبارته تبدیله حاصل غیر مرا تحلیل اولما غده عین مفتوحه مرا  
مراد فی یا لفظیه تالیف اولمشدر و باسم **صغی** نه تیر انداز نازک در  
مد و باند اول دلبر ایکی کو زار بسند، فاشی یا یا کو زمل ایله کو ز  
مشبهی صا و آید مراد فی عین ما بینته تا ش مشبهی نون داخل و حرف  
باید تالیف اولمشدر و باسم **لامع** زلف و چشم ابرو و اول مشبهی  
جو یان کورب، اوله نادم زلفی چشمی ابرو و یا نهان کورب، نام تخلیله  
دم لفظن کی زلف مشبهی دال نام مراد فی لالفظه تبدیل و چشم  
مراد فی عین دن ابرو مشبهی نون استعاط اولمشدر و باسم **ولیس**  
عاشقند نالرا اوله تا سه سن، صر بیای یا سرن یا لاسه سن  
یا مراد فی او حرف یا یله تالیف ن صکر الف استعاط و سن لفظن

x

کار مشبهی نون حرف یا به تبدیل اولمشدر و باسم **تخون** نام می صورت  
عقاب آید و بدی اول بدر تمام صورت نام کم کورد بان و زلف و ابروی تمام  
د بان مشبهی حرف میم و زلف مشبهی حرف صیم ابرو مشبهی نون اسمیه تالیف  
اولمشدر و **یکن** که و بسند تشبیه اولن لفظک حصول ایجاب معانی دن بعضه  
مریون اولاننه که بو معاد، باسم **آقبا** با د کل بی بی دل تصدی بخرد، بیایی  
تصدی دل آند، بی حد، بیایی تصدی دل، بیحد در اداسی تصد اولو  
ای تصدی دل، که قد مشبهی الف در بر تصدی دلک دای و با تصدیجک  
صا و حرف یا به تبدیل و بر تصدی دلک الف در الحاق بیحد واقع  
اولمشدر و باسم **بول** قدنه ایکنون حدی دکل ای باغبان، سوبه  
سرافکنند، سرو، دمیدم آن هان، سرافکنند، سرو عبار تنگ اوچه دکل  
نگار ای تصد اولمشدر که مؤداسی سرافکنند، سرو سرافکنند،  
سرو تر کبدر که سرو سرافکنند، بی سرو سرافکنند، سرو اولمشدر  
یعنی سرودن سرافکنند و اس بی الف الحاق اولوب آفود، که  
انکنند، سرودن اسم الفذن الف لفظک استعاطی ملاحظ اولمشدر و باسم  
**شاع** شاعر اولدر کم آید، نگار از آید دن حذر، ای دل اشعاری  
بزن نگار بیتن خدق آید، اشعار تخلیله اشق قلب و عا لفظک  
ط فینی ع که بیت آندن کنایه در نگار اولما غده حاصل اولان ع  
مشبهی الف عا ر دن استعاط اولمشدر و باسم **عباری** بر ایکی کون  
غصدن اولد ب خالی خاطر که صاغ و حوالدن عاقبت هر خط ای دل خاطر

صاع وصوله ن عاقبت عبارتی تکرار شدن اولاً صاع لفظیک غیرینی  
وصول بر آدی بی باسی و ثانیاً صاع مراد فی راست مشهور الف  
وصول مراد فی بسا راسی تحصیل اولوب ای دلدن مستحسانی یا  
حصولی ظاهر در و باسم **ایمرو** و **سروبی** و **دبریک** اوله  
میشد دل فرم **م** از سخن کور روز با هر دم **م** هر اسمده **م** ز سخن کور  
رموز یا بغیر تکرار اولوب بعضی بار موز یا لفظی خطای مفید اولوب  
بعضی درت جزو تحلیلله لفظ یا و با مراد فی اولفظندن مؤشبهی الف  
حرفی را ب تبدیل اراد اولمشدر مثلاً اسم ایمرده اولامه رخندن  
مراد فی ای لفظنک الفی و رموز یا دن خطاب و ثانیاً **م** رخندن میم  
در موز یا تحلیلندن یا لفظنک الفی را ب تبدیل و **م** اسمده اولامه  
رخندن میم و رموز یا تحلیلله الف یا را ب تبدیل و ثانیاً **م** رخندن کیر و  
میم و رموز یا لفظندن خطاب و **س** سروبی اسمده اولامه رخندن سی  
اعتبار یله حرف سین و رموز یا دن خطاب و ثانیاً **آ** و **ب** سی لفظنک  
حرف اولی تو بر سابق اوزر رموز یا تحلیلندن حاصل رو لفظنه  
تبدیل اراد اولمشدر و باسم **شمعی** سرویشنی عاشق بوکم **الم**  
کور دست اشیا دن **م** میدم دست اشیا دن عبارتی تکرار شدن  
لفظ اشیا درت جزو تحلیل اولما غله یا مراد فی ام دن الف مقوضه  
موظفنه تبدیل اولوب حاصل اولان موسم لفظنک مراد فی شیخ  
لفظ حرفی یا بینه تالیف اولمشدر تفصیل توجیهی بودر که دست که الدر

الف مقوضه سی قاف مکور بر تبدیله حاصل اولان فعل لفظندن الف  
و ثانیاً موار آد اولوب اولنگی یاد ن عبارندن یا مراد فی ام  
لفظنک الف مقوضه سی لفظ مقویه تبدیل و ثانیاً یاد ن عبارندن  
لفظ شیخ یاد ندر بعضی انظار تالیف اولمشدر دیک تصور اولمشدر  
**اعمال تحسینی تک التجوی کتابه** در که عبارندن بر لفظک و یادنی یادنی  
ایراد یله لفظ او اراد بسندن که ایراد اولان لفظه لفظ مراد ک  
معناد اشتراکی و تراد فی اولیه و عمل مذکور یکی قسم در **قسم اول**  
بر لفظنک ذکر بر مفهوم ملاحظه سنده وسیله اولوب اول مفهوم ایچون موقوف  
اولان لفظ اراد اولمشدر **قسم ثانی** بلا ملاحظه مفهوم مذکور بر عبارتک  
ذکرندن ذین سلیم و عمل مستقیم انتقالی موقوف بر لفظ تصور اولمشدر  
**قسم اوله** مثال بومعالمه در باسم **خضر** رقیب برضوی کور و ذکی آن  
طوبی زینتی اول سرو اولدی نهان رنگ لفظنک مقومی ملاحظه سید کرد  
مخصوص رنگ که احضر در اراد اولوب الفی اسقاط اولمشدر و باسم **ثانی**  
بزرگ خدایت قوای اداد بوزر صفتی که طاعت اهل عبادت بوزر  
اهل عبادت مقومی ملاحظه سید بای لفظنک حرف قاف تصور اولمشدر باسم  
**تبرک** سیر محاسن عدم اندور یکی کیبیدرک در فرم خسته لکن کویستر  
که کجانه فلک در فرم خسته یکی مقومی ملاحظه سید حاصل اولان تب  
لفظنک لفظیه تالیف اولمشدر و باسم **شکر الله** اولور در فرود  
نام مردش گمر ایدوب حمد اسم ذان اوله ذکر حمد مراد فی

عکس

شکر اسم ذات منهن مندن ملحوظ لفظه الله اید تا یلف اولمشدر و با سیم  
**سدم** می نیاید در نسل در عالم کمر کشندی ابو البشر اسم ابو البشر  
 منهن مندن ملحوظ آدم لفظن الف عمود هم لفظه تبدیل اولمشدر  
 و با سیم **مفتاح** باب مفصودی اجدی بی مشتق بی محض قفل امیده و موزی  
 الت فتح بلن تفلک الت فتح و فتح با بندن اسم الت مفتاح در و با سیم  
**حیران** شکر آتش جو در دلداری سوزند شکسته دل کربان  
 برد فعد سوزند تحلیلی زنده لفظ شکسته لفظ سید زانی مکور  
 اولمشدر اولوب حاصل اولان زنده دن مرادنی حی و نمانیا سوزند  
 منهن مندن ملحوظ اولان نار قلبه منشد و با سیم **باز** کلستانه یوانیه  
 ای کل تر هزار د شکسته و قن اسر هزار د شکسته دن حرف الف  
 مراد اولوب و وقت بلیل منهن مندن یا ز لفظ ملاحظه اولمشدر و با سیم  
**صانع** در برک عشته اولوق استنا و عله بیگانه غنادل موسمی  
 اولمشدر کبر کلستانه غنادل لفظ کلیده لفظ غنا قبل غنادل موسمی  
 یا ز لفظه لفظ صفت مرادنی اولوق اعتباریده و بین اولینینه داخل  
 اولمشدر و با سیم **احسان** ایدوب بر مد زنده صد هزاران مرد با می و بلز  
 میحاجون اظهار ایدردی استیذی کمر میحاجون زدن اراد اولمان  
 اصیا لفظ تحلیلی و لما غله د مرادنی امس لفظن یا مرادنی ام اح  
 لفظه تبدیل و کرد کردن مرادنی ان تحصیل اولمشدر **قسم** تا نیاید  
 شال بو معارف در با سیم **ایوب** ایدوب یوسف کم گفته غم جان اثر

x

x



اولدی محتاج عصای دل وی دیدند در عصا سببی الف تحصیل و دیگر  
 یوسف زین سبب لفظ بدر یعقوب دن کنایه اولوب عین و تاقی بقا  
 اولمشدر و با سیم **تاری** زغ اندک رقیب ناجیزی صید و کونه صلده  
 بزنی صید و کونه صالان تا زیدن حرف زی با مکور به  
 تبدیل اولمشدر و با سیم **دیوانی** کور بچک دیوانه دل حالین  
 حیران اولمشدر عاشق لیلی دن آفرینش زیاد بولمشتم لیلی  
 عاشقی بخون مرادنی دیوانه لفظک با سیم بشن زیاد اولمشدر  
 یا تبدیل اولوز و با سیم **داری** کور کوردی بند بندم رقیب کاردی  
 اصیلا جانک برین بیلوب دیدی کربری اصیلا جان کربری دار و بر  
 مدلولی الف حاصل اولمشدر و با سیم **صبرتی** داخل اول برفته ای  
 دل فعل لازم بلدر فن لایعنی دن او خط ایدن جا بندر  
 فعل لازم بیان ایدن حرفه حرف یا داخل و لایعنی آفریدن یا می  
 اخیر حاصل اولمشدر و با سیم **صرفتی** تغنی فند در مراج ارواح  
 بیورسک همان ان تحصیل اید ای دل کم او در مفصود جان  
 مراج فن صرفه اولما غن صرفه با تا لیفنه اش رت اولمشدر و با سیم  
**و آری** میتگ مایسی بیت المالدن منع ابلیس مکیه کای وجه  
 هایت آن خوب اندی تمه ظن بی لفظی با سیم مال میتی بیت المالدن  
 منع ایدن و آرت لفظه تبدیل اولمشدر و با سیم **حائف** ناز اولمشدر  
 فنای دهری بلز اشکار دهری صانه سرمدی پراولین کولکل نواز



و هر کس مدعی اولی کسی طرفینی استغناظند کنایه و بیرون اولین جوان  
 مراد از فتنه قلب و دلش رو با سیم **سیمی** و آرا او با کینه و دل و پاک کمر  
 و صفی غل و در بکنای صدف و صفی و بر سگ ای دل در بکنای  
 صدف و صفی بنیم حرف یا بد تا یف اولش در رو با سیم **سیمی** و **سیمی**  
 کینه غلش رخ دشت امری ای دل خدا نهی لا تقهر کتیکش نند در بلد کتیک  
 مرآع اولدن خدش امر علی ما مور اولان خوفت محمد عبدا الصلوة والسلام  
 اسم شریفی حاصل و مرآع تا نند ن قدری منتهی اولان بنیم حرف یا بد تا یف  
 اولان غل اسم سیمی حصوله و اصل اولش رخ دشت و با هم تن مرآع اول در  
 مرآع تا یف سیمی در حد اولی کسی است و در با سیم **نور زین** یا یغفک  
 عرض ایتمه باره ای کو کل . باره یا یف عرض ایدن بل از دکل . باره  
 یا یف عبار تنون باره لفظند یا یف لفظه بندیل اراد . اولوب  
 و از اولیان لا بد زن اولور و با سیم **فسر و** زبان عشقن افزون  
**تغوف** او هر روزی دکل اصی جو مر جو رو لفظند در رقی حرف را  
 اصی اولی سیمی خسر اولق لازم کلور و با سیم **جمعی** کورین بر دم  
 کشن یوز سیمی نهان انمون . ظلم اید و اول مد بکاز لحن بریش انمون  
 بکاز دق لفظند ن زلف سیمی حرف لام بریش ان اولی سیمی جمع اولق  
 ظاهر در و با سیم **ظهوری** اید جو سیمی ن و نادار . جفا لایق دکل  
 اولسون هر که ای ما هم جفا لایق دکل . ما . مدلولی سیمی لفظنک  
 سینت جفا لایق اولق ظهوری ستم در و با سیم **بدایع**

هر کس مدعی اولی کسی طرفینی استغناظند کنایه و بیرون اولین جوان  
 مراد از فتنه قلب و دلش رو با سیم **سیمی** و آرا او با کینه و دل و پاک کمر  
 و صفی غل و در بکنای صدف و صفی و بر سگ ای دل در بکنای  
 صدف و صفی بنیم حرف یا بد تا یف اولش در رو با سیم **سیمی** و **سیمی**  
 کینه غلش رخ دشت امری ای دل خدا نهی لا تقهر کتیکش نند در بلد کتیک  
 مرآع اولدن خدش امر علی ما مور اولان خوفت محمد عبدا الصلوة والسلام  
 اسم شریفی حاصل و مرآع تا نند ن قدری منتهی اولان بنیم حرف یا بد تا یف  
 اولان غل اسم سیمی حصوله و اصل اولش رخ دشت و با هم تن مرآع اول در  
 مرآع تا یف سیمی در حد اولی کسی است و در با سیم **نور زین** یا یغفک  
 عرض ایتمه باره ای کو کل . باره یا یف عرض ایدن بل از دکل . باره  
 یا یف عبار تنون باره لفظند یا یف لفظه بندیل اراد . اولوب  
 و از اولیان لا بد زن اولور و با سیم **فسر و** زبان عشقن افزون  
**تغوف** او هر روزی دکل اصی جو مر جو رو لفظند در رقی حرف را  
 اصی اولی سیمی خسر اولق لازم کلور و با سیم **جمعی** کورین بر دم  
 کشن یوز سیمی نهان انمون . ظلم اید و اول مد بکاز لحن بریش انمون  
 بکاز دق لفظند ن زلف سیمی حرف لام بریش ان اولی سیمی جمع اولق  
 ظاهر در و با سیم **ظهوری** اید جو سیمی ن و نادار . جفا لایق دکل  
 اولسون هر که ای ما هم جفا لایق دکل . ما . مدلولی سیمی لفظنک  
 سینت جفا لایق اولق ظهوری ستم در و با سیم **بدایع**

x



انموذج بود و هر کس که بوزنه **سایه** آتش ضاع و وصول در لغت کون بوزنه  
 سایه مرادنی صاعقه زلف مشبهی لام عددی کورب وصول مرادنی  
 جب لفظ زلف مشبهی لام داخل و کون بوزنه بفتح لفظک یا صاعقه حاصل  
 اولمشدر و با **بسم** **بشرف** کون بوزنه کورب خسته دل و افزون الم  
 در و بشدکم اود رخ کورب سر و بشدکم **بشد** العظمن در مرادنی  
 و اسقاط و در حق را **بشرف** مرادنی **بشد** تا لیس و کورب مرادنی آی  
 لفظک الح حاصل اولمشدر و با **بسم** **بشرف** مرادنی استریک ال **بشد** لای  
 چشم باق کورب نام و مدم دریا بوزنه چشم مشبهی صاعقه حاصل و دریا بوزنه  
 نگراندن اولاد را مرادنی **بشرف** اولی و نامیاد را تحلیل اید در مرادنی **بشد**  
 فاسی یا مرادنی اسم لفظ تبدیل اراد اولمشدر و با **بسم** **بشد** روی آب غل  
 نظر اولی **بشد** کورب و کلو استریک که منع انترکس آب مرادنی  
 صوصادی حاصل و ما مرادنی آی اوج کتر قلب اولمانه حاصل اوج  
 یادنی اول داؤد سماکی یا و نامیاد مرادنی اسم اراد اولمشدر و با **بسم**  
**بشرف** **بشد** قاه ز خذ انوی کورب مرادنی **بشد** مثال اول سب ایدر  
 آن عیان ای دلبر بالانها **بشد** ای **بشد** ای **بشد** ای **بشد** ای **بشد** ای  
**بشد** ای **بشد** ای **بشد** ای **بشد** ای **بشد** ای **بشد** ای **بشد** ای **بشد** ای  
 و در سب موی او سینه دل زار **بشد** موی تحلیل موه مرادنی قبل قلب و بی  
 دستنه الف زار **بشد** و با **بسم** **بشرف** کورب بوزنه مرادنی **بشد** سبیل  
 ابرق او کورب قبی دل فراتد و کنی **بشد** مرادنی **بشد** کورب مرادنی

زلف لفظ تبدیل و رقیب تحلیل و بی ترکیب اولمانه رقی لفظ تبدیل  
 اسقاط اولمشدر و با **بسم** **بشد** کورب مرادنی لفظک یا صاعقه حاصل  
 غدا اولک حوسه سانی در **بشد** می در **بشد** مرادنی **بشد** حاصل  
 مرادنی دن نونی می لفظ تبدیل اولمشدر و با **بسم** **بشرف**  
 بهوشن **بشد** کورب کورب **بشد** اول **بشد** **بشد** اول **بشد** اول **بشد** اول  
 تماشا ایدر **بشد** **بشد** مرادنی ما لفظ لفظ **بشد** مرادنی با داخل و  
 ایدر **بشد** تحلیل لفظ **بشد** حاصل اولمشدر و با **بسم** **بشد** **بشد**  
 بوی محبوبی او بدر دل **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد**  
**بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد**  
 اسقاط و آل در این لفظ داخل اولمشدر و با **بسم** **بشد**  
 بن ابروس کمان دیدم دیدی دل **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد**  
 بن مرادنی من دن ابرو مشبهی نون کمان رقی حایه تبدیل و ذل  
 مرادنی بال تحصیل و با **بشد** تحلیل **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد**  
**بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد**  
**بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد**  
 مرادنی حوب داخل و راسی اسقاط و زلف مشبهی لام و آل لاین  
 لفظ **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد**  
 مست **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد**  
 حش و بی دل اولمانی **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد** **بشد**

X



و جادو انظر افرا بنفثه مستغلبه تخليد ميم مفوضه و امر آوني در نطقه  
 که اندن در استعاط اولمش اولان تاليف اولمش در و با هم **تجارت** نه در  
 و بدم عقبي بود کلو از د با د و ب همان او بری اندی زلفی نابد آ  
 بری مرادنی جن غلب و اندی د ایا استعاط اولمش در و با هم **شرف احمد**  
 بولکش ایچ کرچه بر آرمو برتر بشرا و سب دقن مشغ کور مدی برتر  
 بشر تخليد شرف لفظ سب مرادنی تفاهه فحشه تاليف و کور مدی تخليد  
 لفظ مد تحصیل اولمش در و با هم **شهابی** مفید اولمش در و با هم و او و اولمش  
 کلور بر نه بازله بشرا یوا که باش تخليد ایست لفظ اولمش در و با هم  
 لفظیه تاليف اولمش در و با هم **عبیدی** فاشک کور مدی رک کور ملک و کل  
 انصاف کورنه ما نو اینتر کت عبید خلاف عید لفظ تخليد اولمش  
 عی لفظ خلاف مرادنی بید داخل اولمش در و با هم **امری** جان اعدایی  
 یا قدی نارسد بکاسن لفظ ایددی بجد ای در لفظ تخليد  
 ای لفظی مرادنی مراد داخل و لغی استعاط اولمش در و با هم **تالی**  
 غم جو کله طبه حق داننا کله بی حد کدر کجه جانما کدر لفظیک  
 کاکت مفوضه ادات شیبه اجبار اولمش در و با هم **باب** و کجه  
 مرادنی لیل دن او فخر بی استعاط اولمش در و با هم **سروبی**  
 عرض حال ایله دی اولمش در و با هم **شامی** شامی عین کور لون  
 یوزینی کور دوکی دم کور دن رقی بسن و یوز دن مرادنی روس  
 اراد اولمش در و با هم **سیدی حسن** کلشن کوبوک و آرو ب بخود و

انعام دون کو کل سن سنی المنش سوال آفتاب رقی بسن تحصیل  
 و آفتاب مرادنی یوج لفظک و اوس دون مرادنی دس لفظه تبدیل  
 و سن لفظی عینده تحصیل اولمش در و با هم **موسی** سب رقی قوه سب اولمش  
 می د بسم دیر اول ملک بجد اولمش در و با هم **کرمی** کرمی کرمی  
 نارس مرادنی موش لفظک بشی استعاط و سنی تحصیل اولمش در و با هم **طالسی**  
 استخسه رموزی هر هم لفظک نولایار بی چون سب زار کله بجد در شهاب  
 سنک مرادنی طاش لفظک بشی استعاط اولمش در و با هم **طالسی**  
 تبدیل اولمش در و با هم **ولجانی** ما عشق کله بشی سب کور بی اولمش  
 ای رموزی کرمی بر بان و اولمش در و با هم **کرمی** کرمی کرمی و بان  
 لفظه ن الف محل مرادنی جان لفظه تبدیل اولمش در و با هم **عقابی**  
 کسی کوشه از جان و دل ما پیش دو صد منزلت از خود نماندش  
 خود مرادنی عقل دن تا مرادنی الی لفظه تبدیل اولمش در و با هم  
 واقع اولمش در و با هم **فیروز** رموزی مسر اولمش در و با هم  
 صلیدی کرا و کشتن کوه او سنده سایه کون مرادنی روز او سنده  
 سایه مرادنی فی تصور اولمش در و با هم **قور** اشکی در جو خاص و  
 عامه سنده اولمش در و با هم **بندی** بند مرادنی قول لفظه دن  
 می مدلولی حرف لام رد لفظه تبدیل اولمش در و با هم **قور** قور  
 مبتلا یوز هر کله فکر نظر دل نه در و غم چکر بلر مکر یوز مدلولی  
 حرف قاف کل مرادنی ورد لفظیه تاليف و نه مرادنی لافین و

x  
 آید

مدلولی بی لفظ داخل اولمشدر و با سبب **لامعی** موزنه اینست که کور و شکار  
 نمار سوزان عاقبت دلجو یار **نمار** و یار را کسری و دل مرادنی  
 بال لامی استعاطا اولما غده باقی علان نماندن مرادنی لا و با دن  
 مع و با دن متعاسی اراده اولمشدر و با سبب **لظنی** نه ممکن اید چشم  
 خایه بسن شمع رخ روشن مگر بولظنی مردم دل کور او خیا لگدن  
 اولآ خیال مرادنی **ظنی** یا کسی تحصیل و نمانیا لفظ مذکور یا کسی آفر  
 نقل اولمشدر و با سبب **می** رخصه اولوی آفتاب غلام **شک** خود  
 هلال بند مدآم بن مرادنی من لفظ نه هلال مشبیه حرف نون مدآم  
 مرادنی می لفظ تبدیل اولمشدر و با سبب **ولجان** رفیق مانی تلذذی  
 بگردن کلوب کور در ده اول سردی جو بزده اول لفظک المعنی نیز  
 مرادنی سخن نصیحت داخله نقل اولمشدر و با سبب **نجان** جو باشد  
 از چشم در نا لهما دل بدی هیچ نماند اید از چشم ما دل از مرادنی  
 عن دن دید مرادنی عین استعاطا و چشم مرادنی عین دن حرف  
 یا ما لفظ تبدیل اولمشدر و با سبب **کجی** کار دل اوله کسی بین  
 سیاه و آبتر خوابد با دشمن زلفی کور دم یاسر خواب  
 مرادنی نوم لفظ زلف مشبیه جیم داخل اولما غده حاصل اولان  
 نجوم لفظی بی لفظ سر واقع اولمشدر و با سبب **مذکور** اولدی جوش  
 پرو که دل سپهرین طوتم **سپهر** و لمد مشبیه کن ای پیرت کلم  
 سپهر مرادنی مجی غلبه شش مدلولی حرف و آوه داخل و پیری

لفظدن

لفظدن بر استعاطا اولمشدر و با سبب **انسان** خواد مکره دنیا دین  
 قبه زنگ مکره ناسر ایک دفعتا الملق **شک** اولاسن مرادنی  
 انت و نمانیا لفظ سن و نمانیا کبروات لفظ **شک** اولس استعاطا  
 اولمشدر و با سبب **علی** کتیش ندید زرتا نماند **کند** کار در  
 زرت **کند** کار مرادنی فعل لظنی در مرادنی فی آید تا لیف اولده حکم  
 ز مرادنی عجب متعجب اولما کسی فی لفظک نمار مکره بی علی لفظ تبدیل اولده  
 و استعاطا اولمشدر و با سبب **کش** چاک آید دست غم دور و بلا و پیر  
 اما ن کور دی دل و اما ن مردم چاه چاک اولاسن اما ن دل و آینه  
 تکرار نمان اول اول مرادنی عجب یا کسی و نمانیا اما ن مرادنی انگ  
 متعجبی و دل چاه چاک اولما کسی اش رتدن مرادنی حاشا لفظک استعاطا  
 طینی اراد و اولمشدر و **جایز** که بر لفظک ذکر بله یکی یا دخی زیاد  
 مرادنی اولی اراد اولده ننه که بو معا لرد با سبب **سول** نرتب آفا  
 سک کو یک رقیب بر فرضی بول باشن مردم **بطل** کور مر اما آنی  
 بول مرادنی رأ و بسبب لفظ **شک** اول تحصیل و بول لفظک یا کسی  
 استعاطا اولمشدر و با سبب **میر عاشقان** ای موزن کرجه جونی جونی آجلف  
 کوسرز هرگز اسک انجوب و ششامن اولو **خشمین** منضیل اول فیم  
 بز صورت راول چون عرض ایدر شده هم شکر بی مردم **بجد** انجین  
 فم شش حرف میم بر لفظیله تا لیف ن حکم نجف و کدر مرادنی غسل و انجین  
 لفظ **شک** و لفظ شکر مرادنی قد لفظی تحصیل و انجین تجلیله انگ

لفظک کانی استعاط اولمشدر و باسم **لفظی** اید. هر چند موزی اول  
 رخی بود نظر سبکی اولمشدر علی صورتی کور مکر سبکی مرادنی  
 فی لفظ اولمشدر مرادنی اونی فخل لفظک نجی قبل ملاحظ اولمشدر  
 و باسم **نصوح** و و شردی بندخته دل اولده غیجی زند. مکر انمش اول  
 لاد و مالانهای سنده. ما مرادنی صورتی اونی سخن لفظک لانههای  
 و آخر اولمشدر و باسم **حسن سنن عباس** بود موزی ربه کوبله ایدوب  
 طبع اوزن. اقتابم تدینو که نوالا سورس بوزن. حسن استند.  
 اقتاب مرادنی بوج و غم لفظک اولمشدر نوالا لفظک اولمشدر  
 و سنن استند. اقتاب رقی سین و قدیمی نندن عین و بیضا اولمشدر و نوالا  
 لفظک اولی و عباس استند. اقتابیدن مرادنی عین و قدیمیندن اقتاب  
 بیضا اولمشدر و کورس تخلیل اولمشدر لفظک سین اراد. اولمشدر و باسم  
**حسم زاد** تک می اولسون صورتی بر و ما صلیق انم ضرر. اقتاب اول  
 چون می صافن انک کم صورز. اقتابیدن مرادنی عین و چون می دن  
 نجی حمر و صافن انک کم صورز تغییرندن می مرادنی باد. لفظندن و فی  
 استعاط اولمشدر اراد. اولمشدر و **عباس** که مرادنی مراد اولان لفظک صویبا  
 به توفی بعضی اعمال اولان که بومع لرد. باسم **قاسم** نوالا ایدوب فرقه  
 س لوسلزار ایدینلر. مؤنک زینتی چون جامه اسلام بیتر جامه نجی  
 جامه مرادنی فلک لای اسلام تخلیلده این لفظه تبدیل اولمشدر و باسم  
**کلی** اولدردن نوالا ایلرک بود. بوزن حواله ایلرک

بوز

بوز تخلیل و زنی ترکیبید بود. لفظندن بوزن لفظه تبدیل اولمشدر  
 حاصل اولان زنده مرادنی حی و ذوق حواله تخلیلده و ال لفظه  
 تبدیل اولمشدر و باسم **سنن** کورسنی کورس برقب سک اوررس  
 دی کولکل. کل بنی ترکل یکم هر دم اورده تک و فنی و کل اوررس لفظندن  
 واسطه خطا بد را می فتوح استعاطندن صکر. باقی علان اورسن مرادنی  
 سندن لفظک دخی دالی استعاط اولمشدر و باسم **جفاک** لبراندس  
 دل تقاضا کورس و با اوزن. بچو کتار دن نیجه در لوجیل بوزن.  
 بچو کتار جبار سب اوچه دک مکر ار اولمشدر اولانما تصحندن حاصل  
 بادنه مرادنی قوس رقی حرف حا و ثانی استسای یا و ثانیانما  
 نجی تا دن مرادنی ال تحصیل و بوجدن جیل بوزن حرف حا و  
 بر لفظ صورت اولمشدر و باسم **بهلاکی** نیت سرک او جود: رجبال کبک  
 دلا اولور می بهاس تناع معنی تک. بهما لفظی تخلیلده حرف هاسی مدلولی  
 لام ایلد تالیف و تناع لفظندن معنی تخلیلده لفظ مع استعاطندن  
 صکر. باقی علان تا لفظندن مرادنی ال تحصیل اولمشدر و باسم **دود**  
 شیخ و صوتی هم قله ای حاجی کورس و جد آجدر باش اوچی دخی  
 وجد لفظی و اولان استعاط و صحن مفتوح اتمظه حاصل اولان جد لفظک  
 مرادنی اسم مقصود و در و باسم **قطب و قطبی** بلریم نجی ایدوب حاجی امید حاجی  
 بندگی اوبه صوتی کوشش ایدن لای عاقبت. بند لفظک دالی به لفظه تبدیل  
 حاصل بنه مرادنی قطن نوالا بی سمانس و یا لفظه تبدیل اولمشدر و باسم

**شیرک** بود و کل آدمی و بر صورتی که در آن بی جنب بود آنچه گشتی سر بوس  
 چو با در در جنب گشتی لفظک گانی و در جنب جبار تند ن در اسقاط اوله نقد  
 باقی فلان جنب مرادنی بر لب لفظک باسی اسقاط اوله نقد و باسی **حیدر**  
 نیم جامید دل برد، مراد اوله ایجا و بر یک نفس جیات اوله لب بجا اوله  
 جیات لفظک نصف اخیر اسقاط اوله لب تحلیله لب لفظک لام فتوحه  
 بالفظ تبدیل اوله حاصل اوله ن باب لفظک مرادنی در تحویل اوله شد  
**مرادنی** مراد اوله ن لفظک صریحا کربله اعماله ن بعضی وسیله سید  
 حصولی جامع در بو مقام باسی **قطب** الش سوزان ثوق در درون بر عجم  
 سینه اسم رسوخ همچون نارد کوزای صم سینه مرادنی صدر درون  
 حرف را اسطیله باقی فلان صد لفظه ن حرف قاف و بار فحش تار  
 لفظه الف اسطیله ن صکر باقی فلان مرادنی رطب دن و حتی  
 حرف را اسقاط اوله شد و باسی **دست** یونانی بر ل مشهوری ز سوز  
 اهل دل ترک ایلیوب و ندر سوز اهل لفظه ن با اسطیله لفظک باقی فلان  
 ال لفظه ن مرادنی دست و یوز مرادنی روعب اوله شد و باسی **ایرین**  
**و اینثال** قویتم می بو غبه صاع دست سرتنگه سبویه اور دستنی  
 سبویه لفظه ن اسقاط سید باقی فلان مرادنی این لفظه دست  
 مرادنی بند داخل یا خود ذکر اوله ن این لفظه دست مرادنی ال  
 افعال اوله شد و باسی **و آعی** تا بودک وار لزیه بندرم بر ای بن  
 تا بودک وار مقدار مضوعه و او عید دن تا بود مرادنی در لفظه عید

لفظک

لفظک والی انضامید حاصل اوله ن در و دن مرادنی و آرا اوله شد  
 و باسی **کامران** در کجا بش دل کمی شد و ایما بود کرم تا ما کشد  
 فرموده با کجا بخلیلید آب مرادنی مارگ لفظه دخوله لفظک قلب  
 اوله لب و کرم می اسقاط اوله غده کرم مرادنی ان تحویل اوله شد و باسی  
**بانی** ما بزدن دور او بچی ای تمام ناقص اوله شرطتانی یا خود تمام  
 اوله ما لفظه ن مرادنی ما اسقاط و تانیا باسی نقصانید باقی فلان ما  
 مرادنی آب و ثلثا ما تمام دن حرف لام مراد اوله شد و باسی **مکور**  
 و نیز ز اندی بری کردین کردین ناقص اس دل اممال بری اندی در کون  
 اممال لفظی تحویل اوله غده آفتاب و مال لفظه ن مرادنی ما بر لفظه  
 تبدیل لفظک ز ای اسقاط اوله شد و باسی **میلی دود** در د با نا اوله سخن  
 کور ملک و یزدین جان زار عاقبت کور سوزی بر شب آنی وصلی لفظک  
 در د لفظی تحلیله ن حاصل در مرادنی با یک اوزی د لفظه تبدیل حاصل  
 با د مرادنی می وان لفظه در د با بیان اوله سنگ تکرار ز این رفتن  
 لفظ در ک اوزی د لفظه تبدیل اوله غده حاصل اوله ن د د لفظی شب  
 مرادنی لیل لفظک لام اجیرندن بدل اوله سی اراد اوله شد و باسی  
**والی** عزم آیدر تا بودک نقصان اوله تا اوله سخن تمام اوز تمام  
 سن لفظک مرادنی تو لفظک تا می تمام اوله غده حاصل اوله ن  
 تمام مرادنی الی و او دن متا فو واقع اوله شد و باسی **زکی** اوله سبزه  
 کز کز کل کل کب اوله جا ک چاک در د لید هر از بر د لید هلاک

x

x

کرم ادنی آن قلب و کل مرادنی و در دخیفنگ لوفنی استفاظ  
 و در دمرادنی و اید نرا رمدلولی عین تا لغزند حاصل دایع لفظن  
 مرادنی کی مراد او لغند رو با سم **فوالی** ویر موی جان یار کولکن  
 دو ندکی کسلی ایلدی جهدا ید و دو ن کولکن تا اولیجی قومدی جهدا  
 لفظنگ با کدی و ن مرادنی دی لفظند تبدیله حاصل جدید لفظنگ  
 مرادنی فو تا مرادنی الی اید تا لیت اولیجی و با سم **اسمعیل** افتابیم  
 کوسر و ب ریح کبر و کند و فاجون با دزلن کا باوس کا با بر ساجسون  
 یح افتاب ن الف و کند و ن رفی سین و با د لفظنگ و الی استفاظید  
 باقی فلان با لفظنگ مرادنی مع و کبر و آل انبات اولیجی اید با دمرادنی  
 بل آزاد اولیجی و با سم **الیاس** قامت رخسار کبر و با عید خورشید  
 سر و بی با هم اید تا کند و سین اس حاتم کس و بی با دن سر مرادنی اولیجی  
 و کند و تا هم اید ن را اس لفظ و ن را لیس تا مرادنی الی ی تبدیل  
 اراد اولیجی و با سم **حامد** اولور و لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد  
 مکی لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد  
 لفظنگ ملاحظ سن سنلرم در و با سم **شهاب** ذ **شهاب** کچمه اولوب  
 شنگ فیلد تر آ ما بی حد هلا لدر ای یار و مرادنی دون هلال مشهلی  
 نون ما بی حد عبارته تبدیل لفظنگ دو ما بجد حاصل اولوب  
 بر کرم ما مرادنی شهاب لفظنگ راس استفاظ و بر ذی شهاب اسمند  
 ما لفظنگ با استفاظید ما مرادنی آبه و شهاب اسمند ما مدلولی

لا ملک

استفاظید و اولیجی و با سم **اسمعیل** افتابیم  
 کوسر و ب ریح کبر و کند و فاجون با دزلن کا باوس کا با بر ساجسون  
 یح افتاب ن الف و کند و ن رفی سین و با د لفظنگ و الی استفاظید  
 باقی فلان با لفظنگ مرادنی مع و کبر و آل انبات اولیجی اید با دمرادنی  
 بل آزاد اولیجی و با سم **الیاس** قامت رخسار کبر و با عید خورشید  
 سر و بی با هم اید تا کند و سین اس حاتم کس و بی با دن سر مرادنی اولیجی  
 و کند و تا هم اید ن را اس لفظ و ن را لیس تا مرادنی الی ی تبدیل  
 اراد اولیجی و با سم **حامد** اولور و لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد  
 مکی لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد لاد  
 لفظنگ ملاحظ سن سنلرم در و با سم **شهاب** ذ **شهاب** کچمه اولوب  
 شنگ فیلد تر آ ما بی حد هلا لدر ای یار و مرادنی دون هلال مشهلی  
 نون ما بی حد عبارته تبدیل لفظنگ دو ما بجد حاصل اولوب  
 بر کرم ما مرادنی شهاب لفظنگ راس استفاظ و بر ذی شهاب اسمند  
 ما لفظنگ با استفاظید ما مرادنی آبه و شهاب اسمند ما مدلولی



داخل اولمشد و با اسم **بروین** مجتم کوز، دیر دگ بزد، انجم هر دم و هر آن  
 دید یک یکی آن الکرذنه او کسبید بزد، در مان، دید یکر تخلیله الکرتر ادینا  
 بر و بندن، یکی ای مشهور حرف نون بعد مدلولی را به تبدیل اولمشد و با اسم  
**و صدیق** مندرزد، کرج بوله می و لربا لک شکران، بیسری کواستر مز یوزن چایند  
 انک دقتی، جان مرادنی روح، دقتی لفظیه تألیف اولنوب روح لفظی  
 حرف راسن و دقتی لفظی یوز مدلولی تا فن کواستر تک اراد، اولمشد و با اسم  
**لعنوب** سنده جان بر بوسه یوز جان و لرسه غم دکل، برینه باج صد  
 استر عادت اولمش بکو کل، باج لفظی تخلیل اولما غدیج لفظیه صد مدویا  
 حرف تا تا لیت و بو لفظی قلب اولمشد و با اسم **ستور** ایدینوب استا نوکا  
 تا من، دوشش ادم او بابد، یذبن، با برادنی در لفظه شش  
 مرادنی ست و شش مدلولی حرف واو داخل اولمشد و با اسم **دود**  
 عاشق بیچاره، بجز دود، ام بولمق ندر، نیجه اولور چاره، ناچار اولمق اولمق ندر  
 چاره، ناچار اولمق دال و الله اولمق در و ناچار اولمق چاره، لفظندن  
 لفظ چاره استعاطا اولمقدد و با اسم **تایلی** بلسه در دم اولور اول اهل خرد  
 کائید بر ما هی تربیت بی حد، تربیت لفظی تخلیله تر لفظندن ماهه رقی را  
 برونی الف تبدیل و بیت لفظک تا می استعاطا اولمشد و با اسم **همایون**  
 بر زلفک تا سن جامه یوکسکه، او و دیو، بیسری وارینه سن الی و آر در  
 ای هلال آبرو، ما لفظ حاصل و بر لفظک با میس و السن حرف واو تا لیت  
 و ابرو مشهور حرف نون حاصل اولمشد و با اسم **فریدون** دهرله دهرسک

نیجه

نیجه در وسعت میدان دل ای رفتی ز خند، شش سو یعنی دل نه نوشته بل  
 بر خند، لفظک اوج فرو، تخلیله ای لفظک الی فر لفظیه تبدیل و سخن لفظیه  
 شش حرفی واو داخل و خاصی دل کوششی و الیه تبدیل اولمشد و با اسم **روغنی**  
 کور جهانک حوکنی غرابه ای داناندر، سو بکو کواستر دوی بوزقل تصور یا ندر  
 جهانک لولن تخمیل اولنوب هر جا بنجد، یوز دن مراد اولمشد، مرادنی رو و آفریند  
 حرف تا تا اولوب سما یا طاهر در و با اسم **شاه** لا تا بیت معینن الکر کوشه کل  
 عینیه رو آبی شودن بری جالمق، شوا تخلیله الی لکن یا نه نقل اولمشد  
 و لیکن کوصول اسم عدد ای حال معنی بیدن بعضه موقوف اولانه کپو معانی  
 با اسم **صابر** طلب اندوکنن اللرجبر لرله، بولو بدر دلشسته صبر لرله  
 با می مگور صبر لفظی لرله عبارتیه تا لیت لفظک صا دفتو صبر لرله اولمه دن  
 مراد اول بر مدلول حرف الف و تا تا بر لفظیه تألیف اولمشد و با اسم **احمد**  
 که با یم عاقبت ما جان دکر، در ددل چون است و با یان دکر  
 در د مرادنی الم لفظک لای مست لفظی منت مدلولی جا به تبدیل و مرادنی  
 اونی و لفظک الی استعاطا اولمشد و با اسم **علی** ایانک الما دین بود هر  
 شری، کوز باه الی کور ای شه با می دهری، کوز چین در و شه لفظی با می دهری  
 الما غده حاصل اولانه شمردن لام و باقی ملائنه لفظندن حرف یا اراد  
 اولمشد و با اسم **فیضی** بیان شرا بطه نقل صحیح کرک در فرایض د  
 غایت صریح، زا بیض تخلیله حرف تا بیض لفظیه تألیف و ده لفظک با می  
 تغیر اولما غده حاصل و لفظندن حرف یا اراد، اولمشد و با اسم **محمدی**

۸

جماکی نوری آید اول بوزی کوننا منور ایلمشدر مجلس دون مجلس کلیلی  
 و سکی ترکیبی مدیج لفظک لایم دون مرادنی دی لفظه تبدیل اولمشدر و باسم  
**امایسه** کور و بی باغ رخت بر بوی نتر کولکل شفق لول الماسه او زلر  
 الماسه اوزلر تغییر ندان و اسطره خلیله ال لفظی مدلولی لایم لفظه تبدیل  
 و فی لفظیه تا بنف ار آد اولمشدر و باسم **فسر** برون از باغ قرمز راز بوش  
 جدا از سوز چون اندر دوش کوشن خلیله حاصل و فی شین است  
 لفظیه ترکیب اولدو قد شکر الف اسقاطیه حاصل اولان شت مدلولی  
 سین فو لفظه داخل اولمشدر و باسم **عمر** کند رنگ در دی روزی مکره  
 بتمش کولکلی و بر شش بر نه بتمش لفظک سیم مفوضه کی محله ذانتقال  
 و مد زقی را ایلد اتقالند شکر باقی قلان بتمش لفظه ذوقین حاصل  
 اولمشدر و باسم **فکری** ترک اید بلسک کله کوه ای عشق دلبری در دود غدن  
 ای کولکل کورسک سکی کله نری کورسک سکی نکران اولدو کورسک تخلیل  
 و سکن ترکیبیه حرف فاجحیل و تا بنیاسک لفظه ذوقین مفوضه اسقاط  
 و حاصل اولان فو کاف ری لفظیه باینا و لفظه حرف یا اسطره واقع  
 اولمشدر و باسم **تمی** بر اثره جاده لریسک کله اطلس کله و بی با  
 سر اسطره شش کله چون ناسه در لوجه لری جانا سراسر تخلیل و ستر  
 خوش ترکیبیه سرفوش مرادنی سکران لفظک راسی سین مفوضه  
 تبدیل اولوب حاصل اولان سکران دن حرف فاجحیل و اوج در لوی  
 ناقصیندن اولو حرف تا و ثانی یا مرادنی توسس رقمی حاوی تا

x

و ثانی حرف با ار آد اولمشدر و باسم **غیابی** جانما رخ عذرا که سنگ  
 اولمعه واقع کوردن کبی بی سیر و بانوک د لایق ذک لفظک  
 بی لفظه تبدیل اولما غده حاصل اولان بیگ لفظه ذوقین مدلولی غین آد  
 و بن و با سکی لفظه بیگ اولی اسقاط اولمشدر و باسم **سپین**  
 رنجیک کرد آبه هر دم ی نظار دوشنبه بیچاره دل ایتمز اعتبار  
 دوشنبه لفظی اوج فو و کلین و شین سکه غیر غایب اعتبار اولما غده  
 بیچاره خلیله حاصل بی لفظک با سیه لفظه تبدیل و دل لفظی چاره  
 اعتبار غده و کندن حرف و الیک اسقاطی ار آد اولمشدر  
**اسم غده** ک صرحیاد کرمه بعضی تقریبا حصوله جامع در بو معالیه باسم **قائم**  
 اولمشدر اختیار و لبر اشکر حاصل اول کل نورسته و اوج بوز کور و اولمشدر  
 بوز لفظی اجدد لفظی کور و بوز ذوقین عاف ار آد اولوب و اجدد س  
 تخلیل اولما غده مد لفظک سیمی مفوضه سی الف مدودیه تبدیل اولوب  
 حاصل اولان آد لفظه ذوقین اسم ار آد اولمشدر و باسم **ایان**  
 ای روزی هرگز اچنگ دکله ریز بول عیجز کرد بر کله جو بوز و اول  
 بردن الف و بر تصفیه و نخی واردر اول تغییر لفظه الف اولمشدر  
**اعمال حسب بینک** ایچ قتمی اسوب و فی در که عبارت در بر و ف  
 اش رتله اسم غده موضوعی ار آد اولمعه ذوقین کله بو معالیه باسم **احمد**  
 کامل العقل فی بدایه ما بری النقص فی نهایته لفظ ما نهایی واقع  
 اولان الف مدلولی احد لفظه داخل اولدو قد شکر الف نقصان



اشارت او نمند و با اسم **صبر** تا و عشقه دیگر باشد عقل یا رسه  
 با او در روز قیوم در بود کاری و آرسه بود هر دو آن آخر لفظند  
 الف مدلول بر لفظ تبدیل و یاس اوزر ن فعل او نمند و با اسم **ایدری**  
 هر دو بر معنی کیم اول بوزن کوهتر خوش طوب اول جانبی زلفی اوزرند  
 کوهتر جانبی زلفی که آن لفظ در زلف جانبی حرف زاعده  
 بدین معنی که او نمند و با اسم **جمدی** سبل ولدین مضطرب زلف نظاری  
 کورچک آفتابک و دندی یوزس روسی باری کورچک زلف مستحکم  
 تحصیل و آفتاب هر دو بی یوزس یا عدوس در غلب و یای بار  
 تحصیل او نمند و با اسم **کیوان** غم نیز هرگز موزس آتش اوله منبر  
 طو تر بود تا عشقه بجز آنک و یا آنک و لی جبارتی اوج و ک  
 تکرار اولوب اول الف مدلولی یک لفظی معنی و مانیا آن هر دو  
 او لفظک مقبولی و مانیا آنک لفظیکین اراد او نمند و طایر در  
 که در اشارت صریحا اولوب بعضی تصرف رسید اوله نه که بو  
 معاد با اسم **عیس** خاک پایت کز الم باشد چشم هر دو  
 دیدم خواهد نگاه از آن الم صدورش دیدم هر دو غنی الم دن  
 اسم استیکله با یوبوب و باقی فلان حرف لام و ن سی اراد او نمند  
**اسلوب حرفی و اسلوب اسمی** جامع در بو معانی با اسم **جانب**  
 کم او بار دیگر بود معنی اوله لاردن ای موزی بن او مردم اول  
 بکلل یاردن جور کیمی و یک حرفی الف و یا لفظک عدوی

x

x

بر

بر تحصیل او نمند و با اسم **روح** روز وصلش بس که او چون نمایند  
 می نماید ما نش که کما بهمان می شود روز او می و ن ز ا و ن منت  
 هر دو اولوب و مانس تکرار و تحلیفدن و اضا فاسی ما نش لفظه تبدی  
 حکم کبر و نهان اولد و خندن فاسی استساوا اولوب باقی فلان منت دن  
 حرف حال اراد او نمند **اعمال حس** **ایدن قسم** **لث اسلوب حس** **ایدن**  
 خار تد بر عدد و معینک او صانی ذکر بید ذهنک اول عدد  
 اشغال ایدر ب موضوعی اولان لفظ اراد او لفظدن نه که بو معاد با اسم  
**یونس** و لایچون دیزدک بند و رعم جو بسند ایدی بشن او ن کون اقدم  
 با بس تحفیدن بشن کر او ن که نو ندر کون رقم سین او ز ن لفظیم او نمند  
 و بو قبیلدن اولمق مناسب در بعضی الفاظک اعد او و ن جمعدن حاصل  
 اولان عدد و معین دلالت اتمه و ک حرف و الفاظ اراد او اولوب و هر  
 و نیک عدد و تقویت و ثلثت و تقویت و تقشیر و یا بر مقدار  
 ترائق یا عدد او اید جمله اولما غده حاصل اولان عدد معینک و آن  
 اولدغی حرف یا اسم عدد اراد او اولمق نه که بو معانی با اسم **علیمی**  
 بره نایشه عدد و صنف کم یا بنیه فالر عجیب جیدسته موزی تقدین الم  
 عجیب لفظدن جب افواج اولما غده لفظ علم قلوب و افواج اولن لفظک  
 تقدی اون در و با اسم **احمد** و بنا تر اجه باشد در سر انجام جو بود  
 صاف باد حاصل از جام با ده ناصان و ن ا ح و ج اعداد  
 و حرف جام دن مد حاصل اولور و با اسم **نوح** اجنبیک یوز

x

یکند از اجزای غیر همان اجزای صایه او جان بر وزن یوزن ایله نهان  
 اجنب لفظک اعداد و حرفی شمار ندن نو و روح یار و دن ح حاصل اولور  
 و باسم ضیا رموزی غشک و دوشد و کاشوقه بولما بر صاید و کد و وقت  
 و دقه لفظک اعداد و حرفی حسابندن لفظ ضیا حاصل اولور **حصول**  
**اوصافی ذکر و اعداد و حرفی جمع** پسند اولد و غنی جامع در بومعا باسم **تاسم**  
 طعن ایله بوبوقبه دینیر بوزن اتنی بولما نابر و یوب ایکی اشدری حاصل ایلی نو  
 وی حاصلک اوجه و ک تکرار ندن اولما هر دن امسک اعداد و حرفی ندن  
 تا و ثانی مراد فیها فوی و ون اعداد و حرفی ندن سس و ثالث لفظ وی  
 اعداد و حرفی ندن حاصل اون در و ندن اون کرم ورت اراد اولما لفظ  
 م حاصل اولمدر **بعض و و فک** اعداد و تصنیف و تثبیت و تصنیف  
 و تزیینه مثال بومعا لرور باسم **میزر** رموزیدن رقیب زشت بیکر  
 کرد و یاری نهان ایچک اشترکات عدوی بکرمی دن هر لفظه و حوله  
 نصین نهان ایتمک حرف یا حاصل اولور و باسم **ادهم** اولدی بولما  
 درینا آتش کوز آن دل کندی در دکن زاریدن فامدی نلثان دل  
 در و هر دن ایلم لفظندن لاک نلثان نلثان نلثان و تا لور و باسم  
**اسما عیل** اولدی در و دل مضاعف و لبراهمه و ک اولالی کولکل مستلک  
 و در هر ادنی الم و ن لام تصنیف اولما غده کین تبدیل و مهر مرادنی  
 عینه قلب کی تا لینا اولمدر و باسم **عثمان** کسر و راجع ساک  
 و ایلم ناصر و یا و اوللا و شنگ تصنیف تبسید مدآم ایتر اوللا

جوان

دشمن هر ادنی عدوی تصنیف اولما غده ثمان لفظه تبدیل و او استقامت  
 اولمدر و باسم **لامعی** خرد اولسون اهل خیر کیم خدا دیدی بولور  
 هر بریه اون جزا بولور و فک هر بری بریه اون بولور جمیم لامه و ز  
 عینه و الف یا یا تبدیل اولور و باسم **سفر** بوق مجالی دیکمه در قدر چه  
 و آن بلدر بیدر لیک ای مدینه مقدارن مده مرادنی قر فافندن  
 بیچک عدوی مقدار س عدو میحه انضامد فاف کین و میچم فایه تبدیل  
 اولور و باسم **علی** لکد کوب بلا عشق اولمندن کدا و صحن که کدی حد  
 در و دوش با یک المشدک و لا باشدن بیچد لفظی در مرادنی  
 فی لفظه و حوله حاصل اولان فکی لفظک فاسندن باسی مقدار س  
 عدد کاف عددی ضم اولما غده فاعینه و کاف لامه تبدیل اولور  
**و جایز در** که مجموع اعدادی اراد اولان کل لمرک حصولی اعمال  
 متقی بیدن بعضی موقوف اولانند که بومعا و باسم **شعبان**  
 بخند زلفنی کورمک زمان دیر ایسک صای ایکی کچی کور آینه  
 ایکی کچر ادنی لیل ایله شب لفظی بیک مجموع و حرفی اعداد ندن حاصل  
 شعب لفظی آن لفظیه تا یف اولمدر و **بو قسم** **بقسام** **اسمی** بوجامع  
 بومعا لر باسم **عثمان** در و و غصک جمع ایله دل کلمسون غم هیچ کس  
 چون غمت حاصلن جمع ایتمک بریند پس لفظ غمت تحلیله تصنیف  
 غین و نیت و و فک جمک اعداد ندن و حرفی حاصل و برید بولما  
 الف بن مرادنی من لفظه داخل اولمدر و باسم **تاسم**

من که است عشق از جام تو نماند جانم شد فدای نام تو  
 جامت لفظتک مجموع اعداد و وزن حاصل صد لفظتک حرف ق  
 و نام در آن بر او بی اسم اراد او نمشد و با **بسم سیدی**  
 و بر او خورشید آید آنکس که بگوید او را ز باد طرد و کینه ببرد  
 و بر او خورشید رقی پسین آید اعداد و وزن جمال جمعی عدد تالیف و او این  
 لفظ حرف و باید و اول او نمشد و **بسم سیدی** جامع اسم و احصای عدد  
 اولت جایز در **بسم صبری** آنکه کیم هر کوزه در معنید بر کویا جل  
 طایم چون انگلی استرین شماره اس دل لفظ طایم شماره اعداد  
 و وزن حاصل طایم بر لفظ حاصل او بود طایم لفظتک  
 مدلولی صا و بر لفظ تالیف و ای قلب او نمشد و **بسم سیدی**  
**احصای عدد** بومعنی **بسم میر** بوز و خند او نموند  
 اثر هم لفظتک در کون بوزند اول همک بر شب نموند و در اول  
 مد آمدنی قرمانند کون رقی پسین عددی و میمند شب  
 لام عددی استفاظ او نمشد **اعمال صابنیک در نجی انحصار دید**  
 که چهار عدد بر شش ذکر آید بر عدد و است آمدن که اول شش اول  
 عدد و انحصار منهور و عود اول مواید که او چه و خصا  
 و در صلا آن مفروضه جنبه جهات سه طایق سموات بدیه  
 او آب پشت بسته منهور است او را یکبیه ایام منهور او بوز  
 و ایام بسته او بوز التمث منحصرا و لغی کسی و علی هذا القباست

بومعنی **بسم سهراب** کینه دنیا به کوه کیدی و بر می صابور کم شمار  
 جمع مولود که کوکل باری بوز شماره مواید و نسه و با رتبه و نمند و **بسم سیدی**  
 ابر بر سر نمندی بوزن آب و ترش بود خاک عاقبت جمع خصا صر بولیس لفظتک  
 جمع خصا صر ن مراد اول آن جار لفظتک انگاک آفری کانی داخل او نمشد و **بسم سیدی**  
**ادهم** استرین سن ایما که هر دو بنای نون آید بر عدد کوزه و ما شکو  
 بر مدلول الف حاصل و دم لفظتک او مات صوت و ن مراد اول آن پیش  
 مدلول حرف با داخل او نمشد و **بسم و با** در عدد که دکلمه بر جهند  
 خسرو آ و در جزایک جهات چند بلذری بکجا چند جهات ن مراد  
 اول بسته مدلول او و بکار مراد فی یا اید تالیف او نمشد و **بسم سیدی**  
 ایدر رنگ بشکوه اتفاق با سوا نیک هم او جی هم طایق **سموات** بی  
 پسین عدد و طایقه تالیف او نمشد و **بسم آیدین** این شنگ  
 بر انجم اشک امیش برین روشن بن نهی ضد م کونی بسیار لوله بر امیش  
 کوک مراد فی آسمان مابین الطرفين استفاظتک صکر سترات عددی  
 بدی لفظی داخل او نمشد و **بسم سیدی** فایه چشم آید و بر میدی نیکت  
 لا تقبل اول همک یا نمندی دل یا داواید کمر کوکل مهند عدد ایامی  
 سی حاصل و یا د لفظی الف استفاظتک قلب او نمشد و **بسم انجان**  
 جهان با خند بر قد یوق دیر اسک نخلد نایع بکار هر طوطی کور نوز او موس  
 نخلد ن بال لفظتک م کبی نخلد ن بال اعبار سی و خنی نکر او ما نخلد  
 اولکی نه دن مراد فی ای حاصل و نه نای نخلد ن بال اعبار ننگ

بره انصاف مدخله نه مدلولی لایم بالاشبهی التبدیل و تخلف بالآ  
 عبا رنگ بختی و فون کھیلنه و سید واقع اولمشد و باسم عبیدی  
 مثل انواعی بین اقلیمی و نه جمعا رقیب ملتین بلزمتان کورمیش قطعا  
 انواع مثل پیش ایکی اولما غدی حاصل اولوب جمع اقلیمیدی و **وجاع**  
**اختصاصی و احتیاطی** بو معنی باسم **هانت** روزی شب ایدن نیم دلدر  
 هر شبیم اولدله بربلدر اولمیش قلب ایا م سال و جوز التمش اولما غده  
 اوچ کربا یوز التمش مدلولی تن حاصل اولمشد و **بو معنی** وخی **بسم سمان**  
 نولاشته کردونی عدلی خاندان قانانده زمانده ابواب بران  
 کردن و عدل تحلیل لری ایله دون و وفک عدتن حاصل و فون کسین ایله  
 لفظ یا تالیف اولمشد و ابواب بران عدوس مدلولی فونرا  
 زمانه لفظدن استعاط اولمشد **احمال صابنک بختی اسوب رقی در**  
 که عبارتد بر عدد ک شغل رقی سنه اش رت ایله عدد مذکورک اسمی و  
 باوین اراد اولمندن نه ک بو معنی و باسم **دود** ان چلک و لردم  
 جاس سوزن بدنده بولدم بن داغ الغدن بدنه بن استعاط و  
 داغ الغدن که اون رقی شلکا ورد لفظی اراد اولمشد و باسم **فریدون**  
 و روی حدر تمدن اولد فریاد اسم ابلدن داغ و الغده بن سر کشته رقی  
 ز یاد کھیلندن حاصل و داغ والن فون باه وال و بن لفظک  
 باسمی رقم اولما غده دو لفظه تبدیل اولمشد و باسم **تالی** ک شد چند  
 دل سر کشته یها فلک ناک ک شد سر کشته و بر لفظ تا حاصل و در

لفظک

لفظک و اوس رقی قلب اولما غده ایکی رقمه تبدیل اولور و **بو قبیلن** و  
 بعضی و وفک رقی عد و نه انبات و محو از داید و انتفاص انتقال  
 صو اید حاصل اولان رقم مدلولی و فون اراد اولمیش نه ک بو معنی و  
 باسم **خسه** و یگوز و لم التمش الکاکار دل خور او زره هر دم بر  
 شر و وار دل خور او زره تکرار ندن لفظ خورون و او او زره واقع  
 اولد قد نظر دلنگ یعنی و اونک رقی او زره بر صو تصور ایله سین  
 تبدیل اولور و باسم **نسی** کوریدر وار سیه بر ذره چه مودک بر کتر  
 کلوب بجد هوادارک دسر هر سیه بر ذره هوادار لفظندن را  
 استعاطن نظر باقی و وفک ار قانمن بر صو تصور ایله عمل الترتیب  
 و فون اسم مقصود حاصل اولور و باسم **نغمی** عندلیبا در اولور  
 عاقبت لک انجب داغدن خاتون سگ بر برک اولمز غیب  
 عندلیب مرادنی هزارک راسی در مرادنی و الفظه تبدیله حاصل  
 اولان هزاره لفظک و وفک ار قاننده بر صو احداث  
 اولمشد و باسم **جیشی** جمع اولوب و خسته لرای ایشک رنگ فلک  
 صورت خالی ایدر عرض حالایک بیک حال لفظی و وفندن جاده  
 بر نقطه و سایر بیک ار قاننده بر صو تصور اولمشد و باسم **شیر کبر**  
 چشمک خال کجی کوکل کورنیلدی لاک باکن نظر نظر خود بر ابلدی  
 و فون لاک باک ار قاننده بر نقطه اراد اولمشد و باسم **زینتی**  
 لاکه بخود بد سلوک را ما کونید کیت خا از بیک لم در را با جالی خوی

X

رأی ما عیار رنگ را بسند بر لفظ و باقی و در آن ماند بر رخصت یا بود  
 اولش در و با اسم **زین** ای رموز چون دکل بر سیرت بی ریک سخن  
 دیدی را عشق ریخت تا غم اهل سخن تو جوی اسم سابقه گویی در  
 و با اسم **روح** مردم او را که هم گفتند از دوزخ نشانی او نمی بود  
 از کسود هر یکی داعی همان از کسود جارتدن از لفظ استعاطف نضار  
 باقی فلان و دو تک ز اسنگ لفظ ظاهر می و پس و فارقم لرنیک  
 صورتی حذف اولش در و با اسم **خلیل** و لا حجاب تیزی بولفت  
 کا و لور بخش انرا انما جنت و جحاک درت و فذت لفظک  
 لفظی معادسی لفظ لرخش اولوب لفظ حاو سید تصحیف و ما عدا اولی لفظ  
 تبدیل واقع اولش در و با اسم **بزرگ** لا قوم و کرم در خانه سی  
 طایر بانگ دو کس دانسی باغ لفظک طایره که غنچه در رنگ  
 لفظ لری استعاطف بر رقی باقی قاور و با اسم **علی** خالکین تارای چون اگر  
 کو هر درن اختیار اید **سرمه** واران کو هر عشق هر سر بر کوه فاکلید  
 عشق لفظ لفظ نه بد و در سبب و قاف و قلمندن بر لفظ نقص  
 اولش خدایا لفظه تبدیل اولور و با اسم **جیب** سول کوزل آشفته سی  
 کیم انمان اولیه **کلی** هر عضو ند کبر بر نظر قان اولیه با تان کوزل  
 آشفته سی رنگ لفظک ز اسندن لفظ ظاهر و لاسم و کاف  
 رقلندن صورتی محو اولما غده و وف اسم معصود حاصل اولور و با اسم  
**حاجی** قمرل مانیده ایدلن بلون بلجک دل طر فانی هر برندن

x

بیع

بیع لفظ معکوس شدن و ف جیک لفظ ظاهر می و باقی و در آن ماند  
 بر رخصت یا بود اولش در و با اسم **سیدی**  
 و **سینی** اول مهک رفسانه بر بجه کیم فقدم نظر کور مردم بر ذره  
 آید مهر و شفقندن انرا سید انمند انند لفظک کشنده بر ذره  
 کور ممکن جمیع لفظک محوی ارا و و قرو و کبر و فر لفظک بیع  
 قافریک رقلندن بر لفظ ازاله اولش در و **سینی** انمند و ف سبب  
 و یا لرا سید به مذکور او زره تحصیل اولوب و وف قافریک فاندن  
 بر لفظ استعاطف حاصل اولش در و با اسم **عزیمی** ما و به و ف لفظک  
 از می بو او زرنده **کلی** زرون هر بری جید میل انرا **از می**  
 لفظه کا زار قنده بر صورت تصور بد عینه تبدیل و را و لفظ انباشته  
 تصحیف اولش در و با اسم **عمر** کوروی بر کندن رموزی بیجیک  
 در و دالم غدر و کز لرسه کو کلی ایسن آنی زقم غدر لفظه کا  
 غنک لفظی ازاله و لفظ ایلد و ف و الک رفته انضام اولما غده  
 و ف هم حاصل اولش در و با اسم **مذکور** چشمک استرسک اول  
 ایینه کیتی نما اینتر خاکندن ان بر ذره **قیل** تو تیا اینتر  
 تحسین اولما غده هر لفظ سبب ال دیوزان معکودیه خطاب  
 اولش در لفظ مذکور رفته معنی اولسی ارا و اولش در و با اسم  
 مجلس ایینه اومه اول و کلوا بر لفظ کور تا جن دم اولور و ذریه  
 ایشار اید و دم مرادنی خون لفظک لفظ خاصی رفته و او نه

الشفاف از او اولمشد و با اسم **علی** سرشک جنگی نقصان و آرویی  
 غلا و تن در همی با با و آرویی سخن غلا ننگ لفظ من الغنگ رفته  
 ضم اولمشد و با اسم **قدری** و هانک غلام مدورفت **سیا** و **دیز** و **م**  
 رشته جان بن اینا تر لفظنگ می رفتک صوتی الف رفته نقل اولمشد  
**و سلبه** اسمی در قتی جامع در بومقی لهما اسم **عشما** زنده از او وی رقم  
 اوله بر صوتی ستر که با زار بر اینی اوزر **آ** غار غل زنده لفظنگ  
 ارتقام و فند بر صوتی از و یا دید لفظ غممن حاصل اولوب و نون  
 اوزر الف از و با و نه مواع نمایند اشارت واقع در و با اسم **ادریسی**  
 که تا غیر ایلد و کندن و خانی **آهنگ** که در نور هر دم و بر در لورجی اول ساهنگ  
 بر در لورجی اول ساهنگ در لفظیة **تالیف** و تا نیا بر رفته  
 صر ضم و ریح ما تغییر لیه و خا سینه حاصل اولمشد و با اسم **قدری**  
 سر ذکر باشد اندر مجلس **ی** و هانت درفت نای می بیایی و هان می  
 و رفت لفظنگ **تکرار** نده ناولامه م اوقی قمر میمند ن لفظ و رقم از آنکه اولمشد  
 لفظ قدر و تا نیا میسنگ رفته ن از آنکه مصوابید و لفظی که با یی  
 و الد حاصل اولمشد و **سلبه** **احصایی** و **قیمی** جامع در بومقی با اسم **شعبان**  
 در و غنی ایدر دی نهم همانا است بر در سن او مه و عیان **اسلوب**  
**احصایی** اوزر **م** مد لوی حرف لام رفته عیان ن بر لفظ نقل اولمشد  
 حرف سینه حاصل اولور **قسم** و **لی** **احصایی** **اسلوب** **سیا** **قند** که بر عدد میسنگ  
 بنقل سیا قند ن اول شکل موافق لفظ اراد او نمندن عبار تدر

x

ننگ

ننگ که بومقی لرد و با اسم **دو** **بسته** تعیین اندک هر سوم غم دن قولد  
 با زیساق بر لهما جانما جمله سنی و فتره جانما جمله سنی که الی پیش در و فتره  
 یا زیلان خط فاعده سی اوزر شکل سیا قی اسم مقصود موافق در و با اسم  
**بهار** **سی** عشاقی اول و بیلدی کم رقم اید **ی** لفظ بی باز وی سیا قند جدید  
 لفظ وی صیغی لفظی مختلفه ثابت این شکل حاسی سزا سیا قند تبدیل  
 اولوب لفظ با قید تحت سیا قند واقع اولما علیه اسم مقصود حاصل اولور **نظم**  
 بودراق **م** تحصیل بیای **ی** که شرح اندک علی التفصیل **ای**  
 قلم و صدانی ستر و در شدن **ی** زمان شرح تکمیلی ایر شدن  
**احتمال تکمیلی** که اسم صورت مشابه سندن اولان ترتیب حروف  
 استکماله وسیله در اوج قسمه مقسم اولمشد **قسم اول تالیف** که حروف  
 متوزنک اجتماعه واسطه واقع اولوب نوعیست **اولی** امتر اجیدر  
 که بعضی وقتک بعضیله مجاز و مداخله سندن **یکنجی** انصافی در که  
 بعضی حروف و کلنگ بعضیله فاعده است و مواضع سندن عبار **تدر تالیف**  
**امتر اجدی** **حون** واحدک و قینه یا دخی زیاد و به دخولنه مثال  
 بومقی لرد و با اسم **کلا** **سرن** زنده اول ای دل اوله نوبیدا فخر کان **ق**  
 کم بطور فوجی او سر وی رنده اوزر اید **حق** **کم** و رن لفظ نهر الف  
 و حوال ایشد و با اسم **لی** **معنی** زسی وار اوله عاشقک ای بار **امل** و **لد**  
 مهری جدید وار **امل** تکلیفید الف مل مقولنه داخل و مهر **آ** و **عین**  
 لفظنگ نوب اساطر اولمشد و با اسم **ابراهیم** **ایچک** بر نیکو کن دفع غم کون

متصل

ای یوزی نه تا و استرول بر چاره تمل ای یوزی ان در و باد و خلیلید  
 در مرقی را با لفظ داخل و لفظ می قلب اولمش در و باسم **افضل**  
 کل ای چند جور استین کل یا کور اول مای نضای و ولد اول  
 نضا خلیلید حرف ناقصوب ضایه داخل و ما مدلولی حرف ل حصولی  
 تا و نه اشراست اولمش در و باسم **حجت الدین** مهر و حجت تو ازین خاطر فرقی  
 رفتن بدتر حال و منم منجر بدین حرف با لفظ محاکمه داخل و لفظ وین ماید  
 نمایند اولمش در و باسم **باشم** باغ عدن و کونز کعبی کلور محضا بکام  
 کونزه بخانه و همایه ترا یک سابقا کونزه بخانه ما در و ترا یک شیشه سابقا  
 تحلیل اولوب و سابق قدم دن بو تا و اولمق اعتبارید ام لفظ تکلیفی  
 اوزر نه واقع اولمش در و باسم **جهادی** و لند توفه اولن لندر قوری زهدی  
 کمرک اکلک آید بکدل و لند جهادی یک حرف ان جهدی لفظه داخل اولمش در  
**بو شنگ** خوانیدن در کلینک بر روی بری بر نه داخل اولمق نه که  
 بو مقالمه و باسم **فایز** معذور اگر نذازند کردن در از نتوان  
 از در و بی نهایت با در میان با آن با و در و بلا حد مراد حرف تک  
 یا س باسی استعاطی پانندن مراد حرف از لفظه داخل اولمق از لفظ تک العنی  
 فی لفظه داخل اولمش در و باسم **کافی** نظیر استینه بود  
 کافی نشوید که و آن مشابه گفت آید نه مایه اظهار گفت کافی ای  
 لفظه داخل اولمق ای الفنگ کنه و خونن موجب در **و فینک و فینه**  
 و خولنه مثال بو مقالمه در و باسم **ادریس** هزار بیل او سزا و سینه

x

x

کلی

کلک کبری پنج طار طیه باری بر اوله در کبری بر الفح رو در و و خلیلید  
 دس لفظه زین لفظ داخل اولمش در و باسم **رسول** او نه و لندی خوش  
 رعایت ایدر و اول آن و لند بید حد سوز سور لفظک ای استعاطی  
 لفظه داخل اولمش در و باسم **نور** سرور انخل قد کن کونز ترا کنگ  
 و ارسه قد کنه سرور با نمتد اعتبار و آرا لفظک العنی استعاطی اولوب قد لفظه  
 داخل اولمش در و باسم **کریم** مهر فلک کنه غلامی بلکه قوجه اول مر غلامی  
 نه تمام دن آرا اولن آن ری لفظکم لفظه داخل اولمش در  
**حرف واحد ک و و فینک و فینه** و خونن جامع در بو مقالمه باسم  
**حج القیوم** هوا که مایل حرکت رشتان قبول کور به جاید ای همان دلینه و خونن  
 جاب تحلیلید ج لفظ اب مراد حرف ماید و دل تحلیلید و ال مکتور برین لفظه  
 داخل اولمش در **و فینک و فینه** و خولنه مثال بو مقالمه در و باسم **الکری**  
 موسم طدر اللدن و دشمنو نا صلا قح اید کور کولک بی ای کل زی با فتح  
 کل لفظک تطریحی و کل مراد حرف و در ک را می ای لفظه داخل اولمش در  
**و فینه بر طلمه** و خولنه مثال بو مقالمه در و باسم **سبز شاه** س و در و لمر  
 رطلن اید او ش به زش را که جایز اولور سه دو شنگ و زش ساد و کجا  
 زش ساد و تکرار نندن اولان زش لفظ س لفظه داخل اولمش در و باسم  
 حرف با آرا و اولمش در و باسم **زبوریم** بار سها در زید ک انداز و فینه  
 اش و عجون غم جردل روی در زس کور موی ای یوزی کون در زسی  
 تحلیل اولمش در لفظه قلب روی داخل اولمش در و باسم **سین**

کافی

اول حلق مبرهنه جان و بر نه بلا صا تو نا لور بار اول دیو او سا به دل  
 و بر نه بی دل فالور بار بار تکوید اول دیو او سا به دل و بر نه بی دل فالور  
 بار لفظی ما مدلولی بی لفظه داخل اولوب الی سناظ اولمشدر و باسم  
**الیاسی** خشمه قید و عیون و جدم خیار و دد خدمتی شوقید ایله ابدی  
 دل اسد اسد تحلیل اولما غدا ایله لفظی راس استعاطی ن صکره  
 اس لفظه داخل اولمشدر **میر عا شقا ن** پنجه کز ایله رسم خاکبای بار رجا  
 عجم چشم غلبه مده اند و آرج شفا خاکبای بار رجا رنگ او چه دک  
 تکر آرنه ن اولما بای مرادنی قدم و ثانی لفظ بای و ثانی با با  
 ترکیبک حرف اجزای سر و چشم دن عین اراد و شفا تصحیح آن لفظه  
 او داخل اولمشدر و باسم **اسحاق** مرغ و شنی و زینخ دید و کلک یا اهل کرم  
 و آینه افش تلق کرک صید آن اقدام بهم سخا لفظک لفظی ازاله  
 سند نفا را اقی لفظه و ضولنه اقدام تحلیلی و سید اولمشدر **ظرف اعتبار**  
**اوتان** کل او هر حرف اول تعیین مدخل ظروف قرینه اسم دل لکنه موقوف  
 اولور نه که بو معنی کرد باسم **نجومی** جان نشد دل آزد و تنگ از آن  
 کل حد که جو ر بجد اغیار و در نمی کنجد جو لفظ بعد استعاطی الی لفظک  
 نون و می میان داخل اولمشدر و باسم **الهامی** نقد جابه وصلن اقرار  
 امتش اول بیانی کسب ترک جان ایدوب کدر لر اول امید اهل دل  
 اهل لفظک قلبی ای لفظک الی و می مابینه داخل اولمشدر و باسم **دانیال**  
 و کل راضی جدا اوله اورادنی اولوب رنگ دک کو کل بو و نادنی

x

بو

یا هر حرفی این قبل زلف شهنه دال استمند الف و لام میانند داخل  
 اولمشدر و باسم **دانیال** اهل تدبیر ک طلامی و خ رشک ملک  
 یا ذیلان اوله اید رای صحیح او زر کرک اولوب لفظی تحلیلی دال لفظک  
 دال والی اور تا سنده الف و را حرفی داخل اولمشدر و باسم **زیاد**  
 بلبلان کز ای بدی این ناکه کرم دیدند در کلها و غا لفظ با کل کز ای  
 و د لفظک او دانی مابینه داخل و او حرفی قاید تبدیل اولمشدر  
 و باسم **شکر الله** مایه تمام هر شب بر شکر کرد و ک بو ای حد غک نظار  
 ایتمشدر این صید مایه تمام تکرار ندن اراد اولننا ن لفظ را  
 و حرفی لام شکل لفظک کات و لامی اور تا سنده داخل و غم  
 مرادنی هم لفظک می استعاطی اولمشدر و باسم **عیسی** **یالی**  
 عیب اولور سه ما فوجی تا اونجه اشک فوجی اندن ای کو کل حاضر صوک  
 او حی اعتذار عیب لفظک یا و بای میانند ما مدلولی سی داخل و تا  
 مرادنی الی حاصل اولمشدر و جابر در که بر لفظک حرفی اولوب موضعینه  
 داخل اولانند که بو معنی کرد باسم **سمعیل** دل آرزو سانی و وصل تو  
 شناید دل اهل بل در سعی باید سعی لفظک سی اهل لفظک  
 الف و می و عین و یاسی میم و لامی میانند داخل اولمشدر و باسم **رموزی**  
 ویرایک سجد اندک گو یکرده انظر ظاهر میان رو میز و روی  
 و اونگ هر جان بنه میم و بر جان بنه زا داخل اولمشدر و **ممکن** در که  
 داخل مدخل قرینه اسم و لکنه تعیین پذیر اوله نه که بو معنی و باسم

x حسرت

x





و با اسم **بغیوب** یا نگوید و در روز سوزا میسقبول نماید شتر فو کند  
 بولوز اول و در روز دوم فی الیم دن لایم اسفاطید باقی فلان  
 ام دن مراد فی یارا و و قول لفظک لایم اسفاطید نضکر قول  
 مراد فی غبلی و له داخل اولمشد و با اسم **حسن بانی** سنی زلفینه غایت  
 کورن و اول و برای دل کیدوب و در دندک اضی غیا و بستر زائل  
 زلف شتر لفظ و الیک لایم نه لفظه تبدیل به حاصل اولان و آن  
 مراد فی حب لفظه لفظ سن داخل اولوب و و اللفظندن و اسفاط  
 مصرع نمایند اثرت واقع و ای قلب اولمشد و فی با حاصل اولمشد  
 و با اسم **شیرازی** مهر و در زیدی رموزی شویز برای متصل هر که و ز ز  
 مهر بچید در خورش زاری دل مهر و فی خورشید دن دال اسفاط  
 و خور و ز تبدیل به حاصل در شی عبارتی قلب ز آری شی  
 لفظه داخل اولمانه و اسفاط اولمشد و با اسم **کاملی** هیچ اولای  
 نوزیز دانه محل بر کوکل کم اول اول جای اصل بر مراد فی یک  
 قلبه اصل داخل اولمشد و با اسم **زکریا** کشیه وصلت دلمر سینه  
 آیند اولور دی اول زری روزگار نمایند و ز تخلیندن حرف  
 ز حاصل روزگار که افرا و لفته به و فانی تک جو وینه تحلیل  
 اولما کرملیکه لفظندن رو واقع اولان حرف کاف اسمند ن اسفاط  
 دن صدک باقی فلان کا لفظه زری تحلیلند ن بعد اخذ التز باقی فلان  
 ری لفظ داخل اولمشد **حصول نظر و** مثال بو مقام لرد در با اسم **سحر**

ایلبوب کوی نغاس منزل قلدی دل جان بیایی دل و اولاندن  
 مراد قلب روح در وی دل قالماسی تکرار ندن اول  
 و او بیک اسفاط و فانی بی لفظه و خواصهور اولمشد و با اسم  
**نادری** دولت انگدر همان ای استانی سجد کانا کاستانک  
 کوش بسد اید تا بویک نایفا کوش استاندن نون حاصل و قاپو  
 مراد فی در ای لفظه داخل اولمشد و با اسم **فداری**  
 هر که چونکه مراد در ای دل نولاسه پارسه در دوزخ اول  
 در مراد فی دا و در مراد فی لفظه داخل و ای دل عبارتن  
 حرف با حاصل اولمشد **حصول نظر و** مثال بو مقام لرد با اسم  
**رموزی** که در لرا نئی هشتم رموزی اگر می باقیم در خط پیش روزی  
 روز لفظندن اراد اولمان نپوم رقی بهم کتایه خویش اید حاصل  
 و در ای لفظه داخل اولمشد و با اسم **حسن بانی** کوریک اول جان  
 جهانک رو بی ممکن دخل بیلد بر کله خزانندن بر دی ال کوکل  
 جان مراد فی روح دن لفظه رو اسفاط و بیل مراد فی سالد  
 خیر مراد فی بنا داخل و ای کوکل دن حرف با حاصل اولمشد و با اسم  
**قایل** جهانند هر دن در اوله بوید اول بی عاقبتد علی سید  
 دل مراد فی قلب بی باید مراد فی اخوید بال بی لام قلبی  
 داخل اولمشد و با اسم **مولانا رضایی** جای دل کتر اب لفظ  
 زانش پس جو غم تا ن بند آری کمن مهر توضیح کتر در نام

X

X

X

که هر آدی لوقب آب مالظنه داخل و آتش مرا و در قنار  
 حاصل و ضایع لفظک عینی یا به تبدیل او نشد **و طرف و نظرونک**  
 هر جا ذکر ابد بعضی تصرفات و واسطه سید حوسله جامع در بوقی باسم  
**نقی المدین** ترجمه ایدر موزی به غلبت این متحقق با وجود کما کذب  
 و بیس که باور دین اول مراد می بال بجهت در مرادنی تصحیف  
 و دین لفظه حرف یا داخل اولمش در **و طرف و نظرونک** واسطه ابد  
 حصولی قبلیه ندر اعتبار ظرفیت و مفروضت اعمال معالی و واسطه سید  
 بعضی ادا حصوله موقوف او استنجی که بوقی ما در باسم **سیدی**  
 جان من کربودت میل بر ما نمی رسم زما که دل خسته بود دست بس  
 دست بس عبارتند با بی مقصود در لفظه تبدیل اولنوب دست درسی  
 حصوله دست بر ادنی یدسی لفظه داخل اولمش در باسم **سعدی**  
 در دهرت ای بری رو مانع تشویش است و در دهرت اول کوشد  
 بجد به تشویش باست لفظ در دهرت می بسین و از مرادنی  
 عن و لفظ دل آفرین استقلبه حاصل درسی عد لفظک  
 لفظه دخول و سید اولمش در و باسم **قدری** زمان محنت  
 اولمایه با یا نه اول باقیه دور جو جانمان فی لفظه اوج دور  
 ملاحظه سندن فی دور دور دور تعبیری و و لفظک دور نه  
 یعنی آل و آسنه فی لفظی دور یعنی طرفین واقع او کما سنه و سید  
 دو شمشه و باسم **سنان** کور رسک زاغی ای بیل چمنه

قلام سر شکسته شده بند شده لفظک بسکی مکتور و بند تجلیه بن  
 مرادنی اما لفظک الفی استقلبه حاصل شده تا تعبیری یا لفظک  
 سن لفظه دخول و واسطه اولمش در و باسم **قلندر** روزی  
 عرض ایدر عتبه هر کجا **باب لعلند** قندک عکس اول ما **باب لعلند**  
 قند منومک عکس قند و لب لعل اداسی اولوب قند لفظه حرف  
 لأم داخل و ما در قن حرف را حاصل اولمش در و باسم **ابا بکر**  
 طویون سوسون و ما سیز خوبه در بدر اولق دیار اول اگر  
 در بدر لفظک باسی اگر لفظه تبدیله حاصل اولان در اگر در  
 عبارت در مرادنی با یک اگر لفظه دخول و سید اولمش در **بیکر**  
 که حصول اسم واسطه اولان امتزاج و سید سی اولاجی عبارت کرد  
 تالیف امتزاجی و سید سید حاصل اولان که بوقی ما در باسم **بدر**  
 شوکم او کما بخون نشسته بره را اینی او کما زا و لجه در بدر در  
 آفرید که در لفظه در ب لفظ داخل او کما غده و در بتر عبارت  
 حاصل اولوب دال اولانک بر لفظه دخول و سید اولمش در  
 اگر چه طریق آفریده استخواجه اسم بسر در لکن مقصود با تمیز  
 وجه شروح او زر حصوله در **تالیف اتصالی** که حروف و  
 کلماتک بر ایدر شمار نندن عبارت **تدر متارنته و ف مشال** بوقی ما در  
 باسم **علی** دیده حاصل ندر در دیده غده ن ترین اول هلا کل ای ل  
 المده ن مده مرادنی عین الم لفظک لای ترین و باقی غده ن

ام لفظ ن حرف یا حاصل اولش در با سبب **مذکور** بر سر دست بود کم  
 کنیم ای یک حرف خدازد به در خورشید جد و در دست اگا و جی و آرا  
 بر سر زنی اولش نه بر مردنی بک لفظک یایی و بر سر زنی اولش نه  
 مد مدلولی حرف لام و جد زنی اولش نه خورشید مردنی بک تالیف  
 اولش بجد اقدم و بر قدیم و بر سعادت اولش اعتبار یابد  
 یا دن لام و لامدن بک تالیف اولش در **حرف ک** تالیف  
 مثال بومعنی در با سبب **قطب** بزم بجزی بلور کند وی ای بک هر کس  
 یوز و کی گور مد در ایی مطلب یی دل بسن مد مردنی قر قافیه  
 لامی استاق طلب تالیف اولش در و با سبب **علی** غبار آه تو  
 زان آرزوی بند نشود که کر چشم الهی می رسد از آن برود  
 چشم مردنی بک تالیف اولش در و با سبب **ان** مفتوحه  
 استاق اولش در و با سبب **عمر** استانک قطع ایدوب نه بایه سن  
 او قاتله ابروی آسم استان دلبر مر قاتله بر مردنی علی  
 لفظی مکتوب بندن استان واقع اولان حرف عین مر لفظیه تالیف  
 اولش در و با سبب **علی** بر تبه ز یاد ایدوب دون در مردنی  
 ساقیا کون کچه بود در قاتی می کون مردنی عین و کچه رفتی ل  
 می لفظیه تالیف اولش در و با سبب **عشی** ایدوبین دین  
 راک و صفین بیان ماهرید مد شکل یا ز سون عیان  
 مردنی بک تالیف اولش در و با سبب

عبد الکرم

**عبد الکرم** و لوازرها که ما بشنید ایم بجز نهایت از دوزخ و بدایم  
 از مردنی عن لفظک نون حرف یا به بندیل و انکازن مشبهی اسم  
 و معنی وال ایم لفظیه تالیف اولش در و با سبب **معنوی** اصبا کر  
 بخدای از کوی ولد آرا مردنی بیاری پانده اجباریم معنوی و از  
 مردنی عن لفظک نون تالیف اولش در و با سبب **وشی** بودید با قدری  
 و لا حسرت او دی جان و نی اتمه دور آن حد کور و با او هوشدنی  
 مد زنی ر و و شش و ن لفظی تالیف اولش در و با سبب **منصور**  
 اولش در و با سبب **منصور** معنی کن من و ما بیلد یا را من و ما  
 مردنی ح و حرف را تالیف اولش در و با سبب **محب الدین** مردنی  
 چکرینی شارا بنگد بوسکین کرا تر سر او مپار اول اوجید دل و هم دنیا  
 مپار چار تندن حاصل میم دول او جندن حاصل جا و دل مردنی  
 بال و لفظی اتصال بولش در و **ووفین** اتصالیه حرف و احد  
 و کله واحد تالیف جامع در بومعنی با سبب **مصطفی** نیک کوز و کرس  
 صوتی اگر طلب در دینی نهای ایدوب نم مشبهی میم کوز شهنی صا و اید  
 و طلب تحبیل اولان غله طاه مفتوحه در دینی نهای مردنی لفظیه  
 تالیف اولش در **بعضی کل تک** بعضیه تالیف مثال بومعنی در با سبب  
**بسم** آسمان سا با بی بصلت کرد بر نوله کرم چون خداوند کرد بر  
 اول پای بود سوره ملک و لرا استحقاق اسمک معر این دن و خن خصوصاً  
 نکلن اولوب معراج ناید بجز مردنی میم بر لفظیه تالیف نکلن با یوز

**کشفی** سرکش اولی مکرنا باشد که کلمه نگیرد کور مدنی خالی و کلمه در  
 هر زمان سرکش کدر که در لفظ کس کشفی مکرار نماند اولاً کاتب  
 استعاط و ثانیاً باقی قلآن در هر آدنی بی لفظ کس سر واقع  
 اولی ای را در اولش در **اسحق** با کس بندک در متاع دهری  
 ز نهار استمه کر کید. اسباب جلدن هیچ مکرار استمه. اسباب حق  
 عبادت زن الف و بانگ مکرار سر اسقاط اولی غده باقی قلآن  
 اسحق تعیری واسطه تحلیل و با رسیدن تالیف و لبق اعتباری  
 این لفظی لفظ حق آید تالیف اولش در **وجع نسیم تالیف**  
 واقع اولش در بو مقامی با اسم **معنوی** اولدی نو مید ز حد نبو دل  
 غمیدید. مل نظیرین غماید شها نو مید. نو مید لفظی تجلید حرف عین  
 لفظ نواید اتصاله نکر می لفظه داخل اولش در **و با هم قطب الدین**  
 خونت نبق هو سید نیج لمر کتدی غلط ایردی سر منزله اول فند. دل و  
 دید. فقط. دل مر آدنی بال لفظ دی آید تالیف نکر فن  
 لفظه داخل و فقط تجلید نای موقوفه قط لفظه تبدیل اولش در **و با هم**  
**محب الدین** و نیز باز قدا شبو مستند. کور و بر دل بی دل بخند  
 و بر دل بی دل عبارتی دل مر آدنی لفظ بال و کامی مخدوف  
 لفظ دی اتصاله و سید اولوب و مضیق مذکورین سخن لفظه  
 داخل اولش در **و با هم مذکور** دل کور مد و چون زلف  
 دلا ویزنگ ای جان. آجدر ما دی کوز چشمه نیج اعلمیه قان.

x

تود می تقدیمی مستند در **و با هم تاج الدین** دل بجا نامد  
 در کر ویت جو بداند ز قتاب تا بجا کرد و در لم شوی قتاب اما قتاب  
 لفظ تا ج لفظه تالیف و لفظ دل قتاب تا بجا کرد و در لم شوی قتاب اما قتاب  
 حرف اول استعاط اولش در **و با هم تاج الدین** ز آموش ایلدی ذوقی  
 صفای کور و ب تا بر تمدن دل بلا بی تا نیز لفظک تاسی حاصل ولا  
 مرادنی نای لفظه متصل اولش در **و با هم مذکور** چونکه دل آید  
 منتقش در اول عذار ای صنم آید رنگ بهمان و یا خود آشکار  
 صنم آدنی و شنی ای لفظه تالیف نکر. و اوس استعاط و حرف با حاصل  
 اولش در **و با هم میر عاشقان** موزن عالم با و. مجب عالم و کلیدر  
 شرب آید جو ساز و در آید خوش دم و کلیدر شرب مر آدنی  
 و ساز لفظی مقلوب تالیف و دم مرادنی قان تحصیل اولش در  
**و جابز در** که رسید اتصال اولان عبارت حصول بعضی تصرفه  
 موقوف اولان که بو مقامی **و با هم ام ری** کام دل با صدق مجویم  
 چون آرمع و خویش **و با هم ام ری** عاقبت از لطف حق مقصود خوش  
 با هم لفظک می آری لفظه تبدیله حاصل اولان با بار بی عبارتی  
 با مرادنی ام و لفظی اتصاله و سید اولش در **و با هم جباری**  
 چایله اولدی دل غم ز لینه مشتری حکونی قوبله نای غم زلف دهر  
 غم می استعاط و دل مرادنی بال لفظک لامی بری لفظه تبدیل  
 اولوب حاصل با بری تحلیل با بیدری تالیف و سید اولش در **و با هم**

x

زین مشتمل بر حرف صمیم یعنی حاید دل مراد فی بآل اید اتصاله نکره  
 مدلفظ داخل و قسم مراد فی عینک عین استعاط اولمشدر و باسم  
**بخایه** بوجهان اولمزایه مزرعه اونی تا کشیده بند بوجان و  
 تنبلی عاقبتی **خایه** و تن لفظی بعد استعاط التوین اتصال بولوب  
 حاصل اولان جات لفظی لفظه داخل اولمشدر **شمد به دکن**  
 جامع فسمین و ایراد اولان نامشده بعد الاتصال مطوف واقع اولمشدر  
 طاف واقع اولدقله مثال بوقعا کرد باسم **قدری** جو مطاب  
 بر مدها از تروی سوزی قبایل در میان اترس رموزی  
 حرف قاف و یا اتصاله نکره حاصل فی لفظه لفظ در داخل  
 اولمشدر و باسم **و لجان** سوز و ن بولید از بزدی تم ای سر فراز  
 اولمشدی کرد و جامده در اول کد از کثر مراد فی لوقعی بای  
 جان اتصاله نکره حاصل و بی لفظه در مراد فی الم  
 لفظه ن لام استعاطه نکره باقی تعلق نام مراد فی یا داخل  
 اولمشدر **و طوق و مطوف** واقع اولیوب هر بر مستقل اولدقله  
 مثال بوقعا کرد باسم **میان بندن** اولمش اولد مکون عازم  
 که اولمزای بند یا لازم **بند** یا لازم تکرار بند اول  
 بن مراد فی من لفظه دخول یا و ثمانیا لفظ بند له حرف یا  
 اتصال بولکاسی اراد اولمشدر و باسم **خیوب**  
 کل عذارن بر آید و بکلدی لرسود **باب** ای رموزی سیر آید باغ

رخ یاری و **تاباغ** و یار تکلیله اید حرف عین حرف یا بلیه متصل  
 وری لفظه حرف تا داخل اولمشدر و باسم **منی** و **اکرم** قبل وار  
 ما و بن میخانه **با و** کتور در در ضم اولون ساقی **با و**  
 با و ادنی بل میه داخل و ضم مراد فی دن نوسیا با و لفظه  
 تبدیل اولما غده حاصل اولان و با و لفظه تک با و ال اول کت  
 لفظه اتصاله وسیده واقع اولمشدر و باسم **اسکندر** سندرک انجیا  
 بینة سز سولیدی انجیا **کیم** بزندان ایاسرور و آن سندرک در و آن  
 سرور و الف حاصل و سن لفظه کاف مقوصه داخل و  
 لفظه تالیف اولمشدر و **بو قفا و** ای یکا محله تالیف امتزاج  
 واقع اولوب نمایند حاصل اولان عمارت و سیده اتصال  
 اولضن جامع فسمین قبیلند عد اولمشدر باسم **بدر الدین**  
 شو و خسته کچین **سمنده** اولور دم دلده و روی اولسه بند  
 دل مراد فی باله در و بن لفظه وی داخل اولوب تد داخل  
 نمایند حاصل بدین عبارتندیک با وسیده تالیف واقع  
 اولمشدر **اعمال تکلیله** **قسم ثانی علی استعاط** که عبارت در بر کل دن  
 اسم مقصود لازم اولمیان کوزنک حذفند و حذف مذکور  
 ایام نوحه مقصوره در **نوع اول** حذف محذوف محل اخذ  
 ذکر نظیره موقوف اولیوب بعضی تصرفات سایر اید استعاط  
 اولمشدر و بونوع استعاط عینی اید تعبیر اولمشدر **نوع ثانی**

وجه شروح اوزن و ذکر نظیر و اسط بسید حذف اولوب  
 اسفاط مشایله اشتهار بولند **اسفاط عینیه** و سید عمل انتقاد  
 واقع اولدغنه مثال بومقاردرور باسم **میر عاشقان**  
 یارمک کوکلند بجد عار و آرکیسی دلا کورس شوق بی دلدا  
 بندنا ایدر غایت ابا یا یار تحلیل اولما غله رسم قلبه حرف یا  
 داخل و عار لفظک را می و شوق لفظک را می و من مراد  
 انما لفظک الف ساکنه سی اسفاط اولمشدر و باسم **مذکور**  
 بالکلیه بی بجد و یکدر رموز به برالم الک المزدید کندن اشک  
 دمدم که مراد فی قرآن بجدی یعنی مع رقی راد ن باقی ماند  
 و میم سی لفظه تبدیل و دید مراد فی عین تحصیل و اشک بجد  
 نکو آرنندن اول لفظ اشک کانه و ثانیاً مراد فی و معک  
 عینی اسفاط اولما غله باقی فلان دم لفظه مراد فی قان اراد  
 اولمشدر و باسم **صابریا** و **صاحی** دلانعی زلفک اورسون نش  
 اورر غزیه بجد چون کوزک ریش صابری ائند کوز مشهر صا  
 لفظک الیا با بجد بیل و دریش لفظک یعنی اسفاط و صاحی اسکند  
 صا و دریش مراد فی کجه لفظک افورس اسفاط اولمشدر و باسم  
 کجه بجد در الم و نیا و لیکجه و نواز کو دمدم بیدل مثال هر دو جان کله آنز  
 دمدم لفظک دال اسفاط و در مراد فی الم لفظک لامی  
 حذفه نظر باقی فلان ام لفظه حرف یا اراد اولمشدر

و باسم **میری** کور اول دلدا و بی بی رحم یاری بی بی  
 اولمه دلدا و بی یاری و امراد فی الم دن ایخ دفعه لام  
 اسفاط برونندن لفظ ام و برندن حرف یا اراد اولوب  
 سی لفظه تالیف اولمشدر و باسم **عسی** دلر باد ن این رموز  
 ابروب و هر دینه ابلش جفا که بی دلر شگسته دل سینه  
 بر مراد فی علی مهر لایمی و سینه نوبه اسفاط اولمشدر و باسم  
**عسیدی** جگر مانی اتفق و مشکل مثال دید بجد هر دم انما  
 مثال دید بجد نکو آرنندن اول لفظ یعنی عین نوب و ثانیاً دید  
 تحلیل اولوب دی مراد امک یعنی و و لفظک باسمی  
 اسفاط و کی لفظ قلبه حرف یا حاصل اولمشدر و باسم **اسد**  
 دروغنی کم کجا بند بر دیاشا و ایتدی اسدی بی دل رموز  
 صو کنی یا دایتمدن اسدی لفظک تاسی و یاسی اسفاط اسم  
 حاصل اولور و اگر اسدی لفظ تحلیل و دیب لفظ ترکیب  
 اولما غله است لفظک تاسی دل لفظه تبدیله صکر حرف لامی اسفاط  
 اولور سه ملاحظه افور و **واجب** در که سید اسفاط اول لاف  
 ادات انتقا و بعض نظر فاعله حاصل اولانکه بومقار و باسم **عسی**  
 ایدر خنده کورب اول شوخ قان بزی بر غده هر دم زار و کوزان  
 بزی تحلیلده بر لفظک باه مکور سی سی لفظه تبدیل اولوب  
 حاصل اولان لفظ زید و اسط بسید غم مراد فی هم لفظک میم

ایک دفعه از آن لفظ تبدیل اولوب حاصل اولان نیز آرد نارا اول  
اولان غین و بیک نظر نیک آفرین سوزان اولمشدر و **یکن که**  
واسطه عمل اسقاط عینی عمل کن به واقع اولوب ازل و نقاب ذکر ایله  
خوف اول و ابدی و جاودا ایسا و ابر عبادت اید خوف آفرین و ابدی  
و عارفی تعبیر اید لطیف و همی و خا لفظ اید ما بین الطیفین و نیمه و یاس  
اعتبار اولما غده نصف کلمه اسقاط اولنه نه که بومعنی سردن باسم **رجب**  
خیال زلفی کو کلمه نینجا اولور زلفین و کلید ازل بسنه زلفنه سردان  
در لفظک وال اسقاط و زلف مشبیه صمیم دل مرادنی بال لفظک  
با سید تالیف اولمشدر و باسم **بر آسم** مد رخن کو رسم موزی اول  
روز بی بی حجاب راست کلمه بر کون اول آرام جان بیتاب  
ارام لفظی لفظی تعالی و لما غده اکت محدود بی اسقاط اولور و باسم  
**حجت الیزین** بو جان و شور و کورب کوی غده منزله محبت  
ابدی برله در دهم دلی محبت لفظک باسی و بر مد لویسا  
الت اسمک غامی و در لفظک رأسی ابدی واسطه سید اسقاط  
ونی لفظی قبل اولمشدر و باسم **بیا له** غم سید در دل ایچون کور  
دن خایا دکل جاودا این در در دل هر دم دلا چون اهل دل  
جاودا این در در دل تکرارندن اولادر و لفظک تحلیله دل  
لفظک دایما مکور بجا در مرادنی فی لفظه تبدیل اولوب حاصل  
اولان نیل مرادنی بیک لای و ثابا در در مرادنی و اعلی بیک

دایا اهل مقول بیک الی اسقاط اولمشدر و باسم **یحیی** نه بر و آوردن  
چون وار در اید بزم مد یارا اولاهم در د جاوید بزم آردنی  
نخن و یار و در در لفظ نیک آفرین حذف اولوب لفظ نخ  
و صفای با و در مرادنی فی حاصل اولمشدر و باسم **لا بچی**  
رخ یاری مد زلفین ایزر احاطه ایلوب بر خا کز لکر  
زلف مشبیه لفظ لام و جمیم خوف با یل احاطه ایدوب آفرین  
اسقاط و جیک لفظی ازاله اولمشدر و باسم **شیر آغ** و جو  
عشق سردی در یا مثال اولدی عیان ساحل در دو غم اوله  
برین در انا و آن جان عشق لفظک طیفین اسقاط و در یار آردنی  
بحر تعجیب و در مرادنی الم و غم اولدی تحویل اولمشدر و باسم  
**و آشتی** دیوب اشحن عاقل اولانه مناسب اولدر بر بر میز اید  
و بر جاز مد آم اولمقی مقید صداع سردی گفت و شنید صداع  
لفظک طیفین اسقاط و شنید تحلیله شین مکور بی لفظه  
داخل اولمشدر و باسم **لا ز می** ایدوب در دی تبس اولمده غم غله  
مالا مال ایدوب دل التز امین عارس اولور می قلوب اعمال  
التز ام تحلیله ال قلب و طیفین تر آم اسقاط و لفظی تحویل  
اولمشدر و باسم **ویجا** عیب اولما ابتلائی دلبر پاکیزه ذیل  
بیچ ضرر و بر نر تو نندن اولا عارس جو میل اولا و میل لفظ نیک  
طیفین اسقاط اولمشدر و باسم **رز می** اولور سه سالک اخلاصی یل



کوکل آری را و اگر اوله عازم چو نیتی عاری عازم لفظتک عاری  
 حرف را به تبدیل و نیت لفظتک لفظی استقامت او نمند و به اسم **نیضی**  
 ابریک اف کینه طعنه او کلخ نیدی یا به کیند و به بی جا به سفید او لیدی  
 لفظی ساقط سفید لفظ لفظی ساقط سفید مراد فی ایض داخل او نمند  
 و به اسم **قدری** منور اولدس شمع رخطه اگر چه بر کج کاشانه دل  
 آهن قالمادی هر در شو تکید بجدا انه افندن خانه دل قالمادی لفظه  
 مابین الطیفین استقامت فخره لفظ در داخل او نمند و به اسم **قطب**  
 چاری دل بار بیک نیده بود قدر همیشه مرهم دلان طیب خایا  
 و در غافل میش مرهم تکلیف هم بلی مراد فی لفظتک من مابین  
 الطیفین ساقط طیب لفظه تبدیل او نمند و به اسم **رستم** یکدن استرسن  
 و مانعی ای سماح ایلدک خایا روسی چون تمام روس و تمام  
 لفظتک مابین الطیفین لرس استقامت او نمند و به اسم **سازگی**  
 مغیر او لور او دل کم اولمایه لور یا با بجد او لور جوزی خایا سر اغیارین  
 سر لفظتک رایی استقامت و خبار تکلیف حرف خنگ رسی باید تا لیفته  
 رسید او نمند و به اسم **قطب الزین** کوشه ذوق و طلب حال و اولد بر جای  
 جان کینج حسرت بیت آو آن اء الکرد ای زمانه کوشه ذوقدن  
 تان و طلب و اول لفظی خایا و جان لفظتک جادس لفظه  
 تبدیل او نمند و به اسم **مذکور** نیم قطر استو جک نولاس محترم  
 ساحل در بای لفظتک بی دل دمدم قطر لفظتک نصف اخیر

استقامت و در بار آرد فی لفظتک باسی تحصیل و بی دل نکو آرد  
 اولاد مراد فی بال لفظتک با معنوی صبی استقامت و ثانیاً با  
 ادوات تألیف اولماعدن معلوبه انصال اراد او نمند و به اسم  
**یوسف** جامه تک هر زکی خوشتر کرد او یحیی جدید خوب او غایت  
 و بی یاری بود و هم سفید بود لفظی و او عاقله اید ترکیب اولوب  
 لحاف ادوات تحجیف و ضی اولی غلبه بود و در حق سفید لفظتک  
 نصف اخیر لرس استقامت او نمند و به اسم **شیدا** ایلدک اول سرور  
 سر کشک سزای قدیمی مدرسی نیمه ماهی شقی اینک او بینی صدیقی  
 مدراد فی خورشید دن نصف اول استقامت و ما مراد فی این لفظه  
 بینی آفری یا داخل او نمند و **مجدد و غنی** ذکر اید هر کله دن  
 زن لفظی استقامت کنایه اولت بعید و کله زنه که بو قهاره و به اسم  
**سبزی** کت میل در باغب رمو زیدنه همان کورنه لایه غم دلان  
 مجود بر زمانه غم مراد فی هم معلوبی به مدلول سی لفظه زمان  
 لفظتک دن زن لفظی استقامت اید باقی قلان ما مراد فی بز لفظی داخل  
 او نمند و به اسم **میر** رضو که نسبت ای لفظتک قدر خوب صورت  
 بر سیکرته بدتر خوب تصحیف خوب بر تصحیف بر مراد فی زمین لفظتک دن زن  
 استقامت و سید اولوب و مد بدر دن رقم قرار آرد او نمند  
**و ذکر دو** استقامت رآیه و سید اولوب و فی نرا آگندن خالی  
 و کله زنه که بو مقاد و به اسم **عسی** اول طیبیم استرسیده اولدجت کنی

ازین عبارت

اشبه داعی بر دوامی و اریه سون آینه داعی لفظه سه و اولی  
 و اسقاط اولمشد و وقت بحر کجی او آسندن خوب شمس  
 ملاحظه سید اسقاط جن نوع نرا کندن خایا و کله رنه که بو معاد  
 باسم **حرب** ابلشدن عصر و قی طله چنی و عدو لمر کجی وقت  
 عصر و یونی ولد آردن اصلا خبر کعمر کجینی و در لفظک الی  
 اسقاط اولوب باقی تکلان در لفظن مرادنی نرا اولمشد  
**و جایز در** که اسقاط اولان حرف تعیینی دلالت قرینه است  
 موقوف اولانته که بو معاد و باسم **علی** نونی را قنوک قدرت الی  
 نسخ و تفسید عجب یازدی جلی عجب لفظک باسم اسقاط و جلی  
 تجلیس اولما غرضیم مقصود سی لفظه تبدیل اولمشد و **اسقط**  
**اسقاط کتابه و اسقاط** اولدغنی جامع و ربو معاصر باسم **عنا**  
 بیغم اولما رموزی نوله ایشد ربل ابدی غم از لیدن آن بیدال نزل  
 غم افزین و دن اول و آینه وسطی اسقاط و ای قلب اولمشد و  
 باسم **لامعی** زیر وارد هر دو کاند کسری راحت بوله ای دل  
 بلا دن کور عدم هر گوش هم خایا اوله ای دل بلا لفظی بر دفعه  
 و جن بی لام و لما غده حاصل اولان با دن مرادنی مع و ای  
 ولدن حرف یا حاصل اولمشد و باسم **نهاب** و نه که اولما دی  
 رموزی باشندن خایا بلا کجا اولوب منو که بی بوست که تون جلا  
 لفظ باش درت کبری محل تصرف واقع اولوب اولما خایا بلا که

با در اسقاط اولوب حرف شین و ثانی بی مؤ اولما غده بش لفظن حرف  
 ها و ثانی بی بوست اولما غده حرف الف در ابعاتدن جید اولما غده  
 حرف با حاصل اولمشد **اسقاط فضلی** و جن ایک نوع در نوع اول  
 اسقاطی مقصود اولان حرف بعینه محل خود ذکر اولمشد در  
 نوع ثانی حرف مذکور بعضی تقریباتک هدف تیرا شرت واقع  
**نوع اوله مثال** بو معاد و ربو معاصر باسم **ضیای** رخک عرضینه سندن  
 غالباً ناموس و آرزای تو عاری عرض غرضت کدر یارا  
 بو زای و آرزو عارض لفظن عار و یارادن حرف را اسقاط  
 و لفظی تحصیل اولمشد و باسم **فیضی** فیض حد خودک نظر ایلر دانا  
 اولان اید حاش ممدون لقی ضیایینا اولان نغض ضیایا تندن  
 ناما اسقاط اولمشد و باسم **مذکور** ذکر کردن سرکلان تیرا او کتر  
 یردن آریتمز او در دن عاقبت اندیش کندوسن بعید ایتمز  
 در مرادنی تحصیل و یر مرادنی ارض دن اسقاط و مطوع  
 نماندیک در مرادنی فنیک باسم تحصیل اولمشد و باسم **سلمان**  
 کوسر تندی بی بیول جای کویچک نفع تو رقم کلم کند و دن آن کویچک  
 کلمدن کلم او ای اراد اولوب کلم لفظن کلم حرف  
 مقصود اسقاط اولان لفظیه تالین اولمشد و باسم **حسن** و **حسین**  
 خشمید باقی کجی رموزی و بت جنی ای مهر میدر پاشن بلر مکن مکین

با سلفظک سنی بی لفظه تبدیلیه یا سنی عباریه یا مراد و یح  
 قوس رقی حرف حاصله و سینه و سکن لفظه ن مکی و با یک  
 لفظی استعاط اولمشد و باسم **زیدون** غم جگر اول بی ترجمه قبل اید  
 بر نام تو آن ای رموزی ازین بادی اشتها دوک آن **اوی**  
 لفظی دی مرادنی دون لفظیه اتصاله لفظه لفظ آن استعاط  
 اولمشد **رفیع** ثانیه مثال بومعالمه در باسم **احمد** اولوب کبریا  
 بیجا نسکن نوله باین جگر ستمی اندن **احمق** لفظی تکمیلی  
 وقاف ترکیب الماغده احم لفظه بای واقع اولان میم قان مراد  
 دم دن استعاط اولمشد و باسم **اق با با** و میمونک دیونک  
 کند و یه مایلدن **حق** که اول مدرض رضا را یلید دلدن **حق**  
 مدایک دفعه عرض رضا ایدوب و ایگ دفعه دلدن قاجد و قندن  
 مقصود آس و مرق لفظه نیک اوللری تحصیل و ایکن بال لفظه تک  
 لامری استعاط اولمشد و باسم **سحابی** صغه خط کور غسون  
 هرگز دیوما غدار **این** رموزی کسوله برابر سید اتدی یار  
 سید و انبر و یار لفظه نیک رالری استعاط اولمشد و باسم  
**باقی** اولی روشن کور رکن چشم جان کند و دن بی درین  
 اول ماهی نهان **ایک** دفعه مایلدن ماهی نهان اولمشد  
 اول ماهی مرادنی بالقی لفظه لامی و ثانیه ماهی لفظه دن

لفظ ما استعاط اولمشد و باسم **سجری**  
 جائه غم کله کور دی چشمه خفا ن اولور **هر** زمانه کور دی ابری  
 دیدی دل یاران اولور **هر** لفظه دن مغلوب با استعاط  
 تکمیلی بار آن وسیده واقع اولور و **جایز** در که واسطه استعاط  
 اولان لفظک حصول بعضی تقرقات اولانده که بوقعا **بسم** **ایوب**  
 حرفی ایدوب تا نیز غدن **حق** کور **دک** **سین** **این** رموزی حاصل اول اول کور بدن  
 لفظ ای حاصل و کور تکمیلند حصول بولان تک مغلوب **یکم**  
 لفظی رو بدن **هر** رقی حرف را استعاطه وسیده اولمشد **راسته**  
 استعاطک صریحا ذکر اید بعضی تقرقات وسیده حصول اولمان  
 جامع در بومعالمه باسم **و احمق** بان کور دی **هر** ایشل **یک** لفظه  
**حق** **کله** و **را** **ایکن** **زوان** اول نخل **بالا** **بر** **رقی** و **ار** **لفظ** **تکمیلی** اید  
 و حاصل در ایکن **الهی** استعاط و **رقی** **الحا** **ملحق** اولمانده حاصل  
 رکن **رقی** **جملتی** **رقی** **لفظک** **راسی** استعاطه وسیده اولمشد  
**و جامع** **تسین** **عینی** **واقع** اولمشد **بومعالمه** **بسم** **حبت** **الدین**  
**هر** **جوان** **ایدوب** **اول** **مجا** **تساب** **کون** **بوز** **اندن** **ز** **تسین** **تساب**  
**هر** **جوان** **لفظ** **دن** **هر** **رقی** **حرف** **را** **کون** **را** **ون** **عین** **لفظ** **ز** **تسین** **شبهی**  
**لام** **و** **آل** **تساب** **اولمانده** **رقی** **عین** **استعاط** **اولمشد** **و** **بسم** **احمد**  
**رون** **جانک** **ی** **بر** **مد** **چون** **مکن** **کحل** **هر** **وم** **اول** **جانک** **بوز** **کون**  
**بلام** **کوکل** **جانک** **صین** **در** **رقی** **لفظ** **دن** **و** **استعاط** **و** **دم** **لفظی**

لفظ ما

قلب اولمشد و با سبب **عرب** اولی هر دو دی اختیار و قریب اول در کتب  
 یوق یوزن اختیار را با بر و قریب کا زک اختیار که الی دیاری و قریب  
 قانی استفاط اولمشد و با سبب **فیضی** کاشانه قلبین کرک بر اید  
 نور شمر عدن **فیاض** معطی احد و ن سرمد فیض السین **فیاض** لفظدن  
 احد و ن الف و فیض دن نظیرین استفاط اولمشد و با سبب **زمانی**  
 زیور کلا و لور اول نطق تکبیر کشتی **بیدل** انجک ز کلبان و ما و چون انجی  
 نطق لفظک کانی و با یانکار اولمشد با ن تک حرف با می استفاط  
 اولمشد و با سبب **بیل** کون یوز لور استرا اولمشد لرا دل شیدا  
 اولمشد متابل بر تک یوق یوزی اصلا **نطق** می و متابل می  
 و قانی استفاط اولمشد و با سبب **علی** با کی اجنوب ایش شتاب  
 اولدی و بیوی اوب **بیل** ولدن روان اول نخل کل بجد بوش  
 بیل مرآوی لفظ عند لیدن دن معلول استفاط و نخل مشبه الف  
 تحصیل دلیل لفظک لام اخیر استفاط اولمشد و با سبب **فیضی**  
 و پردی بجد جو مرآه ضمیر کسر و اما **انکار** که متابل اولمشد لرا  
 ز لفظک راسی و غیر دن مر لفظی استفاط و ما مدلول لام تحصیل  
 اولمشد **اعمال** تکبیلی و **حجری** عمل قلب در که عبار تدر بر کله تک و  
 یادنی زیاد و تک بغیر ترتیب و وفدن و غیر مذکور اوج و جده  
 منقوره روجه اول بر کله بلا توفیق و حرف منکس اولمشد و وجه  
 نمایی بین الحروف نوره و امة اولوب وضع آخر ترتیبی مقتضای سبب

موقوف اولمشد و وجه ثالث کلینک معتمدی تا خبر و مؤخری تقدیم اولمشد  
 نوع اول قلب کل اید مستقی نوع ثانی قلب بعض اید ملقب نوع ثالث  
 قلب کل اید کلینی **ذکر قلب کل** مثال بومعاً لبر در با سبب **کفانی**  
 حقوق کل نفس بوم بعض **حسبی** سخن نطلب طلبنا عنک  
 مطلوب اولان تا عنک معلومید و با سبب **اوز** کوس جو جو یار و یوسر  
 رضاول **نکم** اندن کلور کورسون و اول **ول** کورین سون  
 رواعبار قیدر و با سبب **بارک** شود اندر کلوجون زهر نایم  
 و هوسقایی و هزاری **دل** کرایم **قلب** اولان کرایم عبار تیدر و با سبب  
**تبرک** شها چون حد دن اشدی غربت **دل** زیاد و اولمشد  
 کربت **دل** لفظ کربت انقلاب اولمشد و با سبب **کریم** و **میرک**  
 کردیم بی **دل** معانام یار ای رفیق **فتح** ایدر **دل** غیرن نام ندن زما  
 فکر و قیق **کریم** لفظدن استفاط و **الد** کریم و کریم انقلابند **میرک**  
 حاصل اولمشد و با سبب **دریس** لاله تک داغینی سیر ایدوب  
 کولر مش اول **سیر** **دل** هزاران کوستر استر سیر داغ **اکر**  
 سیر داغ عبار تنگ غمی **دل** لفظه تبدیله سیر و انقلاب اولمشد و با سبب  
**ایمان** همی کرد و همه غمهاش ز **بیل** کند چون با د نام با راد **دل**  
 یار عبار تند **دل** حرف راد لفظه تبدیله باقی و حرف اولمشد و  
 با سبب **ایمان** کوبید انکوما نور ایدین کون تر آرا کشت ما  
 از ناخن یار ای رموزی شرمسار **ناخن** یار عبار تند

X

X

X

ما را در قیام رکنه لفظه تبدیله باقی خودی قلب اول نور و بسم **تاج**  
 و لیر جان کو ستره بود کی حاصل چو جایز درگاه او کو ستره دل  
 جایز لفظن حرف اخر دل لفظه تبدیله و حرف س پر قلب  
 اول نور و با ستم **ما یق** کوزن آوزن یا نور و بدیلدی می یوزنه  
 کورده قیام دل یوزدی او آوزن قیامت لفظن تک تاسی  
 استعاطا اولم شد و با ستم **ایز ایزم** نیز یاران بلا دن بر زمان  
 بخشش دلم غدی کور و بستر غزل اولمی هار ب کولکل و بسم **حسین**  
 قد بود و غم کی سخن جلیس استرسه عاقبت دل بر این سن بر مرادنی  
 احدی دل لفظه و الف مفعول بیس لفظه تبدیله اولو با و تر کب  
 نیسج قلب اولم شد و با ستم **دانی** خون خودی کدی نامق و بکل  
 ذوق بیغت جو با دار و دل بیاد لفظنک بجهنجی قلب اولم شد  
 و با ستم **عمر** قامت و لعل که تشب اولدن شو بدیل و لبر  
 شمی شرای غایت استرا اولدی دل شمی لفظنک شین مفعول بی  
 رایه تبدیله و با ستم استعاطدن صکره قلب اولم شد و با ستم **رمضان**  
 صاملی روی زمین ناور فرغ اول قناب استن شو قدن اولو با بر ضیا  
 دل بولدین تاب انتاب رقی سن زمین یوزنی حرف زاعدی  
 دیدن ایله تالیف و استن مرادنی مار الفی صاملی لفظن حاصل  
 ضا و یا مرادنی ام لفظه داخل اولو با حاصل اوله ناصم لفظه  
 تبدیله اولو قدن صکره حصول بولان ناصم قلب اولم شد و با ستم

**غنائی** اولی بر کوز موزن منزلذ کور می یوسف تا خشر اید  
 سر کشته لیا یان غمی می لفظی میغ یا نغم لفظنک میی استعاطدن صکره  
 قلب اولم شد حاصل اولان غنائی لفظه تبدیله اولم شد و با ستم **عقوب**  
 کور سه یارن مرادی در حاصل رخ بار اول چون توقع دل  
 رخ بار دن حرف یا تحصیل و توقع لفظنک قلب اولم شد و با ستم **تعلیلین**  
 او می بی کیم اولدیر شیه ما غیب نولایدیر کور ب عکس دل طلب  
 مرادنی مرقانی تحصیل وین دل اب ترکیب لفظنک حرف طاب واقع  
 اولم شد و با ستم **ایوب** بلور هر جای در خون کولکل بویله قتی عاریا  
 یور جان بویله دلته جان لفظنک طوقنی استعاط و بویله لفظنک  
 دل کی دل لفظه تبدیله باقی خودی قلب اولو و با ستم **کاکلی**  
 یرا شور سن شنه کجا و اطللس دل سیکه بر دوشن بیک بسین  
 دل سیکن کاف و بر الف در و بیک قلب اولم شد و با ستم **مولانا محمد**  
 اوم تلبایر نیاد اگر انیم لیب و ما بر نی می سونید اقلیه من لیب  
 قلب الوسم نا لفظیه تالیف و اسم لیب محمد و احمد و محمود و غیر  
 اراد او بحق جایز در و با ستم **ایمان** دل عاشق اولو افغانه اکثره  
 که شوق ایمل کولکل خنبا کرا استرا ضیا لفظنک قلب و کمر ادنی ان  
 لفظیه تالیف اولم شد و با ستم **احمد** دیلدی کولکل تو تک بیج  
 برسی ایلمدی کولکل آمار موزن کور او معوش دیلدی لفظیه  
 کبی قد دخی قلب اولم شد و با ستم **مرغفان** طرف نما و کولکل کور اعدا

ایدملر و زهره **جو دریا لکر کش** شور موزی مردی دل هم  
 دریا مردنی نیم و ش و وراسی استقامت و نظر در تب و لوب  
 و دم لفظ ن مرادنی فان حاصل اولمشد و با سیم **بخوبی**  
 چند دارم حال دل منجی بگویم انظار جان بول شجون نور از روی باز  
 جان لفظک انی استقامت و نظر موفقی کی قلب لوب روی یاردن  
 حرف یا حاصل در و با سیم **فر کون** آید کرت اندیشه ازین اشک تراوان  
 در زورق دل کوی سازستان جان که مقبولی زورق قلب داخل اولمشد  
 و با سیم **غوب** سیغ غریبه کور و سید و نوب کولیم جو غیرتدن و در زورق و نوب  
 غیرت لفظک ساین الطریق قلب اولمشد و با سیم **میرزا** سوز و پشیمک  
 طاشند رخ اشک طلسم اور و بجهت قلب زری بن صوبه صلدم  
 لفظ زری مقبولی صور مرادنی مایه داخل در و با سیم **عسی** عاشق  
 اولی هرگز اولمشد فصل **یک بیل** اولور سه غم و لبر و دل بر مرادنی غم  
 غم مرادنی هم قلبی یعنی حرف لام عدوی کی لفظه تبدیله لکرت قلب  
 اولمشد در **بکلمه** خایب بقیدن در لفظ مؤرد تجزیه اولوب شفته  
 بشقه قلب و لوق نه که بو معما و با سیم **نارس** اشک تا بند ای  
 خور نشال کور مدنی ضرر دل اول ضرر نشال **اندر** تحلیل اولما غده  
 اف و سر قلب اولمشد و **چایزور** کوا سله قلب اولمشد لفظک  
 صوبه بعضی تقرناته موقوف اولانته که بو معما و با سیم **سجی**  
 کتمه بن قادم دیگر جهانده کسسه **جون** خبر شایع اولمشد خلق اند سولینه

ش او زرنه خاتجی جای مقصود و تو عید ترکیب اولنا ن حشایع  
 لفظک انظلمه و سیده اولوب و مقبول مذکور خلق ولی لام عدوی  
 سی لفظه داخل اولمشد و با سیم **یوسف** غم بخیاره عاشق می فراید  
 جو سوی خود و مادام دل هوایید سوی لفظک کندوی یعنی با سجاد و مرکز  
 تبدیله سول در دل در عبارات حاصل اولوب مقبول سول لفظی فی قلبه  
 داخل اولمشد و **اسطه نیک** کجا ذکر اید کنایه سیده اولمشد جامع در  
 بو معما لرم **در و شب** جملک عکس نقیله بر انوار اول اولدی یوزو که  
 مرآت ای بار اولدی مرادنی شد مقبولی یوز لفظه مرآت و مرآت نما غده  
 عکس شکل کوسز و با سیم **مذکور** دل دل ن رنگ نمشالی زایل  
 یوزک مران اولدی ما حصل دل اولدی مرادنی ضد لفظ یوز مرادنی  
 روی لفظه مرآت تصور اولما غده عکس کوسز و با حاصل اولان شیور و  
 عبارتی قلب اولمشد **تلفیضه** قابل بو معما لدر با سیم **قطب الدین**  
 قطاب نیل و صلک لکن نوقت **اسباب** لعل یغوی و اجنما غما  
 نوقت بولان قطاب نیل عبارتی در و با سیم **مذکور** چوز لفظک استین  
 بولدی ضمه تنه جان مهمم ایدی او بری شان قطاب قلدی همان  
 بریشا ناولان قطاب قلدی تعبیری در و با سیم **میرزا** از آرم من و  
 نزارم بهمان و کرم دارم اولان نظارم بر همه و ز با ر هم و با سیم  
**تنبور** یاقید لا ابالیه افسر نه در و کسر بخون کسر برهنه زولید  
 مو پتر زولید اولان مو پتر تعبیری در و با سیم **حدی** ضمه هر

X

X

X

X

دعوی تحقیق اکثر تعلید در بل موحد آن کیم اشفته تو حید در  
 و باسم **ازمی** در **زری** می برده صوبه ملا غو که کرمز  
 بر رسد سن ای بو اشفته بر مزه و باسم **یعقوب** دم مخوجی یوق  
 شو تک شباب اولون یا شاپ اولون اگر عیب سیر اولوغ اشفته  
 تو عیب اولون و باسم **فاخری خان** قلب بعضی دیدی نابند ضیای  
 حق سن مذهب بعضی کور زل مطلق سن ضیای حق سن  
 جارتدن قلب بعضی جریانه اشارت اولمشدر و باسم **معاشقا**  
 و کلمه زور و شد اشفته در **پیشانی** مر این عشق آورد  
 و باسم **مذکور** عاشق اشفته را از یار کویا شو خوش غیر آن اشفته  
 عاشق را نمی آید بکوشش اشفته اولان عاشق را نمی ترکیبی در  
 و باسم **مذکور** سر عشقی ایچون ایدرم ولد نهان اوله لره قورقم  
 اشفته عشق باران و باسم **مذکور** فراغ خاطر اولامی امکان  
 کور کن قاشی رعنا می پریشان پریشان قاشی رعنا م تغییر در و باسم  
**مذکور** و بر ال جمعیت خاطر رموز بی وله ای دیگه ذکر اول  
 پریشان نام بار عشقه نام یا عشقه تالیفد فکر پریشان اولمشدر  
 و باسم **مذکور** پریشان در دل شید اجون جاود آئیده اولبد سن پریشان  
 عاشقی زیر از مانیه عاشقی لفظیه زاسی رایه بدل زمان تالیف  
 اولاد فکرم پریشان اولمشدر و باسم **فردوسی** زلف خود را چو شکست  
 آن صنم و داد با و دل اشفته بی دور و پریشان اقتاد

اشفته

اشفته ولی حرف ناسی دور عبارتی ایله تالیفدن صکره پریشان و اشفته  
 و باسم **شعبان** عشرت با و ک اساسی یا تزلزل بولسون یا بنای  
 عیش نامهور و بیج اولسون بنای عیش ترکیبی نامهور اولوب  
 یالری اسفاط اولمشدر و باسم **سجایی** در همه اشعار آن معجز نما  
 سحر با جد بین ای اشفته بنای سحر دن را اسفاط و بنای اشفته اولمشدر  
 و باسم **میرزا** نه آندرا اول آفت کیم قیامتدن علامتدر ای دن اشفته  
 بولای دل رموز بی ای اوقات در رموز بی ای دل اشفته قیامت ایله  
 ظاهر در **قلب طحی** مثال بو معالمر در باسم **سیدی** عجب نیدی که کور دم  
 بر چو آینه دون اول مهله دکشد یله مطاسا دون مرادنی دبی و مه  
 مدلولای مقدمه و موقر اولمشدر و باسم **ارغمان** بر نه اولدی بیلا اوله کور  
 دل غیله اولور سه زیر و زیر بر عدوی الف مر قی را یله تالیف و کور  
 مرادنی از غم مقلوبه زیر و زیر اولمشدر و باسم **مهاجون** دلده عشق  
 طور مدن بر در دید اتمه کور کور سرب با ز غیله زیر و بالا اتمه  
 با ز مرادنی ایون غم مرادنی هم لفظیه زیر و بالا اولمشدر و باسم **ساقی**  
 بیل اول بری تکی ترکیبی بو کلدن اوت جمان ایله تصور قیاس دلدن اوت  
 قیاس تخلیقی لفظیک اسر نلبندن تاجرنه وسیله اولمشدر **نظم**  
 چو شمیلی و شمیلی و تکلیلی بیانا اولدی **تجسینک** قواست و انواع عیان اولدی  
 عالی در شروع شرح تندی قلیوسه بیان اولیوب اولدی **نظم** اولیوب  
 ناظم معایه ضروری اولان اعمال عون ذوالجلال و الجلال ایله بالتمام

لا ملامت

والکمال انعام و استكمال بولوب من بعد رعایتی محسنا نند معدود  
اولان اعمال تبدیلی بیانند شروع اولوز معلوم اولان اعمال مذکور  
العی قسمه مشتمل بر **قسم اول** **تجرب** **تجرب** که حروف ساکنه یا حرکتی و متحرکه یا ساکن  
و یا حروف متحرکه در آنند موافق اولمیان حروف تغییرین عبارند زنده که  
بومعالمرد با **بسم عمر** بوزن حسته بولوزی حیات جاودان  
اول نمی برکت کورس عمرند همان **عمر** لفظ هم منتهی میم بود کورنی  
مفوق اولمانند کنایه و **بسم تعی** بکورد بعبیدن از باب زهدی  
ایدیدی و لاین مکور تقوی **تقوی** لفظ تان مکور و و اول سقا  
اولمشد و با **بسم تنای** انگذ نقاب ولدوغی انتنای بلبدم  
اجوب رخن اول بن الحانظار **تنای** لفظ الفی استقا  
و تانی مفوق **بسم حصی** استریکی ای موزی بی اول انشنة  
حال حاصل دل ساکن اولق بی کنا را اولو حال حاصل لفظک  
صاوی سکن و حال بی لام تکلیله لفظ حایم معنوی تبدیل اولمشد  
و **بسم میر** با دشا هیله برابر اول قول جون زمین ساکن اول اول  
زمنی لفظی تکلیله بین لفظک یون حرف زالیج زایه تبدیل اولدند نظر  
را سکن اولمشد و **بسم یعقوب** دما تحریک بدوب اتمه الحان منزل  
کند و حال اوله یعنی فوجی ساکن دل قوی لفظک باسی سکنند صکر  
جو وینه تکلیله یعنی لفظن نی قوی لفظه تبدیل اولمشد و **بسم سنا**  
دهر بیزی بزجاج آسند **سنا** تکلیله **بسم سنا** لفظک بجز قابل میدر

سوی

بر بجز مرادنی سنا لفظک لام مفوضی مکرر اولمشد و **بسم سیر**  
بر دل اکثر نکد جوز وغیر ناوک **سیر** لفظک سیر شد با **بسم سیر** لفظک  
سنا لفظی قاعده فرس او زر با اوج جزو تجلیل اولمانند بی لفظک  
باسی مکور وری لفظه تالیف اولمشد و **بسم تبصر** کدر لفظ ضروری  
حاطون غم **تبصر** بوزنی کوزی کتمه بردم **تبصر** مرادنی فی لفظه  
ضر لفظک اولدی مفوق قلمش در **بسم علی** رو آمی بلک بی **تبصر**  
بیای و لفظه بار غدن **علی** بار لفظک الفی استقا لفظه **تبصر** باقی  
غلان بر مرادنی علی تک لامی مکور قلمشد و **بسم حسن**  
ایدرا لفظه حسن اید او هر **حسن** کت و مهر برین آلا که ابرو لفظک  
نوزندن ماعد آسند انقاصه اش رت اولمشد **اعمال تبدیلی**  
**قسم سنا** **بسم سنا** در حروف مخفی می شد و **بسم سنا**  
مخف قلند ننه که بومعالمرد **بسم عبد البر** بنم بر نیجه کیل غم  
اولوزی حاصل بردم **عبد البر** قولک افغانم استر بر **عبد البر**  
قول مرادنی بعد کد آلی اسمیه تبدیل و بر لفظی شد و مدغم ترکیبی  
وسید اولمشد و **بسم تبرک** خوند اولدند و آنچه نیمه اید ای  
طوندی چی رک جانی نه بو شد ای **تبرک** حما مرادنی ت رک  
لفظیه تالیف و مدغمی **تبرک** شدید احداثه اش را اولمشد  
و **بسم خبام** وجهی و آر و رخن یا بگون دسم نا در در  
شانه زلفن و لرسه کندوی حاضر در **خبام** خد یا رم لفظن در

X

سن



لفظک استعاطه تا در تجلی و سبب و شدید و الکف یا اوزر  
 ایضا اشارت اولمش در بسم **اوم** و این در خود دل که  
 زیر عشق برسدی خلاص جان در دل بری از همش دیدی  
 در در ادنی و اقلب و تحت تجلی و شدید تر کسبید هم لفظن  
 شدید بری غمش در بسم **صبا** عجب شدتی وارزوها که  
 بیج او مولودی بوشدید بهیج اول صبا ایامی اولزدی  
 ایامی لفظن شدیدی از آله و الف مقصود صبا لفظه تبدیل ایته  
 حاصل صبا ایامی تجلی اولنوب لفظ با سید تالیف واقع اولمش  
**قسم ثالث تعذیلی مد و قصر** که الف ممدوده مدی از آله  
 شدن و الف مقصور مدی اهداشدن عبارت در نه که بو معالره بسم  
**اوم** بنم اومه نکلین در دیما کنوا چو دیگر بارسی دیکه بیدل مد و قصر  
 اول لفظی عم مرادنی هم ایته تالیف شد بیدل مد و قصر عبارتیه حذف  
 مدته اشارت اولمش در بسم **اش** خاطرش آزد شد از من مکر  
 زانکه رفت و نامدان ممد و کمر آن لفظی اولای مد اولوب و نامیا  
 الفنی لفظه تبدیله حرف سین حاصل اولمش در بسم **آنی**  
 آمدن ایرش چنه ذر شکر کور سمد و کور هم دود ای شوی عجب  
 لفظ ممد و ترکیب اولنما غله آن لفظن سمد و شهنی الف اوزر  
 مد اخذات اولمش در بسم **اوم** حکم اعلا اشندن لفظی غافل اندن  
 حدی یوق ادنی ول و و و شد بر کوشدن اول لفظک یا سی

x

x

استعاطه

استعاطه نضک او لند ممد و و و دوش یعنی الفین ممد و کور و آوندن  
 و و شکله یعنی اسکله دیک مراد اولمش **قسم رابع اعمال تبدیلی**  
**اظهار و اسرار** در کعبه آرتد صورت خطی دی باز یلوب تلفظن  
 سا فظ اولن و آو و با و رسمی تلفظ کور یلوب و یا خود و او و با و  
 صریحه کله تلفظن سا فظ قلوب رسمی اعتبار اولمش در  
 نه که بو معالره بسم **شکلا** کرک و بو آره او یون باشی کشی کرک  
 بلاکم کلکو در عت طاهر کلور بفت ناشه لفظن با اظهار اولمش  
 کجیل اولما غله بلا لفظک یا سی لفظه تبدیل اولمش در بسم **حز**  
 تکلن سوزد بار غم یا نه ایته کلر چو یولد سینه بلا عبارته  
 یول مرادنی رأی لفظن شب عبارته کلک شدن رسمی اعتبار  
 اولمش در و بالا مشتی الفک استعاطی اراد اولنوب مطیع اولدن  
 با مراد بیغ حمل لامی استعاطیه صم حاصل اولمش **قسم خام**  
**اعمال تبدیلی نوب و تجسیم** در که عبارت در لسان فارسیه  
 مخصوص با و صم و ز آ و کاف عربی تلفظن و بالعکس نه که بو معالره  
 بسم **زال** کلی او یک هزار قرشوا لحنی برای یکی قطر زان زاید اجنی  
 زال لفظن علامت زان فارسی اولان لفظک یکی ای از آله سید  
 زان و عربیه تبدیل اولور و بسم **بیری** رموز بی ریایی ایستگرن  
 کر که در پیشکش برای یکی کوه بیر لفظی حرف یا بد تالیف نضک  
 با سنه یکی لفظ از دیا دید پای فارسیه تبدیل اولور و بسم

مفصل

**بیر** سر غش باشد کور اول امیری روزی بر کوه دستار بیری  
 بیری لفظک دستاری که حرف با در نقطه لری کثرتی با زما سیم  
 بند یعنی معین در و با سیم **سوز چلی** زهر تر با کینی بر بدم روزی حاصل  
 اید ای آبی سر ای بر جاب غم دلی سر آب لفظک تکلیف ای آبی تانی  
 الفی آبی اولدن مراد مرادنی سفر جل لفظه بندیل و چینک  
 لفظ لری کثرتی جیم فارسیه بندیلنه واسطه اولور و **لویب و نجیم**  
 جامع در بو معنی لری با سیم **چاکر** جکر و از تر رسه تیزی دلدار  
 اکی زخم اوچی اولور ناپدید آرا جکر لفظه ایکی لفظه از و با دی محلی  
 جیم عربی در که جیم فارسیه بندیل و اوج لفظه بشتمل کاف فارسیه  
 که ضد فیلد کاف عربیه مبدل اولمش در **قسم سوسن اعمال تدریجی**  
**بجول** در که عبارت در و او و یای ساکنه ما قبله و واقع اولوب  
 اما لایه استفعال اولنا نضمه و کسر و یضیح و مفتح اولی نضمه و کسر  
 اما لایه اوله او مقعدن نه که بو معنی لری با سیم **مصور** بردنک بند و کینی  
 بن بلده کم او بکل صلک بندن طلبا بصور رفعی معلوم قیل  
 مرادنی حنی دن صلک صور لفظک اما لایه اولان نضمه سیمی تقریبه  
 اشارت اولمش در و با سیم **بیری** یا بورک لازم کشیه جنگه  
 و نغمه صحیح یا د مور کو کلک کرک کسر و بدم باشد نه صریح  
 کو کلک مرادنی پیر این دن و مور مرادنی این حرف با بیه تبدیل  
 و این ک کسر غیر صریحی تقریبه اشارت اولمش در **خاکه**

شول

شول معنیات ذکرند در که اسم مقصود اشارت اسم مذکور  
 بعضی نقرات او اسید حاصل اولان لفظ ذکر اید اولانته که  
 بو معنی لری با سیم **حسن** ایوب محو لباسید عجیب بند اندک  
 بغلیب دل غمده نامایه خشنه اندک غم لفظک میسم مقصود  
 تبدیل اولما غمده خشنه لفظ حاصل اولد و غمدهن اسم مقصود حسن  
 اید و کن ظاهر اولور و با سیم **حسن** نامنی صورسه اموزی  
 بو تیز که نشان چکه پای و کسری او زر الف اید و با صان  
 پای و کسری او زر اولمق الف حکمطه احسان اولان حسن  
 اولور و با سیم **زین** ای سر و کینی نامکی ایتمکچون روشن  
 قلک بر استور تاج مناسبه زین میسم مقصود اید زین اولان  
 لفظ زین در و با سیم **بهمن** یا ذکر دم ناما بی نهایت  
 نام تو زامنی دانست هر کس نام با کرام تو با معنوی  
 الف مذکور اید بندیلده من اولان عبارت بهمن اولور  
 و با سیم **دار** صورانه نامکی زمر لیه جانان دهانک کو کسروب  
 اید مدارا دهان شهبی میسم اید مدارا اولان لفظ دار اور  
 و با سیم **اکمل** سنگ نامکله موصوفه اولمق بر مردای کامل  
 کر که در کیم اول اول مرد اکمل جمله دن فاضل مرد لفظه  
 صفت اولان لفظ اسم مقصود اولد و غمده اشارت اولمش در  
**و جابر** در که اسم مقصود اشارت علوم اوبتیه دن

X



بعض فن مصطلح است اول آنکه که بومقارن با اسم **حسن**  
 یزید و غنم، ازل بود بید و دوران با زلمش اولنه اسم فاعل  
 باب احسان اسم فاعل محسن و زنی او زره  
 کلد و کن فن تقریبه و توفی اولنه معلوم در و با اسم **و کجی**  
 شغل فقه او زره ایض سن نیمه ای و بجه میل  
 فقهای خفی و تزه و بر لرا و دل  
 اصطلاح فقها و وتره واجب دینوب اس و لدن با  
 حاصل در و با اسم **کاتب** کتابندن او کوب اید رسم نو  
 کیم امر کتابندن کو کل اولدن نیم کتابت مصدرندن  
 صیغه امر که اکتب در نصفی تلب و شدر  
 تم اشراج بالسلام والاکرام  
 فی سطور **حسن** نه نطق  
 عنی الله ۹۸۸

مدرج و محل تحسیر

۱۶  
 دال که چهار است  
 در چهار ضربت کوریم بعد از  
 طریقه بیست است باقی مانده

اب چه در و سز چ طوی کول  
 م ن س ع ف  
 ۱۲ ۱۴ ۱۶ ۱۸ ۲۰ ۲۲ ۲۴  
 ص ق ی ر ش ت  
 ۶ ۸ ۱۰ ۱۲ ۱۴ ۱۶ ۱۸ ۲۰ ۲۲ ۲۴  
 ث خ ذ ض ظ غ  
 ۲۰ ۲۲ ۱۴ ۱۶ ۱۸ ۲۰ ۲۲ ۲۴

بکرم  
 اوردن  
 من

